

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

هفته جنگ
ویدئو

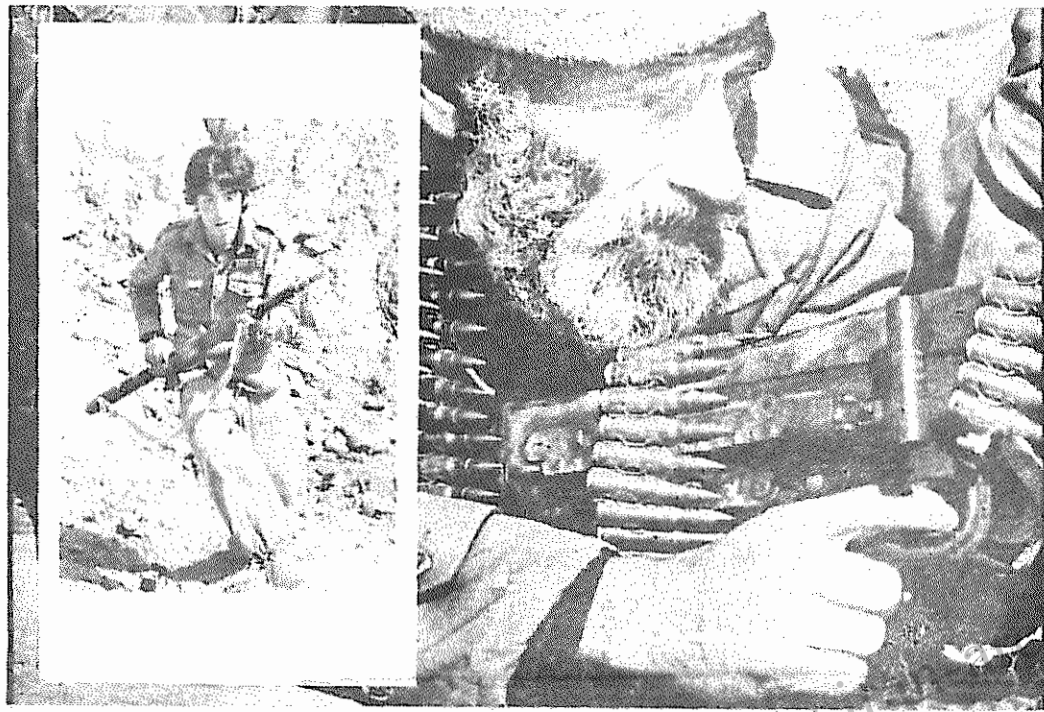
کس

ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

سال سوم - چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۶۰

شماره ۱۲۷ - ۲۴ صفحه - ۳۰ ریال

یک سال پایداری غرور انگیز خلق



☆ وقتی امروز یک سال پرحادثه‌های را که پشت سر گذاشته‌ایم مرور کنیم خیلی آسان می‌بینیم که واقعا چه کسانی در عمل فدائی منافع و مصالح خلق خویش و رزمنده راه استقلال میهن بوده‌اند ، چه کسانی در راه پاسداری از تمامیت میهن جنگیده‌اند و چه کسانی در همان سرایشی که رژیم صدام و حامیان او می‌خواهند لغزیده‌اند . و این درسی است عبرت انگیز برای همه ما .

در صفحه ۲

۶۷ شهید فدائی

لاله‌های سرخ سنگرهای مقاومت، در قلب بزرگ خلق، همیشه زنده‌اند

☆ یک سال از نبرد بی‌امان خلقمان در برابر تجاوزگران گذشت .

در لحظه لحظه این رزم میهنی، خون پاک فدائیان خلق بر بلندای سترگ زاگرس ، بر گستره دشت‌های خوزستان برگرخه و گارون جاری شد تا سرخی صبح پیروزی زحمتکشان را نوید دهد .

رفیقان فدائی ما در شرایطی به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی برخاستند که از سوی "چپ‌اندیشان" راست کردار مورد ناروایتین اهانت‌ها و از جانب جمهوری اسلامی به جرم شرکت در جنگ مورد سخت‌ترین پی‌گردها بودند .

☆ آن زمان که آوردگاه‌های خون‌فام غرب و جنوب میهنمان شاهد جانباخته‌ترین فداکاری فدائیان خلق بودند رفقا عادل اسکندری ، عبدالباسط ، یعقوب یزدانی ناجوانمردانه به جوخه‌اعدام سپرده شدند . در صفحه ۱۲

نیروی اصلی جنگ مقاومت میهنی کارگران و زحمتکشانند

در صفحه ۵

بازتاب جهانی جنگ تجاوزگران
رژیم صدام علیه انقلاب ایران

در صفحه ۲۲

اتحاد کلیه نیروهای
هواداران انقلاب،
کلید مقابله با
دشواریه‌ها است
در صفحه ۹

اینگونه خشونت با خطا کاران، امپریالیسم را شادمان می‌کند راه را بر بازگشت خطا کاران ببندید

در صفحه ۴

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

یک سال پایداری غرور انگیز خلق در برابر امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوری صدام

پارسال ، وقتی تجاوزگران به توای میهن انقلابیم یورش آوردند ، وقتی جنگنده‌های صدام مذبحخانه نمایش هوایی برق‌آسای موشه‌دایان را در تهران ، اهواز ، شیراز ، تبریز دزفول و غیره تکرار کردند ، و تانک‌های تجاوزگر ، گستاخانه از مرزهای غربی و جنوبی گذشتند و بر زحمتکشان عرب ، فارس و کرد مرز نشین آتش ستم و تجاوز باریدند وقتی تفنگ‌های تجاوزگران دل‌های گرم پر از امید خواهران و برادران خوزستانیم را شکافتند و سینه‌های ستر هم‌میهن را در کوهپایه‌های غربی دریدند ، وقتی خبر ورود ناگهانی و گسترده لشکرهای زرهی تجاوزگران به خوزستان و قصر شیرین با آب و تاب از دهان کثیف نوکران ستم و استثمار و تمامی بلندگوهای آنان با هلهله و شادی چندش‌آور و مذبحخانه‌های تکرار می‌شد و دشمن ، سفیهانه باور کرده بود که ظرف چند روز خوزستان و مناطق غربی را اشغال می‌کند و در گام بعدی جمهوری اسلامی ایران و انقلاب را به نابودی می‌کشد ، آری در آن روزهای سخت و تلخ ، در آن روزهای اشک و خون ، فرزندان انقلابیت از نوجوان تا پیر از پاسدار تا سربازان و افسران ، از رزمنده کمونیست تا تمامی آنهایی که قلبشان برای میهن و انقلاب می‌تپید ، جان برکف گذاشتند و از تمامی شهرها و روستاهای سراسر ایران چون سیل خروشان به سوی جنوب و غرب جاری شدند . . .

میهن انقلابیم !

فرزندان با دلی پر درد و خشم اما با دنیایی از امید به صبح پاک رهایی با همسران ، فرزندان و خواهران و مادران خویش وداع کردند ، از زندگی از جان شیرین خویش این عزیزترین و ارجمندترین چیزی که داشتند ، گذشتند تا از استقلال و رهایی تو نگذرند . . .

اینک یک سال از آن روزها می‌گذرد ، یک سال پر حماسه ، پر قهرمانی و سرشار از مقاومت ، یک سال ایستادگی شگفت‌انگیز در برابر تجاوزگرانی که با تکیه بر حمایت همه جانبه ارتجاع منطقه و جهان می‌خواستند ظرف چند روز ایران را تجزیه کنند و تمامی دستاوردهای انقلاب را برباد دهند .

امروز از آن سیل خروشان که در دفاع از خوزستان و غرب میهن از سراسر ایران جاری بود و جاری است هزاران قطره ، هزاران قلب پر عشق و امید در راه حرکت بی‌وقفه انقلاب از حرکت باز ایستاده‌اند ، میهن ما امروز داغ این هزاران شهید خلق را بر دل دارد ، اما آن سیل خروشان و دشمن‌شکنی که بر بستر اراده خلق کبیرمان جاری است ، توفنده‌تر از همیشه بر پهنه‌ای از سرزمین‌های غرق در لاله‌های سرخ مقاومت می‌غرد ، با خشم انقلابی بر پایه‌های لرزان ستم و تجاوز می‌کوبد ، دم به دم پس‌مانده‌های پلید تجاوز را از دامن میهن می‌شوید و به خلیج می‌ریزد ، و لحظه به لحظه ماهیت پوشالی تجاوزگران و حقانیت پیکار عادلانه خویشرا آشکارتر می‌سازد .

مقاومت عادلانه و قهرمانانه خلق ما امروز درسی به عظمت تمامی شهیدان خلق برای همه خلقهای زیر سلطه جهان و برای همه آنهایی که در آتش سلطه و تجاوز صهیونیسم و ارتجاع می‌سوزند ، دارد .

امروز وقتی یک سال گذشته را در ذهنمان مرور کنیم ، می‌بینیم که حتی بر شمردن یکایک حماسه‌هایی که هر یک درسی و پیامی دارند دشوار است . پاسدارانی که در سنگرهای نخستین جبهه پایداری ، مرزهای میهن راه گورستان تجاوزگران بدل ساخته‌اند ، نظامیان میهن‌پرستی که امروز یک سال است با وجود کمبودها و ضعف‌های گوناگون جنگیده‌اند و ارتش عراق را در زمین هوا و دریا فلج کرده‌اند ، رزمندگان کمونیست که صفوف مقدم جبهه را با رنگ سرخ رهایی از استثمار و ستم آذین بسته‌اند همگی سمبل فداکاری و مقاومت خلقی هستند که می‌خواهند سربلند ، مستقل و آزاد و در برابری و برادری زندگی کنند . همه این رزمندگان در

هر گوشه مرزهای اشعالی حماسه‌ای تابناک آفریده‌اند ، هر وجب از مناطق مرزی ، امروز بازگوکننده اراده تزلزل‌ناپذیر خلقی است که جهان را از پایداری و سرسختی خویش به تحیر واداشته است .

تجاوزگران و حامیان ستمگر آنان ، وقتی نقشه حمله به میهن انقلابی ما را می‌کشیدند ، هرگز تصور این چنین مقاومت غرور انگیزی را در ذهن‌های حقیر خود راه نداده بودند . آنها هرگز نمی‌توانستند بفهمند که خلق کبیر ما با همه هستی خود از تمامیت و استقلال ایران دفاع خواهد کرد و آرزوی جدایی سرزمین خوزستان را در قلب تجاوزگر به یاسیدل خواهد ساخت

اگر امروز خوزستان همچنان پاره تن ایران مانده و خواهد ماند ، اگر آبادان قهرمان یک سال محاصره آتش زرهی دشمنی را که برای اشغال شهر حتی از بمباران بیمارستان‌ها نیز شرم ندارد با سربلندی و غرور پشت سر گذاشته و در پشت دروازه‌های تسخیرناپذیر خود دشمن را به خواری و ذلت انداخته است ، اگر قایق‌های ایران همچنان مغرور بر کرخه و کارون می‌رانند ، اگر چاههای نفت جنوب کسسه امپریالیست‌ها در آتش آز آن می‌سوزند در دست‌های توانای برادران ماست ، اگر امروز خلیج فارس جولانگاه یکه‌تازی‌های ارتجاع منطقه نیست . اگر قلب پر تپش انقلاب همچنان می‌تپد . . . این همه ثمره رشادت و دلاوری‌های صدها هزار رزمنده جبهه‌ها و حاصل پایداری تحسین‌برانگیز و شکیبایی آگاهانه میهنی‌ها ایرانی رزمنده پشت جبهه است ثمره خون آن کودکی است که بمب به دست ، خود را به زیر تانک جلادان انداخت و قلب کوچک و پراز مهرش را در راه استقلال ایران نثار کرد ، ثمره رشادت آن پاسدار ، سرباز ، افسر و فدایی رزمنده‌ای است که به دور از چشمان نگران همسر ، برادر ، پدر ، مادر و فرزند خویش در دشت‌ها و کوهپایه‌های خوزستان و غرب میهن که فرسنگ‌ها از زادگاه او دور است ، می‌میرد .

وقتی امروز این یک سال پرحادثه‌ای را که پشت سر گذاشته‌ایم مرور کنیم خیلی آسان می‌بینیم که واقعا چه کسانی در عمل فدایی منافع و مصالح خلق خویش و رزمنده راه استقلال میهن بوده‌اند ، چه کسانی در راه پاسداری از تمامیت میهن جنگیده‌اند و چه کسانی در همان سراسیمگی که رژیم صدام و حامیان او می‌خواهند لغزیده‌اند . و این درسی عبرت‌انگیز برای همه ماست پارسال هنگامی که تجاوز صدام آغاز شد ما با همه نیرویمان به جبهه‌های مقاومت شتافتیم رفقای ما در جبهه و پشت جبهه تمامی توان انقلابی خود را در راه پیروزی در جنگ مقاومت و شکست امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام بکار گرفتند .

ما امروز به خود می‌بالیم که نه تنها هرگز تنگ‌نظری‌ها و کارشکنی‌های برخی محافل جمهوری اسلامی را بهانه غیبت در جبهه‌ها قرار ندادیم ، بلکه راه غلبه بر این تنگ‌نظری‌ها و کوته‌بینی‌ها نیز شرکت فعال و همه‌جانبه در جنگ مقاومت ، رزمیدن صبورانه و بی‌بگیر در کنار پاسدار ، ارتش و دیگر رزمندگان یافتیم و در این عرصه نیز در عمل نتیجه کارمان نشان می‌دهد که رزمنده واقعی علیه تنگ‌نظری‌ها ، سوء تفاهات و کوته‌بینی‌ها بوده‌ایم در آغاز جنگ برخی نیروها با بهره‌برداری از برخورد‌های نادرست و مخرب برخی ارگان‌ها ، و مسئولان جمهوری اسلامی ، بیهوده کوشیدند هزاران فدایی پرشور را از شرکت فعال در جبهه‌های مقاومت منصرف سازند . آنها به ما می‌گفتند وقتی یارانتان را در جبهه‌ها دستگیر می‌کنند ، وقتی مدعی می‌شوند که شما اصلا در جبهه حضور ندارید ، وقتی حتی بی‌شرمی به جایی می‌رسد که به جنازه رفقای شما که در جنگ مقاومت شهید شده‌اند اهانت می‌شود و . . . چرا باید در جنگ شرکت کنید ؟

در این نصایح و تبلیغات ساده‌انگارانه و مخرب هم لیرالها و هم نیروهای گم‌کرده راهی که متأسفانه امروز بیش از هر زمان دیگر از راه انقلاب به دور افتاده‌اند ، هم‌زبان و هم‌رای بودند . ما در برخورد با همه تنگ‌نظری‌ها و اقدامات برخی ارگان‌ها و مسئولان جمهوری اسلامی و در پاسخ به همه کسانی که بیهوده می‌خواستند فدائیان خلق ایران

را از مقاومت بازدارند ، در نخستین روزهای جنگ به رفقایمان چنین نوشتیم :

"همواره و در همه حال ما در راه آرمان طبقه کارگر در راه پیروزی نهایی زحمتکشان پیکار می‌کنیم هیچ مانعی نخواهد توانست ما را از ادامه راه دلسرد و سرخورده کند . ما روز به روز و حتی درست است اگر بگوئیم لحظه به لحظه مصمم‌تر و آبدیده‌تر از پیش در این راه پرافتخار پیکار می‌کنیم ."

آری ! رفیق فدایی ما ! این است آن انگیزدای که برغم همه تبلیغات کینه‌توزانه علیه من و تو ، برغم جعل و سانسور بی‌حد و حساب علیه من و تو ، به رغم همه موانعی که در راه پیکار من و تو ایجاد می‌شود ، در سنگرهای نخستین مقاومت در برابر رژیم ضد مردمی عراق و در هرجا که سنگر مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان آن بریاست ، سینه‌هایمان را سپر گلوله‌های خصم می‌کنیم . ما را که از گلوله‌های تجاوزگران باک نداریم ، ما را که پیکارمان عادلانه و آرمانمان آرمان طبقه کارگر است ، چه باک از این که در این راه خار مغیلان پایمان را بیازارد و اتهامات ناجوانمردانه علیه ما از آسمان و زمین ببارد !

من و تو به سنت مبارزات درخشان همه انقلابیون کمونیست جهان باید چون ستیغ سربلندگوه‌های مغرور میهنمان با یک دنیا امید و عشق به مردم و با ایمان به پیروزی طبقه کارگر در راه استقلال میهن و در راه رهایی زحمتکشان پیکار کنیم و همواره به خاطر داشته باشیم که راه ما کمونیست‌ها ، دشوارترین راهها اما تنها راه رهایی کامل و جاودانه زحمتکشان است "

فدائیان خلق امروز سرفرازند که توانسته‌اند در این مدت بر کوهی از دشواری‌ها و موانع فائق آیند و کارنامه‌ای درخشان به پیشگاه خلق ارائه کنند .

رفقای ما چه در سنگرهای نخستین مقاومت و چه در پشت جبهه‌ها اثبات کردند که نمونه آگاهی و از خودگذشتگی هستند ، که ادامه دهندگان شایسته و توانای راه رفیقان شهیدی هستند که قلبشان برای استقلال میهن ، رهایی خلق و آرمان والای طبقه کارگر می‌تپید و در همین راه نیز جان باختند

امروز دشت‌های خوزستان ، کوه‌ها و خیابان‌های خرمشهر و آبادان ، دزفول ، اهواز ، اندیمشک . . . بلندی‌ها و دامنه‌های یازی‌دراز قوچ سلطان ، و الله‌اکبر ، قصه‌های پایداری غرور انگیز رفقای شهید ما را زمزمه می‌کنند . در همه این جبهه‌ها ، " خون فدایی با خون پاسدار " ارتشی و غیر ارتشی درهم آمیخته‌اند رنگ پرچم مقاومت را خون همه رزمندگان راه استقلال و آزادی میهن از جمله خون پاک رفیقان ما گلگون ساخته است .

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه که مسبب همه ستم ، تجاوز و درد و رنجی است که بر خلق ما وارد آمده است ، با بهره‌گیری از ضعف‌ها و انحرافات سیاسی حکومت جمهوری اسلامی ایران و نیروهای سیاسی فعال ، چه از طریق تبلیغات و شایعات ضدانقلابی و چه از هر طریق ممکن دیگر کوشیدند هر طوری شده نگذارند رزمندگان کمونیست و دیگر نیروها در کنار پاسداران و در حمایت از جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های مقاومت حضور یابند . در این راه تا آنجا که به رهبری مجاهدین و اشتباهات برخی از محافل و ارگان‌های جمهوری اسلامی مربوط می‌شود دشمن توانسته است به برخی از مقاصد شوم خود دست یابد . ما هر چند که مسبب اصلی تمامی دردها ، رنج‌ها و موجب واقعی گسترش تروریسم و کشمکش و خشونت‌های موجود را امپریالیسم آمریکا و متحدان آن می‌دانیم و قویا تاکید داریم که در هر ضعیفی و هر انحرافی می‌بایست دست جنایتکار دشمن اصلی را ببینیم و سیز با وجود آنکه سهم و مسئولیت حکومت جمهوری اسلامی را در به تقابل کشاندن نیروها ایجاد خشونت و تروریسم و آسیب‌رساندن به وحدت توده‌های مردم را از نظر دور می‌داریم و تاکید داریم که هرگاه جمهوری اسلامی واقعا و در عمل به اجرای قانون اساسی می‌پرداخت بسیاری از دشواری‌های امروز

امدادگران فدایی در جبهه های جنگ



● با شروع جنگ تحمیلی و به دنبال رهنمودهای سازمان امدادگران فدائی نیز چون دیگر اعضا و هواداران سازمان راهی جبهه های خونین و سرنوشت ساز جنگ شدند . رفتای امدادگر ما با شور و شوق وصف ناپذیر و با تمامی توان و تلاش خود در جبهه ها و پشت جبهه ها به حق حماسه ها آفریدند .

گرچه تنگ نظران کوشیدند تا به بهانه های واهی از حضور رفتای امدادگر ما در جبهه های جنگ ممانعت به عمل آورند ولی تلاش امدادگران میهن پرست و انقلابی پیوسته ادامه یافت . صفحات نشریه ما بارها تصویرگر تلاش قهرمانانه و جانبازانانه رفتای امدادگر بوده است . اکنون نیز در سالروز جنگ تحمیلی با درج خاطراتی از رفتای امدادگر تلاش انقلابی و میهن پرستانه شان را ارج می نهیم .

در اولین روزهای جنگ وارد بیمارستان امدادگران آبادان شدیم . در محوطه بیمارستان سنگرهای حفر شده و داخل آن با پتو و وسایل ابتدائی زندگی مجهز شده و مردم داخل و اطراف آن پناه گرفته اند . منظره عجیبی است . ما را به اطاق رئیس بیمارستان راهنمایی می کنند ، رئیس بیمارستان به ما خوش آمد می گوید .

رئیس بیمارستان می گفت این شهر بیش از ۱۰۰ پزشک عمومی و متخصص داشته است ولی با شروع جنگ بجز پزشکان متعهد و میهن پرست بقیه شهر را ترک کرده اند . اینها چگونه بعد از جنگ می خواهند به این شهر برگردند . مسئله تعهد و مسئولیت حرفه مقدس پزشکی نسبت به سلامت مردم در هر نوع شرایط چه می شود ؟

به خرمشهر وارد شدیم شهری که به زودی و به حق لقب خونین شهر قهرمان را به خود اختصاص داد ، صدای انفجار در فواصل دور و نزدیک شنیده می شد . رزمندگان محلی ، سپاه پاسداران ، بسیج و فدائیان خلق نقطه به نقطه شهر را به دژ مستحکمی تبدیل کرده بودند و کمبود سلاح های سنگین خود را در مقابل دشمن با ایمان محکشان به استقلال و آزادی میهن ایثارگرانه جبران می کردند . به بیمارستان مصدق وارد

می شویم . همه جا ناله ، زخمی ها ، همه جا رفت و آمد ، همه جا شور و اشتیاق به خدمت . بعد از معارفه با جراحان ارتش مستقیماً به اتاق عمل می رویم ، گروه ما یک تیم کامل مرکب از تکنسین اطاق عمل ، بیهوشی ، متخصص داخلی ، ارتوپد ، جراح ، پرستار و امدادگر است . بعد از چند عمل جراحی و ارتوپدی بیماران عمل شدنی تمام می شوند . فوراً به سراغ درمانگاه اورژانس می رویم ، گروهی از پزشکان وظیفه و کادر، نیروی دریائی درمانگاه را اداره می کنند . با مشورت آنان به رفع معایب و نیازهای اورژانس می پردازیم و بعد از چند ساعت با سازماندهی جدید ، درمانگاه اورژانس قادر می شود با کیفیت درمانی بالاتر هر بار چندین بیمار بدحال درمان کند .

تجربیات بعدی بیشتر ما را به اهمیت و ضرورت حیاتی سازماندهی جدید درمانگاه اورژانس و پست های امدادی واقف می سازد .

رفتای پزشک پیشنهاد می کنند : اولاً حتماً باید یک ارتوپد و جراح در درمانگاه اورژانس مستقر شوند . ثانیاً به علت کمبود کادر پزشک و پرستار به تدریج و بر مبنای نیاز و تجربه می باید از خدمات صادقانه امدادگران داوطلب در درمان بیماران اورژانس کمک بگیریم و حین درمان به آنها نیز آموزش

بدهیم . (این پیشنهاد به تدریج توسعه می یابد و بالاخره بعد از یک ماه تمام درمانگاه های اورژانس از این سازماندهی برخوردار می شوند . غالب امدادگران محصلین جوانی هستند که مشتاقانه آموزش های اولیه را می یابند و به زودی هر کدام به یک تکنسین کارآموده تبدیل می شوند . ضرورت آموزش امدادگران و خدمات ارزنده و حیاتی آنها در هر شرایطی ، ما را به فکر تشکیل کلاس های آموزش های اولیه و اورژانس می اندازد . این کلاسها به تدریج در مراکز درمانی طالقانی ، امدادگران ، شرکت نفت و ... گسترش می یابد و با استقبال بی نظیر امدادگران مشتاق روبرو می شود . به طوری که بعد از یک ماه فوریت های جراحی عمومی ، جراحی اعصاب ، ارتوپدی و مراقبت های بعد از عمل در کلاس های شبانه تدریس می شود . این امدادگران توانستند زیر آتش شدید توپخانه دشمن ، به تدریج اخبار نگران کننده ای دال بر نزدیک شدن تانک های عراقی به بیمارستان می رسید . خبر می رسد که تانکها سربلج خیابان هستند ، در همین لحظات تعدادی بیمار زخمی آوردند که چند نفر آنها احتیاج به عمل اورژانس داشتند به اطاق عمل رفتیم . هر دو اتاق عمل با ظرفیت کامل شروع به کار کرد . گاه گاه صدای انفجار اتاق عمل را به لرزه در می آورد . ولی داوطلب بودند لحظه ای عمل را متوقف نمی کردند تا

بالاخره بیماران مذکور عمل شدند . ناگهان خیر آوردند رئیس نظامی بیمارستان شروع به تخلیه بیمارستان کرده و کلیه کادرهای تدارکاتی و آشپزخانه و آزمایشگاه را به طرف آبادان اعزام کرده است . سریعاً خود را به اتاق رئیس بیمارستان رساندیم . آن روز را فراموش نمی کنم . یکی از رفتا با حرارت فراوانی به آقای رئیس اعتراض می کرد . رفیق پزشک به او می گفت این دستور شامل کادرهای داوطلب نمی شود . شما باید حداقل به اندازه ما وسایل و کادر لازم را باقی بگذارید . ولی رئیس نظامی بیمارستان خود را مأمور و معذور می خواند . ناگهان صدای انفجار وحشتناک یک راکت بیمارستان را شدیدالرزاند .

همگی به روی زمین خوابیدیم ولی رفیق پزشک بعد از وقفه کوتاهی باز سرپا ایستاد و نسبت به تخلیه بیمارستان اعتراض می کرد . در حین این اعتراضات در فواصل کوتاهی ۴ راکت به دیوار بیمارستان و اطراف آن اصابت کرد . راننده های اتوبوسی که ماءمور تخلیه بیمارستان بودند مرتباً بقیه کارکنان بیمارستان را به تسریع در سوار شدن به اتوبوس دعوت می کردند . هنگامه عجیبی بود . رفیقم با فریادهای خشمناکی اعلام می کرد که بیمارستان یکی از ارکان مهم تقویت روحیه رزمندگان پشت جبهه است و رزمندگان موقعی که با هزاران امید برای معالجه زخمی هایشان به بیمارستان مراجعه و آنجا را خالی

بینند دچار چه حالی می شوند ؟

براستی در آن روزهای فراموش نشدنی نقطه به نقطه خرمشهر و آبادان شاهد زنده بر اثبات این حقیقت بود که نیروی خلق در دفاع از میهن تمام ناشدنی است . گمرک خرمشهر و سنهابل ، نخلستان های خون گرفته ، خرمشهر ، جبهه شلمجه ، جبهه بهمنشیر ، جبهه بازرگان ، ایستگاه ۷ ، مسجد جامع و بالاخره محله به محله و خانه به خانه این سرزمین سنگرهای مقاومت و پیکار در مقابل تجاوزگران بعثی بود .

واقعیت آن است که ارتش متجاوز بعثی برای اشغال خرمشهر مجبور شد خانه به خانه ، این شهر قهرمان را با آتش توپخانه های سنگین و خمسه خمسه و خمپاره بکوبد و باز هم خلق حماسه آفرید و تا سه هفته زیر باران سرنوشت ساز با دشمن پرداخت و تسلیم نشد . و در این پیکار امدادگران حاضر در صحنه و بیمارستان های منطقه با تلاش شبانه روزی پزشکان و پرستاران نقش بسیار بسزائی را برعهده داشتند .

بعدها که در زایشگاه خرمشهر در غرب بهمنشیر مستقر شدیم چند بار جهت انتقال وسایل ضروری از پل گذشته و به بیمارستان دکتر مصدق رفتیم . پس از آنکه بیمارستان های مصدق و زایشگاه خونین شهر تخلیه شدند و بیمارستان های

اینگونه خشونت با خطا کاران، امپریالیسم را شادمان می‌کند

راه را بر بازگشت خطا کاران ببندید

آیت‌الله منتظری در سخنرانی خود در نجف‌آباد به مناسبت شهادت آیت‌الله مدنی ضمن اشاره به عملیات تروریستی مجاهدین خلق، به احکام اعدام دادگاه‌های انقلاب اشاره کرده ضمن ابراز تأسف از جان‌هایی که به این ترتیب از دست می‌رود، آن را گریزناپذیر دانسته‌اند. سخنگوی دولت آقای بهزاد نبوی در مصاحبه مطبوعاتی خود در همین رابطه ضمن رد انتقاداتی که به اینگونه صدور احکام وارد است و اظهار تأسف از کشته‌شدن این جوانان گفته است:

"ما در مقابل اینها چه بکنیم؟ درست است که بچه هستند و نمی‌فهمند ولی... اینکه ترور بکنند بمب‌گذاری کنند و آنها تنها زندانی بشوند، و بعدش هم آزاد بشوند این آن جماعت را تشویق می‌کند. لذا (اینکه) بشود که این عناصر را اعدام نکرد امکان‌پذیر نیست"

سایر مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز کمابیش بر همین مواضع بوده‌اند اما اینها هیچ‌کدام پاسخ اعتراضاتی نیست که نسبت به بسیاری از احکام دادگاه‌ها از جانب نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی عنوان می‌شود زیرا اساس اعتراضات و انتقادات متوجه احکام اعدام برای کسانی است که نه تنها در قتل شرکت نداشته‌اند، بلکه حتی در عملیات مسلحانه حتی در حمل سلاح غیرمجاز نیز مطابق استنادات پیرونده‌شان شرکت نداشته‌اند. آقای نبوی و دیگران متأسفانه در این مساله اساسی ساکت مانده‌اند و مساله همچنان در تمامی ابعاد نگران‌کننده آن همچنان مطرح است.

ما از همان ابتدای رو در رویی مسلحانه مجاهدین خلق با جمهوری اسلامی هشدار داده بودیم و مکرراً تأکید کردیم که دشمنان انقلاب خواهند کوشید از جوی که بوجود آمده‌است حداکثر بهره‌برداری را بکنند. از یک طرف نوجوانان ناآگاه و کم‌تجربه و گم‌کرده راه را هرچه بیشتر تحریک کنند و به نام خلق و به نام آزادی به اقدام علیه خلقشان، علیه میهن‌شان و علیه استقلال و آزادی‌هایی که دستاورد انقلاب است، بکشانند و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران را به دامی بکشانند که لبه تیز

حمله خود را از بزرگ مالکان و کلان‌سرمایه‌داران، از تجاوزگران صدامی، از امپریالیسم آمریکا منحرف کنند و تمام کینه و نفرت مردم را به سوی جوانانی سوق دهند که فریب‌خورده‌اند و خود نمی‌دانند که چه می‌کنند و به سود کدام جریان به میدان آمده‌اند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) معتقد است بعد از شکست‌های خردکننده‌ای که امپریالیسم آمریکا یکی پس از دیگری از نیروهای مدافع انقلاب ایران دریافت کرده‌است شکست کودتای طیس و نوژه، شکست اهداف تهاجم صدام شکست نقشه روی کار آوردن دولت میان‌رو و... تنها پیروزی بزرگ آن غلظانیدن سازمان مجاهدین خلق به خدمت ضدانقلاب، خیانت رهبری مجاهدین و دامن‌زدن به نفاق میان بخش‌های مهمی از مردم میهن ماست که قلب و روحشان برای آزادی و استقلال میهن می‌تپد. ما باید این واقعیت را بپذیریم که اکنون امپریالیسم و ارتجاعی‌ترین نیروهای شکست‌خورده و یا زخم‌خورده از انقلاب سرانجام موفق شده‌اند نقشه نفاق‌افکنانه خود را پیاده کنند و گروه وسیعی از جوانان رزمنده و پرشور میهن ما را در برابر میلیون‌ها مردمی قرار دهند که در برابر تعرضات جنایتکارانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا از جمهوری اسلامی ایران و رهبری امام خمینی با جان و دل دفاع می‌کنند.

مساله مجاهدین و کار دادگاه‌های انقلاب، امروز از یک مساله گروهی خارج شده و ابعاد وسیع اجتماعی به خود گرفته‌است. تروریسم آنگونه بیماری است که ویروس آن را امپریالیسم آمریکا با مهارت خاصی در میهن ما کشت می‌دهد. ما معتقد نبوده و نیستیم که چاره اصلی این بیماری پلید، احکام اعدام دادگاه‌های انقلاب است. ما

راه‌حل‌ها و پیشنهادهای اصولی و روشن خود را برای مبارزه با این توطئه امپریالیستی در شماره‌های متعدد نشریه کار نقل کرده‌ایم و همه نیروهای روشن‌بین و معتقد به انقلاب را به مکت کردن روی آنچه که گفته‌ایم دعوت می‌نماییم. لکن ضروری است که یک بار دیگر انتقادات جدی خود را نسبت به روش دادگاه‌های انقلاب در برخورد با مساله تروریسم تکرار کنیم.

کوشش دشمنان خلق ما امروز آن است که جو عصبی تحریک شده و خون‌گرفته‌ای را ایجاد کنند که در پرتو آن خرد و منطق جای خود را به کینه‌ای کور بسپارد که هدف وسیله را توجیه می‌کند جوی آغشته به روحیه پدربکشتگی و انتقام‌جویی که بارزترین آن را در عمل ترور فجیع آیت‌الله مدنی در تبریز شاهد بوده‌ایم؟ لحظه‌ای فکر کنیم که این اعدام‌ها در میان صدها هزار خانواده‌ای کشته نوجوانانشان امروز راه خود را گم کرده‌اند و هنوز هم در بند توهمات پوچ‌اند چه جوی ایجاد می‌کند؟ چه چیز برای امپریالیسم از این مطلوب‌تر که از یک سو کینه و نفرتی را که تا امروز قلبش را نشانه رفته بود متوجه این نوجوانان سازد و از سوی دیگر دلهره و اضطرابی بسیار دردناک را بر این صدها هزار پدر و مادر تحمیل نماید؟ این واقعیتی است که این نوجوانان مجاهد توسط رهبران خائن خود به دام امپریالیسم غلطیده‌اند و از یاران خود در پیکار ضد امپریالیستی کینه‌ای مسموم را به دل گرفته‌اند. کدام منطق اجازه می‌دهد که نیروهای مدافع انقلاب نیز همان‌کنند که دشمنان خلق می‌طلبند؟

کوشش دشمنان خلق ما این است که طوری وانمود شود که جمهوری اسلامی دوست و دشمن نمی‌شناسد و همه را از دم تیغ می‌گذرانند. جزای تروریست و غیر تروریست جوخه اعدام

است. هرکس در حکومت نباشد جایش در این کشور نیست و از این قبیل مزخرفات. متأسفانه حتی برخی از دادگاه‌های انقلاب آب به آسیاب این تبلیغات ریخته است. و اکنون بسیاری فکر می‌کنند که تمام دادگاه‌ها موافق و مخالف را دستگیر می‌کنند. و کسی را که به نوعی با مجاهدین خلق و دیگر گروه‌های چپ رو مربوط باشد اعدام می‌شود. این جوی که به وجود آورده‌اند که هرکس خیال می‌کند چون با جمهوری اسلامی مخالفت کرده‌است پس جرمش اعدام است به یکی از مهم‌ترین منابع تغذیه تروریسم بدل شده‌است. صدور احکام اعدام برای کسانی که در عملیات مسلحانه شرکت نداشته‌اند امروز به مهم‌ترین حربه دست‌خیانتکارانی بدل شده‌است که به نوجوانان بازی‌خورده این طور تلقین می‌کنند که "عملیات مهم نیست، اگر از مجاهدین طرفداری کنید شما را می‌کشند، پس حالا که چنین است پس چرا در صحنه نبرد! کشته نشوید؟" و متأسفانه مقامات جمهوری اسلامی ایران تا امروز این واقعیت را نادیده گرفته‌اند.

هسته اصلی نقشه آمریکا و دشمنان خلق این است که این دلهره را در میان نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی بیاندازند که گویا این جمهوری بی‌ثبات است و نمی‌تواند روی پای خود بایستد. به اعتقاد ما حاکم شرعی که در فلان شهر کوچک شمال چون بهشهر ده‌ها نفر را به جوخه اعدام می‌سپارد، زمانی که همه روزه حدود ۶۰ نفر یا بیشتر را دادگاه‌ها تیرباران می‌کنند وقتی مهم‌ترین مقامات جمهوری به گونه‌ای غیر مسئولانه از امکان اعدام ۴۰۰۰ نفر در یک روز سخن می‌گویند چگونه انتظار داریم مردم این واقعیت را بپذیرند که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس

آن تا امروز هرگز تا این حد از انسجام درونی و ثبات برخوردار نبوده‌است. آیا این حقیقت‌هنوز برای حکام شرعی که تنها به محدوده شهر خود نظر دارند حل شده نیست که عمل آنها ثبات واقعی جمهوری اسلامی را نزد مردم و جهانیان مخدوش و دگرگونه جلوه می‌دهد؟

کوشش دشمنان خلق ما این است که این‌طور وانمود کنند که جمهوری اسلامی ایران فاقد هر نوع ظرفیتی برای تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی است آنها این جمهوری را جمهوری "چماق" می‌نامند و با کمال بی‌شرمی حد آزادی‌های سیاسی پس از انقلاب را "بدتر" از قبل از انقلاب توصیف می‌کنند و بر این پایه این‌طور تبلیغ می‌کنند که گویا در این جمهوری فقط از زبان اسلحه می‌توان سخن گفت. آنها می‌گویند همه راه‌های فعالیت آزادانه سیاسی علیه امپریالیسم و ضدانقلاب بسته‌است و فعالیت سیاسی فقط در انحصار کسانی است که قدرت سیاسی را به دست دارند. تعلل و تردید جمهوری اسلامی ایران در اجرای کامل مفاد اطلاعیه ده‌ماده‌ای دادستان انقلاب و محدودیت‌های به‌کلی غیر قابل توجیهی که بر سر فعالیت احزاب و سازمان‌های مدافع انقلاب پدید آمده نیز از منابع مهم تبلیغات عناصر خیانتکار و ضدانقلابی برای کشاندن و حفظ عناصر بازی‌خورده کم‌تجربه و فاقد آینده‌نگری انقلابی به راه دشمنی با انقلاب و مردم است.

بنا به دلایلی که شمردیم مطلقاً ضروری می‌دانیم که: * به صدور حکم اعدام برای کسانی که مستقیماً در عملیات مسلحانه منجر به قتل شرکت نداشته‌اند پایان داده شود و این اطمینان به کادرها، اعضا و هواداران فعال سازمان مجاهدین و دیگر گروه‌های چپ رو داده شود که چنانچه در عملیات مسلحانه، ترور، بمب‌گذاری و از این قبیل شرکت‌نکنند اعدام نخواهند شد.

* حساب نوجوانان را صریحاً و با قاطعیت از دیگران جدا کنند و شرایطی فراهم آورند که این افراد که خود عامل اصلی راهی که بقیه در صفحه ۲۳

نیروی اصلی جنگ مقاومت میهنی کارگران و زحمتکشانند

طبقه کارگر در میدان‌های مختلف کارزار میهن علیه تجاوز صدامی - امپریالیستی

- در عرصه نبرد رویاروی با تجاوزگران .

از همان نخستین لحظات تجاوز گسترده صدامی - امپریالیستی به خاک میهن ما ، زحمتکشان جنوب و غرب کشور پیشاپیش آنان پرولتاریای نفت به سنگرهای مقاومت شتافتند و دوشادوش نیروهای مسلح ارتشی ، پاسدار و بسیج در دفاع از استقلال و آزادی میهن انقلابی ، حماسه‌های شکوهمند آفریدند . کارگران جنوب و به‌ویژه نفتگران در نخستین روزهای تجاوز صدامیان با شهامت و فداکاری درخور تحسین‌شان ، استخوان‌بندی اصلی نیروی مقاومت بودند . در شرایطی که در نتیجه عدم آمادگی و تجهیز کافی نیروهای مسلح ، نیروهای متجاوز عراقی با سرعت در داخل خاک میهن پیشروی می‌کردند ، کارگران آبادان و خونین‌شهر بودند که در کنار نیروهای پاسدار و دیگر رزمندگان انقلابی ، پیشروی سریع متجاوزین را سد کردند و مارش شکوهمند مقاومت را در سنگرهای مقدم جبهه طنین افکن کردند . در کنار حماسه‌آفرینی‌هایی چنین سترگ و پرافتخار ، دلاوری کارگران سایر نقاط میهن که با عشقی شورانگیز به میهن انقلابی و با قلبی آکنده از کین نسبت به تجاوز صدامی - امپریالیستی ، داوطلبانه ، راهی خطوط مقدم جبهه‌های جنگ شدند ، نیز در خور تاءکید است .

در اکثر کارخانه‌ها کلاس‌های بسیج نظامی تشکیل شد و کارگران گروه گروه به فرا گرفتن فنون نظامی پرداختند . کانون هماهنگی شوراهای اسلامی ، هسته‌های

انقلاب در همه میدان‌های جنگ مقاومت میهنی فعالانه شرکت جستند . شرکت آگاهانه ، اینثارگران کارگران در جنگ عادلانه علیه تجاوزگران ، به‌روشنی تمام درک مسئولانه طبقه کارگر ایران را نسبت به وظایف خود در قبال انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی نشان داده و بار دیگر به ثبوت رساند که کارگران میهن - به‌رغم همه مشکلات ، کمبودها و دشواری‌ها ، همواره و در هر زمان ، توجه به مصالح و منافع بنیادی انقلاب را همچون یک اصل اساسی در نظر گرفته و مبارزه در راه بهبود شرایط کار و زندگی خود را به تبع این مصالح یعنی به مقتضای مصالح عالی‌ه انقلاب پیش برده و می‌برند . یک‌بار دیگر به روشنی آشکار شد که طبقه کارگر ستون اصلی انقلاب ، پی‌گیرترین نیروی مدافع آن و ضامن اصلی گسترش و ژرفائی آن تا نیل به پیروزی قطعی و نهائی است .

کارگاه‌های موزائیک سازی تهران شرق ، سیلوی تاکستان ، صنایع چوب ایران ، کارگران قناد ، چیت سازی اسکو و ... در نخستین هفته‌های پس از شروع جنگ منتشر ساخته‌اند ، از جمله آمده است . " ما در مقابل تجاوز نظامی ، ایران را گورستان آمریکا می‌کنیم ، در برابر حمله نظامی و کودتا اسلحه به دست می‌گیریم و می‌جنگیم . ما همه متجاوزین را شکست خواهیم داد و از انقلاب ، انقلابی که متعلق به زحمتکشان است دفاع خواهیم کرد ."

بنابر همین خصلت ضد امپریالیستی پی‌گیر و ظرفیت انقلابی عظیم از یک سو و شناخت بالنسبه روشن از نقش توطئه‌گران امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا در این جنگ‌افروزی ، از سوی دیگر بود ، که توده‌های میلیونی کارگران سراسر میهن از همان لحظه شروع جنگ با درک مسئولیت سنگین خویش در دفاع از

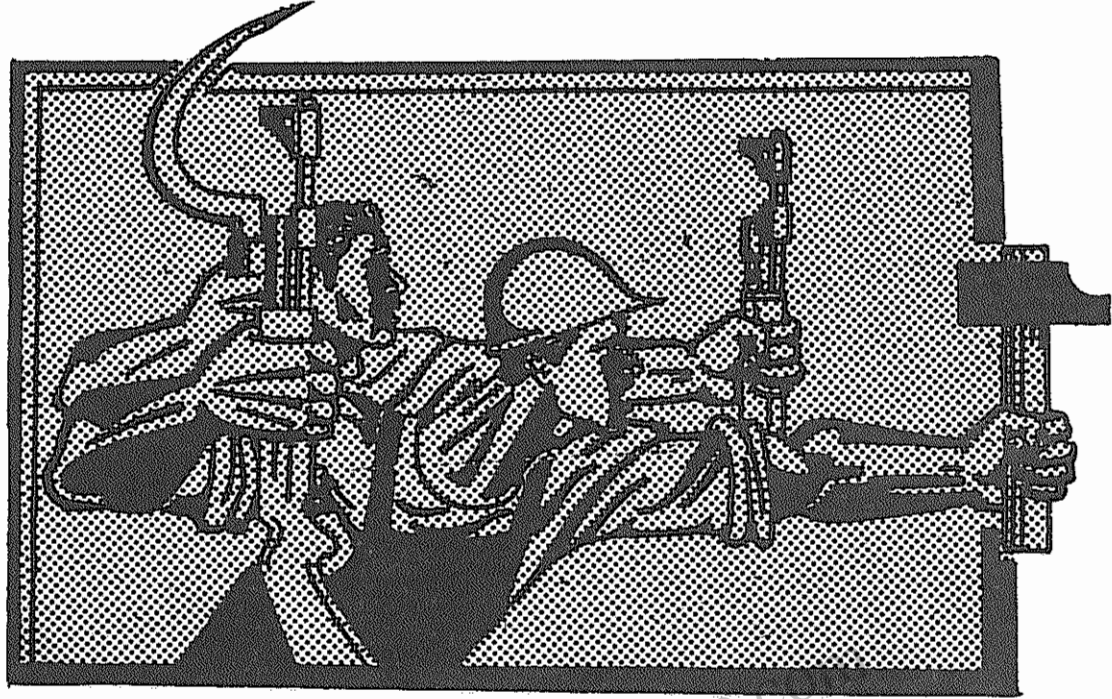
خصلت ضد امپریالیستی پیگیر طبقه کارگر

بدون کم‌ترین شبهه می‌توان گفت که آنچه بیش از هر چیز در کشاندن سریع و گسترده میلیون‌ها توده کارگر به کارزار عظیم مقاومت میهن سهم داشت ، آنچه بیش از هر چیز موجب بسیج ضد صدامی - ضد امپریالیستی کارگران در میدانی با ابعاد چینی پهناور شد ، آگاهی و شناخت آنها نسبت به ماهیت تجاوزگران جنگ تحمیلی رژیم صدام از یک سو و نقش مستقیم جبهه جهانی امپریالیستی به سرکردگی آمریکا در این جنگ تجاوزی از طرف دیگر بود . این موضوع را می‌توان از میان انبوه اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌هایی که از سوی کارگران واحدهای تولیدی - خدماتی مختلف به مناسبت جنگ انتشار یافته ، به خوبی دریافت . به عنوان نمونه در اطلاعیه‌ای که کارگران

یکسال از آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام می‌گذرد در این یکسال ، در میدان عظیم نبرد علیه تجاوز صدامی که بی‌گمان حلقه‌ای از زنجیره توطئه‌های امپریالیستی علیه انقلاب و دست‌آوردهای آن بوده است ، کلیه طبقات و اقشار انقلابی میهنان ، وسعا شرکت داشته‌اند . اما حضور و وزن سنگین طبقه کارگر در این عرصه از مبارزه نیز همانند همه عرصه‌های دفاع از دست‌آوردهای انقلاب از برجستگی چشمگیری برخوردار است .

طبقه کارگر که در تمام دوران پس از پیروزی انقلاب ، با تحمل انقلابی دشواری‌ها و مصائب بسیار در خنثی کردن مجموعه توطئه‌های براندازی جبهه جهانی امپریالیستی علیه انقلاب شکوهمند ما فعالانه شرکت داشته است ، با آغاز جنگ یکبار دیگر نقش عظیم و تاریخی خود را در دفاع از انقلاب و گسترش آن به سوی آماج‌های استقلال طلبانه و مردمی‌اش نشان داد .

با آغاز تهاجم وحشیانه دشمن به شهرها و روستاهای میهن‌مان ، کارگران ، این پیشقراولان دفاع از انقلاب و استقامت میهن ، در جبهه‌های به وسعت ایران بسیج و تجهیز شده و با اتکاء به آگاهی سیاسی ، شم طبقاتی ، اینثار انقلابی ، قوه ابتکار خلاقانه‌شان در کارزار عظیم میهن علیه تجاوز صدامی - امپریالیستی ، به خاطر استقلال ، آزادی و صلح شرکت جستند . بدین ترتیب طبقه کارگر بار دیگر پیوند ناگسستنی خود را با انقلاب آشکار نمود و نشان داد که تا چه پایه سرنوشت انقلاب در گروی قدرت رزمندگی و توان خلاقه اوست .



پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشت‌از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

مقاومت نظامی تشکیل داد و صدها نفر از کارگران برای طی دوره‌های نظامی به اردوهای تی که از طرف کانون تدارک شده بود، رفتند. در پنجم مهرماه ۱۳۵۹ هفت نفر از کارگران کارخانه ماشین سازی اراک (هپکو) محمود مولائی نژاد، حسن مستی، کاظم صمیمی، غلامعلی بیات، حسن عظیمی خیرآبادی، رحیم عباسی و شعبانی، در نبرد با متجاوزین به شهادت رسیدند. این اولین گروه از کاروان شهدای طبقه کارگر در نبرد با متجاوزین صدامی بود. گذشته از کارگرانی که در سنگرهای نبرد رویاروی با صدامیان شهید شدند، کارگران دیگری نیز در جریان حملات وحشیانه متجاوزین و در دفاع از سنگر کارخانه به شهادت رسیدند.

در تاریخ ۱۵ مهر کارخانه‌های ناسیونال، ایران ناسیونال، شهوند و جنرال موتورز بمباران شده و ۴ کارگر شهید شدند. به فاصله زمان کوتاهی از این تاریخ در اثر بمباران پالایشگاه تبریز ۴ کارگر دیگر به اسامی حسن مهلان، اکبر بدلی، حسن خاکسار، و مهدی هداد به خیل شهدای طبقه کارگر پیوستند. انبوه شهدای کارگر در این جنگ، اوج تجلی ایثار و فداکاری این توده کار در نبرد علیه متجاوزین و حامیان امپریالیست آنها بوده و هست. یاد همه آنها گرامی باد.

در عرصه تدارکات برای جبهه

در این عرصه نیز شور ایثار و قوه ابتکار طبقه کارگر منشاء خدمات گرانبهای برای تاءمین نیازمندی‌های جبهه و تجهیز رزمندگان آن بود. کارخانه‌های لوله و ماشین سازی ایران، زامیاد، لندرور، تراکتور سازی تبریز، کارخانجات سازمان گسترش صنایع ایران و... در نخستین هفته‌های پس از جنگ، تولید، تعمیر و بازسازی قطعات و وسائل مورد نیاز جنگ را تقبل نمودند. کارگران کارخانه قند اصفهان، شرکت صنعتی آما، روغن نباتی نرگس شیراز، لندرور و واحدهای دیگر اعلام نمودند که حاضرند چهار ساعت اضافه کار کنند، پنج‌شنبه‌ها و

جمعه‌ها را نیز به سر کار بیایند، سه شیفت کار کنند، خط تولید خود را در اختیار جبهه‌های جنگ قرار دهند و قطعات مورد نیاز وسایل جنگی را تهیه نمایند. همچنین واحدهای ناسیونال، زامیاد، ماشین‌سازان و فلز تراشان، تولید دارو، الیاف و صنف تعمیرکاران قوچان، اکیپ‌هایی را برای تعمیر وسائل جنگی و امداد به مناطق جنگی اعزام نمودند. از سوی دیگر از نخستین روزهای پس از شروع جنگ تا کنون، بیش از یک میلیارد ریال از طرف کارگران برای جبهه‌های جنگ و جنگ‌زده‌ها ارسال شده است. کارگران واحدهای تولیدی - خدماتی مختلف تاکنون بخش مهمی از پاداش، عیدی و اضافه کاری خود را برای جبهه‌ها، فرستاده‌اند. همچنین در طول یک‌ساله که از جنگ تحمیلی می‌گذرد، بیش از ۳۰۰۰ تخته پتو، مقادیر زیادی لباس که بخشی از آن به کوشش زنان کارگر در منزل تهیه شده و به جبهه‌ها و مناطق جنگی فرستاده شده است. اینها تنها نمونه‌هایی از کمک‌های ارزنده طبقه کارگر در این عرصه بوده است.

در سنگر تولید

طبقه کارگر میهن ما، با آگاهی کامل نسبت به مقاصد شوم دشمنان انقلاب که می‌کوشیدند با ایجاد وقفه و رکود در تولید از سوئی و تخریب بلاواسطه ابزار تولید از سوی دیگر، اقتصاد ما را فلج سازند و از این طریق شرایط را برای تسلیم انقلاب در مقابل جبهه جهانی ارتجاع امپریالیستی فراهم نمایند، به‌رغم همه مشکلات و دشواری‌ها، در این سنگر نیز با عزم و اراده‌ای استوار دلاورانه ایستاد و با تداوم و افزایش تولید، بالا بردن بازدهی کار، تعمیر و نوسازی کارخانه‌های صدمه دیده و راه‌اندازی مجدد اکثر آنها، مشت محکمی بر پوزه یاهوگویان جبهه متحد ضد انقلاب کوبید. کارگران اداره تعمیرات خط لوله، اهواز و مارون با حرکتی جانبازانه و در شرایطی که حملات هوایی مداوم صحنه‌هایی از آتش و مرگ می‌آفرید، لوله‌های گاز را تعمیر نمودند تا توطئه

از کارانداختن صنعت نفت را عقیم گذارند. کارگران قهرمان ایران ناسیونال، شهوند و شهرک اکباتان بعد از حمله مزدوران صدامی به فرودگاه مهرآباد و واحدهای صنعتی جاده کرج، اعلام داشتند: ما روز جمعه را هم کار می‌کنیم تا خرابی دستگاه‌ها ترمیم شود و تولید هرچه زودتر از سر گرفته شود. کارگران جنرال موتورز، کارخانه بمباران شده را بازسازی نمودند و کارگران کارخانه سنتاب (تولیدات چوبی) نیز با فداکاری انقلابی تحسین انگیزشان از تعطیل کارخانه جلوگیری کردند. این کارخانه که مواد اولیه آن در گمرک مانده بود به خاطر فقدان اعتبار لازم برای خارج کردن این مواد، در آستانه تعطیل قرار گرفته بود. کارگران خود جمع شده و دارائی ناچیزشان را روی هم گذاشتند تا بتوانند از تعطیل کارخانه جلوگیری کنند. یکی از کارگران فرش خانه خویش را فروخت و دیگری ۱۵ هزار تومان پولی را که طی سال‌های طولانی برای تهیه مسکن پس‌انداز کرده بود اهداء کرد و به این ترتیب کارخانه به کار خود ادامه داد. همچنین کارگران کارخانه شهوند با افزایش ساعات کار و کارگران کارخانه هال پارس، شیشه و گاز، اس، دی، آی (تولید و پخش پوشاک) جین مد، چیت مازندران، پاکسائوش، شوفاز کار و... تولید خود را افزایش دادند.

در عرصه عقیم گذاردن دسیسه‌های سرمایه‌داران و مدیران لیبرال

سرمایه‌داران غارتگر و مدیران "طاغوتی" با شروع جنگ تحمیلی صدامی - آمریکائی، بر دامنه توطئه‌های کارشکنانه خود در تمامی عرصه‌های تولید و خدمات و مبادله افزودند. کارشکنی گسترده در تهیه و تدارک مواد اولیه و قطعات یدکی و یا احتکار آنها، خرابکاری مستقیم در تولید، اخراج کارگران مبارز و در موارد متعدد صدور حکم اخراج کارگران انقلابی اعزامی به جبهه، عدم پرداخت دستمزد کارگران و به طور کلی خودداری از تاءمین حوایج اولیه و ضرور

صنعی - رفاهی آنان و بالاخره احتکار و گران کردن ارزاق عمومی، و... همه و همه حلقه‌های به هم پیوسته و متصل زنجیره توطئه‌های وسیع سرمایه‌داران و مدیران لیبرال در دوران پس از شروع جنگ تحمیلی بودند. در تمامی این موارد، کارگران آگاهانه به مقابله برخاسته و با افشاء و طرد مدیران لیبرال، کارشکن و ضدانقلابی و کوشش برای جایگزین کردن آنان با مدیران متعهد انقلابی، با تلاش برای تهیه و تدارک مستقیم مواد اولیه و قطعات یدکی از طریق کشورهای دوست انقلاب ایران، کنترل توزیع و فروش محصولات تولید شده توسط سندیکاها و شوراها و شرکت در شوراها و از این طریق مشارکت در توزیع مایحتاج عمومی در سطح محلات، بسیاری از توطئه‌های دشمنان انقلاب را خنثی ساختند.

شوراها و سندیکاها وثیقه مطمئن دفاع از انقلاب

در تمامی موارد ذکر شده و در همه عرصه‌های این کارزار عظیم میهن، شوراها و سندیکاها نقش فوق‌العاده پراهمیتی در بسیج و تجهیز گسترده و هدفمند طبقه کارگر میهن در جبهه پهناور نبرد ضدصدامی - ضدامپریالیستی ایفا نمودند. سندیکاها و شوراها به مثابه کانون‌های تشکل و اتحاد مبارزاتی کارگران، در اعزام داوطلبان به جبهه، در تاءمین تدارکات غذایی، داروئی، پوشاکی و فنی برای جبهه، در آموزش نظامی همگانی، در حفاظت و نگاه‌داری از کارخانه‌ها، در تعمیر و بازسازی واحدها و دستگاه‌های تخریب شده و بالاخره در خنثی کردن دسائس اخلاص‌گرانه ضدانقلابیون و لیبرال‌ها و تاءمین شرایط ضرور جهت افزایش تولید و بهبود بازدهی کار به‌ویژه از طریق مشارکت هرچه گسترده‌تر کارگران در اداره تولید فعالانه و بیگیرانه شرکت نمودند و از این راه بر دامنه نفوذ و اعتبار خود به میزان زیادی افزودند. بی‌گمان تنها شوراها و سندیکاها و انقلابی با قدرت بسیج‌کننده و سازمان‌گرانه خویش می‌توانستند توده‌های وسیع

کارگر را در عرصه‌هایی چنین متنوع و در میدانی تا بدین حد پهناور، تجهیز کنند و وحدت اراده و عمل طبقه کارگر ایران را در جبهه عظیم نبرد میهن، این چنین تاءمین کرده و آن را به نمایش گذارند. نقش کانون‌های تشکل شورائی، نظیر کانون هماهنگی شوراها اسلامی (پلی تکنیک) کانون شوراها اسلامی (خانه کارگر) و کانون شوراها اسلامی قزوین و... در این زمینه شایان تاکید است. بدون شبهه شوراها و سندیکاها مبارز کارگری می‌توانستند نقش به مراتب موثرتری در بسیج گسترده کارگران ایفا کنند اگر موجبات تحکیم و تثبیت قانونی آنها با دامنه وظایف و حدود اختیارات واقعی شان توسط دولت جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای صریح و روشن تاءمین و تضمین می‌شد.

کمیته‌های ویژه دفاع از انقلاب تلفیقی از آگاهی، ابتکار و ایثار انقلابی کارگران

شوراها و سندیکاها به منظور تجهیز بلاواسطه و همه‌جانبه کارگران در دفاع از میهن انقلابی، تشکل‌های ویژه‌ای را تدارک دیدند که نام "کمیته‌های دفاع از انقلاب" را به خود گرفتند. این کمیته‌ها در واقع مولود عمل مستقیم انقلابی کارگران در نبرد علیه تجاوز صدامی - آمریکائی بود. کمیته‌های دفاع از انقلاب در برخی موارد نیز توسط ارگان‌های انقلابی نظیر سپاه به‌وجود آمدند. اولین کمیته دفاع در پالایشگاه تبریز به نام کمیته فنی و توسط شورای کارگران به‌وجود آمد، و سپس در نخستین روزهای پس از جنگ، کمیته‌های مختلف با مضامینی متنوع در واحدهای تولیدی و خدماتی سراسر کشور ایجاد شد. کمیته‌های آموزش نظامی، دفاع از کارخانه، امداد، آتش‌نشانی، فنی و ترمیم، تهیه و تدارک مواد اولیه و... از آن جمله‌اند. این کمیته‌ها از همان بدو پیدایش خود منشاء خدمات بس ارزنده‌ای، به ویژه در دفاع از کارخانه، ترمیم ویرانی‌ها و عقیم

جنگ تجاوزکارانه‌ای که رژیم صدام بر مردم میهن ما تحمیل کرده است علاوه بر بمباران و تخریب تاسیسات صنعتی و کشاورزی و نفتی و کشتار بی‌رحمانه توده‌های مردم، تاکنون موجب آوارگی و دربدری بیش از یک میلیون هم‌میهن زحمتکش ما شده که خانه و کاشانه خود را رها کرده و اینجا و آنجا و در نواحی مختلف کشور غریبانه زندگی می‌کنند.

تعداد آوارگان جنگ تجاوزکارانه صدام و توطئه امپریالیسم آمریکا امروز به مرز دو میلیون نفر نزدیک شده است. هنوز علی‌رغم کوشش‌های مقامات دولتی، نهادها و نیروهای انقلابی اکثر آنان که بیشترین صدمات جنگ تحمیلی را دیده‌اند با مشکلات بیشتری دست به گریبان هستند.

آوارگان جنگ اکنون چون همیشه خشمگین از توطئه امپریالیسم آمریکا و تجاوز رژیم صدام به خاک میهنمان به آینده جنگ و نبرد رزمندگان چشم دوخته‌اند و صبورانه در انتظار کمک‌های موثر هم‌میهنان زحمتکش خود و دولت جمهوری اسلامی می‌باشند.

سرمایه‌داران فرار می‌کنند

از همان نخستین روزهای جنگ، سرمایه‌داران - فتودال‌ها و اقشار مرفه بار و بنه خود را جمع کرده و راهی شهرهای بزرگ شدند و در خانه‌ها و مستغلاتی که در این شهرها داشتند، مسکن گزیدند. اما زحمتکشان و کارگران و دهقانان ساکن شهرهای خط مقدم و روستاهایی که هر دم در معرض آتش یورش نیروهای مزدور رژیم صدام قرار داشتند قاطعانه به مقابله ایستادند و مقاومت کردند زیرا شعار آنها شعار همه زحمتکشان و نیروهای انقلابی بود که: می‌مانیم و تا پای جان در خون پیکار می‌کنیم.

نیروهای مزدور عراق برای شکستن این سد دفاعی شروع به بمباران این مناطق کردند تا مردم را مجبور به ترک

خانه و کاشانه خود کنند. در چنین شرایطی هر روز ده‌ها و صدها نفر از کودکان و سالخوردگان به خاک و خون کشیده می‌شدند ساکنان این مناطق مجبور به تخلیه مناطق مسکونی شده و راهی

نیاید که اغلب مسئولان متوجه واقعیت‌ها شدند و توده‌های مردم در پشت جبهه با آغوش باز و تا حد امکان به یاری آوارگان جنگ شتافتند. اکنون قریب به دو میلیون آواره در بدر و

فرهنگ و کار رضایتبخش نیست و نیازمند رسیدگی و اقدامات عاجلی است.

جنگ زدگان

در نخستین روزهای آوارگی

فشار وحشیانه روزهای اول



قهرمانانی که رنج بی‌خانمانی را بر ننگ ماندن در زیر یوغ اشغالگران صدامی ترجیح داده‌اند

● بنیاد امور جنگ زدگان به جای پرداختن به مسائل عمده آوارگان به کارهای جانبی دست می‌زنند.

● باید با ایجاد کارهای تولیدی و استفاده از نیروهای کار جنگ زدگان آنان را از حصار اردوگاه‌ها و چادرها بیرون آورد و به نیروی زحمتکشان آواره اعتماد کرد.

شهرها و نقاط مختلف کشور شدند. سقوط اولیه شهر سوسنگرد و جنایات مزدوران صدام در این شهر و نقاط دیگر مانند قصر شیرین و خونین شهر موجب شد که ساکنان مناطق اشغالی رنج آوارگی را بر ننگ ذلت و پذیرش زندگی در زیر یوغ اشغالگران صدامی ترجیح دهند.

برخوردهای نادرست بعضی از مقامات و سخنان تعدادی از ائمه جمعه با آوارگان در آغاز، مشکلات آوارگان را دو برابر کرد و برخوردهایی به وجود آورد که تنها لیبرال‌های خائن و گروهک‌های آنارشیست از آن بهره جستند. اما دیری

خانه به‌دوش در اردوگاه‌های سرزمین‌های گرم و سوزان خوزستان، ریگ‌های سوزان کویر و کوه‌ها و جنگل‌های میهن ما غریبانه زندگی می‌کنند.

امروز در میان آوارگان فقر هست، گرسنگی هست و بی‌خانمانی هم هست ولی ایمان به بازگشت نیز هست زیرا هر اردوگاه مملو از زحمتکشانی است که فردای روشن میهن ما با دست‌های پینه بسته آنان ساخته شده. درچهره همه آوارگان شعله مقاومت در برابر تجاوز فروزان است. با اینکه وضع آنان در بسیاری جاها از لحاظ پزشکی، بهداشتی، غذا، مسکن، آموزش و

ارتش صدام بر شهرها و روستاهای مناطق جنگی موجب شد که ده‌ها و صدها هزار از هم‌میهنان زحمتکش بالاچار خانه و کاشانه خود را ترک کرده و با مشکلات فراوان و گاهی ده‌ها کیلومتر با پای پیاده خود را به مناطق خارج از تیررس متجاوزان برسانند و تازه وقتی به این نقاط می‌رسیدند با مشکلات متعدد برای تاهمین مسکن، تغذیه بهداشت و لباس و رختخواب و سایر مایحتاج اولیه زندگی مواجه می‌شدند. برخورد غیرمسئولانه وی بی‌برنامگی و ناهماهنگی مسئولین نیز که ناشی از عدم درک مصائب جنگ بود، مزید بر مشکلات آنان می‌شد. این ناهماهنگی و پراکنده کاری و

وجود اختلاف نظر بین مسئولان و در بسیاری موارد شیوه‌های برخورد نادرست آنان مشکلاتی را به وجود می‌آورد که لزوم رفع آن بارها از طرف نیروهای انقلابی و نهادهای مردمی گوشزد می‌شد. در این میان آوارگان در نواحی مختلف کشور و به صورت پراکنده در خانه‌های مصادره شده، ساختمان‌های عمومی، کمپ‌ها و شرکت‌های دیگر و اردوگاه‌ها و چادرها اسکان یافتند و برای جلوگیری از مشکلات موجود، بنیاد جنگ‌زدگان کشور تشکیل شد.

بنیاد جنگ زدگان:

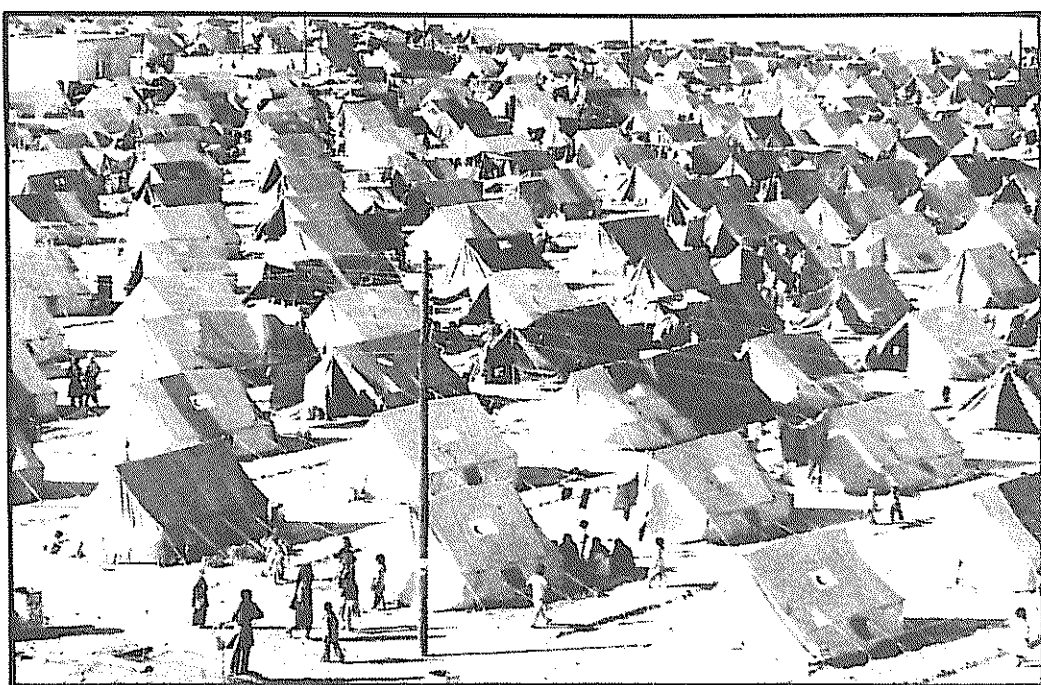
فعال ولی ناکافی

پس از گذشت ۶ ماه از آغاز جنگ تجاوزکارانه صدام سرانجام به فرمان امام و تصویب مجلس شورای اسلامی بنیاد جنگ‌زدگان کشور با ۵ میلیارد تومان بودجه فعالیت خود را آغاز کرد. و قرار شد کلیه فعالیت‌های مربوط به آوارگان در این بنیاد یک‌کاسه شود و امور جنگ‌زدگان از طریق این بنیاد سامان بگیرد. لزوم وجود یک چنین نهادی قبلاً بارها از طریق سازمان ما در شماره‌های ۹۵، ۹۳، ۹۱، و کار و از سوی بسیاری از نیروهای پیرو خط امام پیشنهاد شده بود و به همین جهت انتظار می‌رفت با تشکیل آن گام‌های اساسی در جهت حل مشکل آوارگان به ویژه از لحاظ بهداشتی، تغذیه، مسکن و به کار گرفتن نیروی عظیم کار آنان در پشت جبهه برداشته شود. بنیاد اگر چه اقداماتی در این مورد به عمل آورد ولی به جای اتکاء به نیروی خود جنگ‌زدگان دچار بوروکراسیسم گردید. نهادی که نیروی عظیمی را به خود جذب کرده است و بیشتر به کارهای غیر ضروری و کم‌اهمیت می‌پردازد دکتر مجیدی معاونت اداری و مالی بنیاد جنگ‌زدگان بدون درک اهمیت مسئله و آوارگان غملا به مسایلی پرداخته است که راه‌گشای حل مشکلات اساسی جنگ زدگان نبوده و نخواهد بود.

بخش‌های طرح و برنامه و فرهنگی بنیاد که می‌بایست نقش بسیار فعالی در حل مشکلات عمده جنگ‌زدگان و آموزش آنان داشته باشد نتوانسته است کار ارزنده‌ای انجام دهد. سفرها و بازدیدهای مقامات مسئول از بقیه در صفحه ۸

آوارگان جنگ

بقیه از صفحه ۷



میان آنان از کارگر ساده تا متخصص رشته‌های مختلف پیدا می‌شوند که از نیروی کار آنان استفاده نشده و عملاً این عده به زندانیان اردوگاه‌ها، چادرها و محل‌های اسکان تبدیل شده‌اند و باید از نیروهای آنان در حل مشکلات جنگ زدگان و اردوگاه‌ها کمک گرفت. بهره‌گیری از نیروی کار این عده به ویژه در نهادهای مختلف مانند بسیج و جهاد سازندگی و استفاده از نیروی تدارکاتی آنها بسیار با اهمیت است.

* باید به نیروهای توده‌های زحمتکش آواره اعتماد کرد و آنان را به طور جدی در حل مشکلات خویش و اداره نهادهای مسئول آنان مانند بنیاد جنگ زدگان شرکت داد. هیچ‌کس بهتر از خود جنگ‌زدگان متعهد و مؤمن به آرمان‌های انقلاب، مشکلات آنان را نمی‌داند و به همین دلیل نیز باید از توانایی خود آوارگان در جهت حل مشکلات آوارگان جنگ استفاده کرد.

* تدوین یک برنامه منظم و منسجم برای حل مشکلات آینده به ترتیب اولویت و برنامه‌ریزی در جهت حل مسائل بعدی آوارگان و بازگشت آنان به مناطق مسکونی خود و بازسازی این مناطق به نحوی که بتواند در کوتاه‌ترین مدت بیشترین بهره را گرفت، از دیگر مسائلی است که باید از هم‌اکنون به فکر آن بود.

تدوین این برنامه و حل مسایل بعدی آوارگان از جمله مسایلی است که باید با همکاری و همفکری همه نیروهای انقلابی و میهن پرست کشور و دولت جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد سازمان ما در پایان یکسال جنگ تحمیلی رژیم صدام که منجر به آواره شدن قریب به دو میلیون از هم‌میهنان ما شده است همواره وظیفه خود دانسته که به مضمون این تراکت که از نخستین روزهای جنگ تحمیلی منتشر شده عمل کند:

تمام مسائل مربوط به آنها در بنیاد جنگ زدگان متمرکز شود و بنیاد برای حل مسایل مسکن، تغذیه، بهداشت و فراهم آوردن کارهای تولیدی برای جنگ زدگان به فعالیت سریع و انقلابی دست بزند. بدون برنامه‌ریزی درست و منطقی و رفع تبعیض‌ها و تفاوت‌ها در اردوگاه‌ها حل مسئله جنگ‌زدگان امکان پذیر نیست.

* اغلب محل‌های اسکان از نظر بهداشتی و درمانی نارسایی‌های زیادی دارند. کمبود آب آشامیدنی، سالم نبودن حمام و شیر آب از مشکلات عمومی است. کمبود است که باید با اختصاص ساختمان‌های عمومی و ساختمان‌هایی که با دهها آپارتمان خالی مانده‌اند، این مشکلات را حل کرد. برای رفع نارسایی‌های بهداشتی و درمانی نیز باید با هماهنگی و استفاده از امکانات عمومی و به‌ویژه توانایی‌های خود جنگ‌زدگان دست به اقدامات سریع و پیشگیرانه‌ای زد. زیرا هم اکنون امکان شیوع بیماری‌های واگیر و مسری فراوان است.

* اوضاع مالی و اقتصادی خانواده‌های جنگ زده به ویژه در مورد هموطنان روستایی زحمتکش و افشار کم درآمد خراب است و کمک‌های مالی و جیره‌بندی تکافوی احتیاجات آنان را نمی‌کند و در این میان وضع خانواده‌های بی‌سرپرست باید هرچه زودتر مورد بررسی قرار گیرد.

* وضع دانش‌آموزان در بسیاری از مناطق جنگ‌زده روشن نیست و برنامه‌ریزی صحیحی برای تدوین یک طرح عمومی در مورد دانش‌آموزان مناطق جنگ‌زده صورت نگرفته است. هنوز از نیروی وسیع فرهنگیان آواره مناطق جنگی به خوبی استفاده نمی‌شود و نیروهای آنان و دانش‌آموزان جوان به هدر می‌رود.

* بیکاری از مشکلات عمده جنگ‌زدگان می‌باشد. در

مشاغل ساکنان اردوگاه‌ها بیشتر دستفروشی، سیگار فروشی است و در بعضی موارد عناصر سودجو و فرصت طلب به کارهای مضر و نامشروع مانند قاچاق در اردوگاه مشغولند. آنچه در بالا گفته شد گوشه‌هایی از مصایب جنگ زدگان زحمتکش بود که به صورت یکی از مشکلات عمده و مسایل مهم پشت جبهه درآمده است. وظیفه هر نیروی میهن پرست و ترقی‌خواه و دولت جمهوری اسلامی ایران است که با درک اهمیت این مهم به‌وظایف خویش عمل کنند و به جای پراکنده‌کاری و پرداختن به جزئیات در جهت حل مسایل اساسی جنگ‌زدگان گام‌های مؤثری بردارند.

"کار" از همان آغاز جنگ تحمیلی تصویرگر حقیقی زندگی این زحمتکشان آواره بوده و ده‌ها مطلب، گزارش و عکس را همراه با پیشنهادات ارزنده‌ای برای بهبود وضع آنان منتشر کرده است که بعضی از این پیشنهادات مورد توجه قرار گرفته است. به اعتقاد ما رسیدگی بیشتر به مسئله آوارگان و رفع نیازهای حیاتی آنان امری ممکن و شدنی است و توجه به مسایل زیرین می‌تواند گره‌گشای حل بسیاری از مشکلات باشد.

چه باید کرد؟
* برای حل مسایل جنگ زدگان باید قبل از هر چیز

مسئولان اصلی ایلام و خوزستان با بنیاد در تعارض هستند و معتقدند که بنیاد باید در این استان‌ها باشد نه در تهران.

معیشت جنگ‌زدگان به استثنای جنگ‌زدگان مرفه که می‌توانند با اندوخته قبلی خود چندین سال را بگذرانند، کارمندان ادارات و کارگران شرکت نفت نیز ضمن استفاده از تسهیلات شرکت‌های تعاونی نصف تا دو سوم حقوق ماهیانه خود را دریافت می‌کنند. در این میان معاش دارندگان شغل آزاد، کارگران ساختمانی و اصلی، کارکنان کارگاه‌ها و بخش خصوصی، پیشه‌وران و اصناف خرده پا با سختی مواجه است. زیرا درآمد مشخصی ندارند. اما بیشترین مشکلات را کشاورزان و روستائیان تحمل می‌کنند و برای تأمین مشکلات خود با نیازهای جدی و اساسی روبه‌رو هستند از طرف بنیاد جنگ‌زدگان و نهادهای مسئول همراه مبلغی بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ تومان و مقداری جیره غذایی به خانواده‌ها داده می‌شود که گرچه منظم شدن تدریجی توزیع آن مقداری از مشکلاتشان را حل کرده است ولی نتوانسته است به نیازهایشان پایان دهد. بسیاری از آوارگان برای جبران کمبودهای خود به مشاغل جانبی و غیرتولیدی روی آورده‌اند گرانی و تورم بیش از حد در اردوگاه‌ها حاکم است و

اردوگاه‌های محل سکونت آوارگان هم تاکنون نتیجه عمده‌ای به بار نیاورده است. مشکلات دیگری وسعت و تعدد میان راه از حل بسیاری از آنان باز می‌مانند. در این میان وضع اغلب اردوگاه‌ها همچنان نابسامان است. توزیع مواد غذایی جیره‌بندی شده، منظم نیست مقدار کمک مالی دولت به ساکنان اردوگاه‌ها بسیار کم و ناچیز است از لحاظ مسکن وضع از بد هم بدتر است. در یک اتاق کوچک گاهی بیشتر از ده - دوازده نفر سکونت دارند. اکثر آوارگان اردوگاه‌ها از سرما و گرما در گزند هستند. بسیاری از خانواده‌ها از کم‌ترین زیرانداز و رختخواب محرومند. بیماری‌های مختلفی در میان آوارگان شیوع یافته، بیماری چشم، اسهال، استفراغ و... تقریباً در بیشتر اردوگاه‌ها رایج است. و نبودن آب بهداشتی، کمبود پزشک و درمان از دیگر مصائبی است که آوارگان جنگ با آن روبه‌رو هستند. در مسئله آوارگان استان‌های خوزستان ایلام، کرمانشاهان و لرستان جای ویژه‌ای دارند. قریب به یک میلیون نفر آواره در این سه استان به سر می‌برند و تنها در خوزستان ۲۸ اردوگاه وجود دارد که تعدادی از آنها مانند شادگان در صحنه جنگ می‌باشد. و به همین جهت بعضی از

به یاری آوارگان جنگ بشتابیم
جنگ تحمیلی امپریالیسم و رژیم جنایتکار صدام بیش از یک میلیون هم‌میهن ستمدیده ما را از خانه و گاشانه خویش آواره ساخته است. هم‌میهنان جنگ‌زده ما به یاری همه هم‌میهنان آگاه و مبارز خویش نیاز دارند.
با همه توان خویش به یاری آوارگان جنگ بشتابیم.

اتحاد کلیه نیروهای هوادار انقلاب، کلید مقابله با دشواری‌ها است

انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین لحظات نبرد بی‌امان خود با امپریالیسم آمریکا و جبهه براندازی را می‌گذراند. امپریالیسم آمریکا، متحدان و وابستگی‌اش، تمامی نیروهای خود را برای به‌زانو درآوردن انقلاب ایران، چه درون و چه در بیرون کشور، بسیج کرده‌اند، و توطئه‌ای از پس توطئه دیگر، خونبارتر و خطرناک‌تر تدارک می‌بینند. این واقعیت که امپریالیسم آمریکا با انقلاب ایران سراسازگاری ندارد و از تمامی امکانات برای به‌خون کشیدن آن بهره خواهد گرفت، اکنون و پس از تجربه خونین دوسال و نیمه انقلاب، نیازی به اثبات ندارد، و این واقعیت نیز که انقلاب ایران برای کسب پیروزی قطعی و غلبه بر دشواری‌ها و موانع عظیم موجود، مجبور است که تمامی امکانات را به خدمت گیرد و خود را برای نبردهای عظیم پیشروی از هرجهت آماده سازد، ظاهراً واقعیتی پذیرفته شده است. انقلاب ایران اکنون هم از امکانات بی‌نهایت مساعدی، چه در صحنه جهانی و چه در عرصه داخلی برخوردار است، و هم با دشواری‌ها و موانع بزرگی روبرو است، که در صورت بهره‌برداری صحیح و مسئولانه از آن امکانات، خواهد توانست بر این دشواری‌ها نیز غلبه کند و راه خود را به پیش، به سوی ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد، هموار سازد. رای و تمایل توده‌های دهها میلیون‌نوی مردم ما که بار دشواری‌های عظیم انقلاب را بر دوش دارند و با خون خویش آن را از گزند توطئه‌ها و تمهیدات شیطانی دشمنان استقلال و آزادی ایران حفاظت کرده‌اند، برآنست که مسئولان کشور با چشمان باز، موانع و دشواری‌ها را به‌درستی ارزیابی کنند و بی هیچ تا‌ملی توده‌ها را در جهت غلبه بر آنها

بسیج نمایند . خطر خارجی جنگ و تجاوز

پس از تجاوز نظامی لشکر صدام حسین به خاک ایران، آشکار شد که "امرای" سیاسی آمریکا در تحریک و تشویق صدام حسین به اجرای نقش خائنانه و تجاوزکارانه‌اش، نقش جدی داشته‌است. لیبرال‌ها و عوامل آمریکا که سکان سیاست خارجی ایران را در دست داشتند با تمامی نیروی خویش از نزدیک شدن جمهوری اسلامی ایران به دوستان و متحدانش در عرصه جهانی، از جبهه پایداری گرفته تا کشورهای غیر متعهد و از همه مهم‌تر کشورهای سوسیالیستی، ممانعت کرده بودند، به‌طوری که در آستانه وقوع تجاوز نظامی روابط ایران با کشورهای انقلابی و ضدامپریالیست منطقه چون لیبی، الجزایر، سوریه و یمن دموکراتیک کم و بیش در سطح دوران شاهنشاهی باقی مانده بوده. این واقعیت که اگر جمهوری اسلامی ایران توانسته بود بلافاصله پس از پیروزی انقلاب به جستجوی دوستان و متحدانش در عرصه جهان برخیزد و پیوندهای مستحکم مابین خود و آنها پدید آورد، هیچ‌گاه صدام جرئت تجاوز به خاک ایران را به خود راه نمی‌داد، واقعیت گریز ناپذیری است. لیبرال‌ها و عوامل امپریالیسم آمریکا، به پیروی از توصیه برژینسکی، چنین خدمتی را به امپریالیسم آمریکا کردند، که با محصور کردن جمهوری اسلامی ایران در پله‌خویش، جنگی چنین ویرانگر و بی‌آمدهای منفی آن را، که موجب دشواری‌های عظیم گذشته است، بر انقلاب ایران تحمیل نمایند. هرچند توطئه آمریکائی تجاوز صدام و نقشه پیروزی برق‌آسای لشکریان او به نیروی میلیون‌نوی مردم فداکار و انقلابی و رزمندگان پاسدار و ارتشی در هم شکست، اما

جنگ یک‌ساله و بی‌آمدهای آن، که هر روز گروهی از بهترین فرزندان میهن ما را به خاک و خون می‌کشد و آرام آرام خون انقلاب را می‌مکد، یکی از بزرگ‌ترین دشواری‌ها، پیش روی جمهوری اسلامی ایران است، که باید به آن توجه خاص معطوف داشت. باید توجه داشت که امپریالیسم آمریکا هنوز هم برای غلبه بر انقلاب ایران به تجاوز خارجی اهمیت بسیار می‌دهد و گذشته از نیروی چند صد هزار نفری واکنش سریع، که به‌ویژه در کشورهای وابسته به خویش در منطقه متمرکز ساخته است، گرد ایران را با گروهی از وابستگان و عرس‌بازگان گوش به فرمان خویش محاصره کرده است و از آنها در ثروت مزدوران ضدانقلابی بهره می‌گیرد. شکست توطئه باند بنی‌صدر و رجوی و تصفیه وسیع لیبرال‌ها از حساس‌ترین اهرم‌های حاکمیت، امپریالیسم آمریکا را به تدارک توطئه جدیدی از درون، برای فراهم آوردن زمینه تجاوز از بیرون واداشته است. اظهارات چندی پیش مفسر "واشنگتن پست"، که از نزدیکان به کاخ سفید است، در این‌که "آمریکا یک عده امکانات و وسائلی دارد تا در ایران هرج و مرج ایجاد کند و مقدمات تجاوز از خارج را فراهم آورد" و "واشنگتن می‌تواند کشورهای هم‌مرز ایران و دوست آمریکا، یعنی ترکیه، عمان و پاکستان را در راه کمک به مخالفان ایران سوق بدهد" و... زنگ خطر وهشدار جدی است. در مقابل خطری چنین عظیم و در مقابل جبهه‌ای چنین وسیع، که به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و با شرکت کلیه وابستگان به دنیای سرمایه‌داری انقلاب ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد، جمهوری اسلامی ایران نیز باید هرچه سریع‌تر به بسیج کلیه نیروهای ضدامپریالیست

در جهت دفاع از خود روی آورد. هرگونه تنگ‌نظری، میدان دادن به گرایش‌های قشری و دور از واقع‌بینی، خواسته یا ناخواسته، جز کمک به پیشبرد خط‌برژینسکی و تنها رها کردن جمهوری اسلامی ایران به کف دست درنده‌ای که از هر سو برای پاره‌پاره کردن آن چنگال تیزی می‌کند، نخواهد بود.

دشواری‌ها و موانع داخلی غارتگران

انقلاب ایران، انقلابی ضدامپریالیستی و مردمی است، یعنی از یک‌سو مضمون استقلال طلبانه، باهدف قطع دست غارتگر امپریالیسم از حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور ما دارد و از سوی دیگر انقلاب توده‌های محروم علیه غارتگران است، یعنی باید به فعال مایشائی طبقات ستمگر خاتمه دهد و توده‌های میلیون‌نوی خلق را در بهره‌وری از ثروت‌های عظیم میهن سهیم سازد. انقلاب ایران برای نیل به آماج‌های اساسی خود به حمایت و پشتیبانی فعال و بی‌دریغ توده‌های خلق، نیاز حیاتی دارد، زیرا بدون شک اگر جانبازی و فداکاری خلق نبود، نمی‌توانست به پیروزی بر رژیم جنایتکار، و سرسپرده و وابسته پهلوی دست یابد و نه بر توطئه‌ها و دشواری‌های عظیم دوسال و نیمه پس از پیروزی انقلاب فائق گردد. متأسفانه طبقات غارتگر، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و نمایندگان آنها با همکاری تفاله‌های آمریکا، که بخشی از قدرت سیاسی را در دست داشتند، طی دو سال و نیم اخیر با تمام نیرو از انجام تحولات بنیادی به سود توده‌های مردم ممانعت کردند و با برخورداری از حمایت خائنین و پیروان خط سازش و تسلیم چون بنی‌صدرها و امیرانتظام‌ها آزادانه به چپاول دسترنج مردم ادامه دادند و به زیان

وضع معیشتی مردم، سوده‌های چند صد در صد تا چند هزار در صد بردند. آنها اقتصاد نیمه ویران ایران را به سوی ویرانی کامل سوق دادند، هر جا که منافع غارتگران در خطر بود، کارخانه‌ها را از کار انداخته، مزارع را به آتش کشیدند، کارگران را بیرون راندند و علیه دهقانان دست به تحریکات زدند. این واقعیتی است که طی دو سال و نیم پس از انقلاب، گروهی معذود غارتگر، دهها بار فربه‌تر شدند و توده‌های میلیون‌نوی مردم، زیر بار گرانی دهشتناک ناشی از سودجویی غارتگران داخلی و محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها و تورم صادراتی جهان سرمایه‌داری، کمر خم کردند. اما خلق، به قول امام خمینی، "کار خود را صد در صد خوب انجام داد" و حتی لحظه‌ای پا پس نکشید و با حمایت فعالانه و آگاهانه خود از خط‌امام، یک به یک توطئه‌های خطرناک امپریالیسم آمریکا را، که توسط امیرانتظام‌ها، قطب‌زاده‌ها و بنی‌صدرها برای منحرف کردن انقلاب ایران و به شکست کشاندن آن، اجرا می‌گشت، بی‌اثر ساخت. تصفیه حاکمیت سیاسی از بخش بزرگی از نمایندگان غارتگران و تفاله‌های آمریکا پس از شکست و رسوایی باند بنی‌صدر و فرار او، که به روی کار آمدن دولت شهید دکتر باهنر منجر گشت، این امکان را پدید آورد که حاکمیت انقلابی نیز به وعده‌های خود عمل کند و به اقدامات عملی علیه غارتگران و به سود محرومان، این ستون‌های استوار انقلاب، دست زند. چنین سمتگیری درستی که در برنامه کار دولت شهید دکتر باهنر گنجانیده شده بود، این امید را تقویت می‌کرد. اما بی‌شک چنین اقداماتی، که پشتوانه توده‌های انقلاب را تقویت می‌کرد، حمایت

از میان یادداشت‌های

فدائیان خلق

در جبهه‌های جنگ

همزمان با آغاز جنگ تحمیلی و بنا به رهنمود سازمان، هزاران نفر از فدائیان خلق (اکثریت) آمادگی خود را برای بیرون ریختن تجاوزگران از خاک میهن انقلابی‌مان اعلام کردند.

هزاران نفر از فدائیان خلق (اکثریت) به مساجد به کمیته‌ها، به بسیج و به ارتش روی آورده و با نام‌نویسی خود دوش به دوش برادران سپاهی و پرسنل انقلابی ارتش به جبهه‌ها اعزام شدند.

هنوز چیزی از آغاز جنگ نگذشته بود که سیل نامه‌ها و یادداشت‌های فدائیان از جبهه‌های جنگ به سازمان سرازیر شد این نامه‌ها و یادداشت‌ها که سند مسلم قهرمانی‌ها و فداکاری‌های فدائیان خلق است اکنون جز افتخارات سازمان می‌باشد. ما چند ورقه از این روزهای افتخار را در ارگان سراسری به چاپ رسانده، امیدواریم که در فرصتی مناسب و با امکاناتی بیشتر بتوانیم قهرمانی‌ها و جانبازی‌های رفقای فدایی را که در سطر به سطر این یادداشت‌های خونین به ثبت رسیده است، در وسعت بیشتری منتشر کرده و به خلق قهرمانان تقدیم کنیم گزارش‌گونه زیرسطرهایی است از یادداشت‌های خونین و حماسی فدائیان خلق (اکثریت) که به مناسبت هفته جنگ تقدیم می‌داریم.

شهر یکپارچه مقاومت است. در گوشه یک خیابان یک رفیق فدایی برای مردم سخنرانی می‌کند، از مقاومت قهرمانانه مردم استالینگراد، از عزم پولادین خلق ویتنام و از اتحاد سخن می‌گویند.

(۸ مهرماه ۵۹)

امروز اعلامیه‌های سازمان و اعلامیه‌های هواداران کردند و کرمانشاه در شهرها، بخش‌ها و روستاهای استان وسیعاً پخش شده است.

(کرمانشاه ۹ مهرماه ۵۹)

.. گزارشات حاکی از مقاومت دلیرانه پاسداران و فدائیان خلق است... در نامه‌ای که رفقای فدایی از سنگر مقاومت آبادان قهرمان و خرمشهر دلاور نوشته‌اند چنین آمده است:

همگی در آبادان، شهر کارگران و زحمتکشان و در خرمشهر شهر کار و مقاومت می‌مانیم و تا آخرین قطره خون خود از شهرها دفاع می‌کنیم و در آبادان با مردم و در کنار مردم استالینگراد دیگر، تل‌زعتری دیگر می‌آفرینیم. سلام ما را به همه رفقا برسانید

مرگ بر صدامیان تجاوزگر
زنده باد انقلاب

(مهرماه ۵۹)

ناکنون نام چندین نفر از رفقای سازمان که در جبهه‌های خورستان همراه صدها زحمتکش، پرسنل انقلابی و پاسدار به شهادت رسیده‌اند به دست ما رسیده است.

- ۱- فدایی خلق رفیق علی حاتم‌زاده
 - ۲- فدایی خلق، رفیق غلامعباس بخرد
 - ۳- فدایی خلق رفیق سهیلا مستعان‌زاده
- (هفته اول جنگ)

یک سال حماسه، یک سال مقاومت

« روز شمار جنگ مقاومت »

در دهلران، مهران و شلمچه به عقب رانده شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی اعلام داشت " ۲۳۴ تانک در جنوب و غرب کشور منهدم شد؟

شهریور ۵۹

چهارشنبه نوزدهم شهریور: ارتش عراق در سه جبهه از ایران به سختی شکست خورد. قصر شیرین و اطراف آن بار دیگر مورد حمله مزدوران عراقی قرار گرفت.

پنجشنبه دهم مهرماه: کلیه شهرهای جنوب در دست مردم و نیروهای انتظامی است.

قسمت اعظم شهر دهلران از دست نیروهای عراق خارج شد.

شنبه دوازدهم مهرماه: شاهپور بختیار با یک هواپیمای عراقی که از ابتدای جنگ ایران و عراق در پاریس متوقف بود راهی اردن شد.

هواداران سازمان در لندن طی اجتماعی در مقابل دانشجویان سایر ملل ماهیت تجاوزات رژیم صدام به میهنمان را افشاء کردند.

مهرماه ۵۹

سه‌شنبه اول مهرماه: نیروی هوایی ایران مواضع دشمن را در قلب عراق در هم کوبید. تنگه هرمز و خلیج فارس به کنترل کامل نیروهای دریایی ایران درآمد.

یکشنبه سیزدهم مهرماه: ملک حسین شاه اردن اعلام کرد که برای دفاع از عراق حاضر به جنگ با ایران است وزیر خارجه انگلیس گفت " بهترین راه حل جنگ ایران و عراق، بسیج کشورهای مسلمان توسط ضیاء الحق است "

سفیر شوروی در ایران اعلام داشت " هر طرف که جنگ را شروع کرده‌است از طرف شوروی محکوم است "

دوشنبه چهاردهم مهرماه: وزیر خارجه عربستان سعودی گفت که: " عربستان به نفع کشورهای عربی در جنگ با ایران مداخله خواهد کرد "

به دنبال بمباران پالایشگاه تبریز کارگران پیشرو تبریز طی اطلاعیه‌ای آمادگی خود را جهت حفاظت و افزایش تولید پالایشگاه اعلام داشتند.

سه‌شنبه پانزدهم مهرماه: نماینده ویژه ایران در سازمان ملل اعلام داشت: " امریکا از طریق اردن و اسرائیل جنگ عراق علیه ایران را هدایت می‌کند "

چهارشنبه شانزدهم مهرماه: برای جنگ علیه ایران نیروی ۴۰ هزار نفری اردن در مرز عراق مستقر شد. آتش‌سوزی پالایشگاه تبریز که به دنبال حمله عراق صورت گرفته بود، مهار شد.

۶۰۰ نظامی عراقی با تجهیزات جنگی و تانک در سرپل‌دهاب به اسارت نیروهای ایران درآمدند.

پنجشنبه هفدهم مهرماه: مردم قهرمان ایران برای مقابله با مزدوران عراقی دسته دسته بسیج می‌شوند. در حمله به نیروهای عراق در ایلام، ۱۰۳ تن از نیروهای عراقی به هلاکت رسیدند.

کار " ارگان سازمان فدائیان خلق (اکثریت) : " امپریالیسم آمریکا از تهاجم عراق علیه مراکز صنعتی ایران چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند؟ "

شنبه نوزدهم مهرماه: عراق رابطه خود را با لیبی، سوریه و کره شمالی به خاطر پشتیبانی این سه کشور از ایران، قطع کرد.

قذافی رهبر لیبی از اعراب خواست تا در جنگ علیه آمریکا با ایران متحد شوند. هواداران سازمان در شهر کلن آلمان غربی طی تظاهراتی حمله رژیم صدام به خاک میهنمان را افشاء کردند.

چهارشنبه دوم مهرماه: ۴۵ میگ عراق در خاک ایران سرتگون شد. از طرف ستاد امنیت تهران امشب خاموشی شبانه اعلام شد.

پنجشنبه سوم مهرماه: ۱۴ آمریکایی همراه عده‌ای سرباز عراقی در مرز دستگیر شدند. جنگنده انگلیسی متعلق به عراق در اسلام‌آباد غرب سرتگون شد.

صدها نفر از اعضای سازمان بسیج مستضعفین به غرب کشور اعزام شدند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) از هواداران خود و مردم خواست برای دفاع از انقلاب و استقلال کشور با سپاه پاسداران و کمیته‌ها همکاری کنند.

شنبه ۵ مهرماه: الجزایر و کره شمالی آمادگی خود را برای هرگونه کمک به ایران اعلام کرد. سران مراکش موریتانی، اردن و عربستان از عراق در جنگ با ایران حمایت کردند.

روزنامه پراو دا در شماره امروز خود بار دیگر واشنگتن را به دامن‌زدن به آتش اختلافات میان تهران و بغداد متهم کرد.

سازمان طی تلگرافی ضمن ابراز تنفر شدید و محکوم ساختن تجاوزات رژیم عراق دفاع پیگیر و مصمم از دستاوردهای انقلاب و شرکت فعال و یکپارچه نیروی سازمان را در این جنگ عادلانه میهنی به حضور امام خمینی اعلام داشت

میلیون‌ها نفر از مردم ایران آمادگی خود را برای عزیمت به جبهه‌های جنگ اعلام داشتند.

یکشنبه ششم مهرماه: رونالد ریگان، نامزد ریاست جمهوری آمریکا گفت: آنچه اکنون در ایران و عراق می‌گذرد نتیجه سیاست‌های دولت کارتر در ماه‌های گذشته است

دوشنبه هفتم مهرماه: سرپل‌دهاب، قرم‌بلاغ و ارتفاعات مشرف به قصر شیرین از چنگ عراق خارج شد و ۳۰ تانک عراقی به غنیمت گرفته شد.

چهارشنبه نهم مهرماه: توسط رزمندگان دلیر جبهه ارتش مزدور عراق



از میان یادداشت‌های فدائیان خلق...

گزارش‌ها بطور مداوم از رفقای فدایی از جبهه‌های نبرد و مقاومت به دست ما می‌رسد. یک رفیق فدایی در خط اول جبهه در خرمشهر به شهادت رسیده است. رفیق فدایی که در خط مقدم جبهه نبرد با نیروهای مزدور عراقی بوده است در لحظه‌ای که سنگر آنها زیر آتش توپخانه دشمن قرار می‌گیرد، از سنگر بیرون می‌پرد و در آخرین لحظه نارنجک خود را به سمت تانک نیروهای متجاوز پرتاب می‌کند و در دم خوش مورد اصابت گلوله تانک واقع شده و شهید می‌شود. بدن رفیق فدایی از اصابت گلوله قطعه‌قطعه شده است. پاسدارانی که همراه او بودند، همه از رشادت رفیق با اشک سخن می‌گفتند. (آبادان ۱۱ مهرماه)

و اینک آبادان قهرمان، شهر سنگربندی‌ها شهر مردان و زنان بیباخته، شهر مقاومت و فداکاری است. رفقا همچنان سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر کار می‌کنند، سنگر می‌کنند، کوکتل درست می‌کنند، گروه‌های امداد آماده می‌کنند، آموزش نظامی می‌دهند و با دلاوری به جبهه می‌روند. تلاش پیگیر رفقا چشمان تنگ‌نظر خیلی‌ها را باز کرده است. اکنون آنها متقاعد شده‌اند که کمونیست‌ها در هم‌جا در کنار مردم و با مردمند. می‌جنگند، شهید می‌شوند و از میهن انقلابی سرسختانه دفاع می‌کنند. (۱۵ مهرماه، آبادان)

اینک این آواز خروشان و نیروبخش در هم‌جا طنین‌انداز است، مرگ بر امپریالیسم و تجاوزگران... زنده‌باد خلق...

و در غرب کشور، در قصر، قصر به خون نشسته فدائیان خلق دوش به دوش مبارزانی که در شهر مانده‌اند به جنگ مقاومت سرسختانه‌ای دست زده‌اند. رفقای فدایی از غرب کشور لحظه به لحظه اخبار برایمان می‌فرستند:

"آفتاب در پس کوه‌ها می‌نشیند" قصر "در خون نشسته است. مردم شهر را خالی کرده‌اند، به رفقای می‌اندیشیم که در شهر مانده‌اند، جنگ مقاومت سرسختانه‌ای در شهر ادامه دارد" و در گیلانغرب:

"... تمامی هواداران به سپاه و بسیج مراجعه کرده و عموماً در جبهه مقاومت با دلاوری شرکت کرده‌اند" (گیلانغرب، ۷ مهرماه)

و در جبهه‌های دیگر، آن زمان که شهر زیر آتش توپخانه عراق است و مردم آواره کوه‌ها و بیابان‌ها شده‌اند، هواداران فدائیان خلق اکثریت، برای کمک به مجروحین با کوله‌بارهای پر از دارو به یاری جنگ‌زدگان می‌شتابند:

"... با کوله‌بارهایی پر از دارو روانه کوه‌ها می‌شویم، آوارگان مجروحین جنگ، هم‌میهنان جنگ‌زده در پناه صخره‌ها و دره‌ها چشم به راه ما هستند..."

"... در کمرکش یک کوه به یک ده وارد می‌شویم که مردمش با آغوش باز، بسیاری از آوارگان را در خانه‌های خود جای داده‌اند. به همه خانه‌ها سر می‌زنیم و دارو می‌دهیم، یک کارگر کوره‌پزخانه که می‌فهد ما که هستیم می‌گوید:

بقیه در صفحه ۱۴

آبان ماه ۵۹

شنبه سوم آبان ماه
۸ تانک عراق با سرنشینانش در خونین‌شهر تسلیم نیروهای ایران شدند. ۱۰۰۰ نفر از کارگران مجتمع کفش ملی روانه جبهه‌های جنگ شدند. "طبقه کارگر ایران در سنگر رزم و در عرصه تولید قاطعانه از انقلاب دفاع می‌کند" (کار)

یکشنبه چهارم آبان ماه
روزنامه پرودا نوشت "دولت آمریکا از چند ماه پیش تصمیم گرفته بود جنگی میان عراق و ایران برآورد." (کار)

دوشنبه پنجم آبان ماه:
خونین‌شهر هنوز در مقابل حملات مزدوران عراقی مقاومت می‌کند. بنا به تقاضای کارگران کارخانه ارج کارگران مبارز این کارخانه در کلاس‌های ۱۰۰ نفره توسط سپاه آموزش نظامی می‌بینند.

چهارشنبه هفتم آبان ماه:
رجایی نخست‌وزیر گفت: "دست ما بشکند اگر پای قرارداد مصالحه‌ای را امضاء کنیم" ایران از کشورهای غیر متعهد خواست تا

تجاوزات عراق را محکوم کنند. شرق خونین‌شهر هنوز سرسختانه مقاومت می‌کند. رابطه بخش غربی شهر همچنان با بخش شرقی قطع است.

پنجشنبه هشتم آبان ماه
۹ رفیق فدایی به خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب در جنگ با رژیم صدام جان خویش را از دست دادند.

شنبه نهم آبان ماه:
"شورای امنیت سازمان ملل متحد تجاوزات و جنایات رژیم صدام را نمی‌بیند" (کار)

یکشنبه یازدهم آبان ماه:
کنگره دائمی خلق عرب: "جنگ عراق در خدمت صهیونیسم و امپریالیسم است."

دوشنبه دوازدهم آبان ماه:
نیروهای عراق، مهندس تندگویان وزیر نفت و معاون او و نیز سه مقام دیگر وزارت نفت را در نزدیکی آبادان ربودند.

سه‌شنبه سیزدهم آبان ماه:
دو رفیق فدایی دیگر جان خویش را به خاطر دفاع از آرمان انقلاب میهنان در جبهه‌های جنوب از دست دادند.

شنبه هفدهم آبان ماه:
امام خمینی گفت: "ما مایل به جنگ نبوده و نیستیم لکن اگر کسی تعدی کند دهان او را خرد می‌کنیم"

یکشنبه هیجدهم آبان ماه:
۳۰ سنگر نیروهای عراق در منطقه ایلام به تصرف نیروهای ایران درآمد. توپخانه‌های عراق دیروز و امروز مناطق مسکونی جنوب غربی شهر اهواز را هدف قرار دادند.

دوشنبه نوزدهم آبان ماه:
بخش شرقی خونین‌شهر در مقابل مزدوران عراقی همچنان سرسختانه مقاومت می‌کند. زنان کارگر دوشادوش مردان در سنگرهای انقلاب مبارزه می‌کنند.

بقیه در صفحه ۱۴

"سیاست رژیم عراق تشدید و تداوم جنگ در کردستان ایران" (کار)

یکشنبه بیستم مهرماه:
سفیر شوروی در ایران ارسال اسلحه به عراق را تکذیب کرد. "در ملاقات با نخست‌وزیر سفیر اتحاد جماهیر شوروی اعلام داشت: "ما حاضریم از نظر تسلیحات نظامی به شما کمک کنیم" (کار)

دوشنبه بیست و یکم مهرماه:
سفیر شوروی اعلام داشت "ما بر علیه این جنگ هستیم. سوریه خواستار رسیدگی جامعه عرب به جنایات جنون‌آمیز صدام شد."

سه‌شنبه بیست و دوم مهرماه:
کوبا خواهان حل مسالمت‌آمیز جنگ ایران و عراق شد. کارگران نیروگاه حرارتی نکاء طی اعلامیه‌ای ضمن محکوم کردن تجاوزات رژیم صدام آمادگی کامل خود را جهت شرکت در جبهه‌ها اعلام داشتند.

چهارشنبه بیست و سوم مهرماه:
در حمله هوایی مزدوران عراق به روستاهای اندیمشک و سوسنگرد ۳۱ نفر شهید شدند. تا به امروز دهها تن از رفقای فدایی در سنگرهای جنوب در نبرد علیه رژیم صدام به شهادت رسیدند. به دنبال بمباران کارخانه جنرال‌موتورز کارگران کارخانه را بازسازی می‌کنند. در اثر بمباران پالایشگاه تبریز توسط مزدوران صدام ۶ نفر از کارگران مبارز در سنگرهای پالایشگاه شهید شدند.

"پیکار علیه تجاوز رژیم صدام پیکار علیه امپریالیسم آمریکا و جبهه ضدانقلاب جهانی است" (سرمقاله کار ۲۳ مهرماه)

پنجشنبه بیست و چهارم مهرماه:
نبرد سنگر به سنگر رزمندگان دلیر ایران و مردم قهرمان آبادان دشمن را ۱۰ کیلومتر به عقب راند.

یکشنبه بیست و هفتم مهرماه:
۳۰۰ نفر از کارگران مبارز کارخانه مینو به جبهه‌های نبرد میهنی اعزام و ۳۰۰ نفر دیگر با مراجعه به بسیج داوطلب شرکت در جنگ شدند. ۱۹۰ نفر از افراد ستون پنجم دشمن در خوزستان دستگیر شدند. "ابولید" یکی از اعضای کمیته مرکزی الفتح حمایت انقلاب فلسطین از عراق را شدیداً تکذیب کرد.

"در حول این پیکار تاریخ‌ساز صفاوندی نیروهای انقلاب و ضدانقلاب آشکارتر از پیش شکل می‌گیرد" (کار)

سه‌شنبه بیست و نهم مهرماه:
با پیشنهاد یکی از رزمندگان جبهه نبرد خرمشهر و تأیید شورای عالی دفاع نام "خرمشهر" به "خونین‌شهر" تغییر کرد. دانشجویان هوادار سازمان در سوئد با راهپیمایی به طرف سفارت رژیم عراق، جنایات صدام را محکوم کردند.

چهارشنبه سی‌ام مهرماه:
هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل گفت: "عراق ۱۲ نفر از دیپلمات‌های ایرانی را گروگان گرفته است"

فدائیان خلق، رفقای شهیدان

سنگر مقاومت در برابر تجاوزگران

از خون رفیقان ما لاله گون است

فدائی خلق و رفیق فدائی د

به شهادت

طبقه کارگر در استوار بیداری در

خون کارگر

سرخ خونی

هرگز کوچکتر

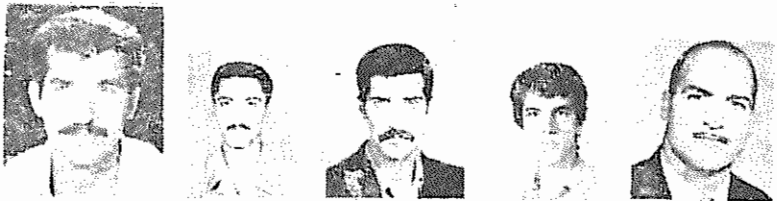
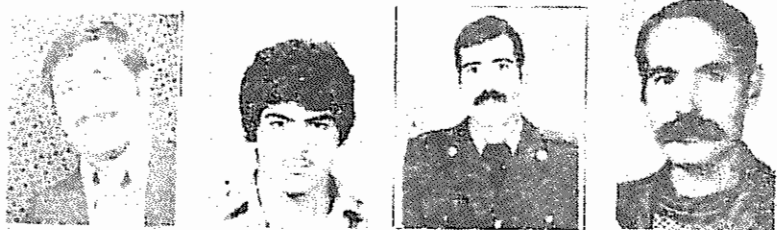
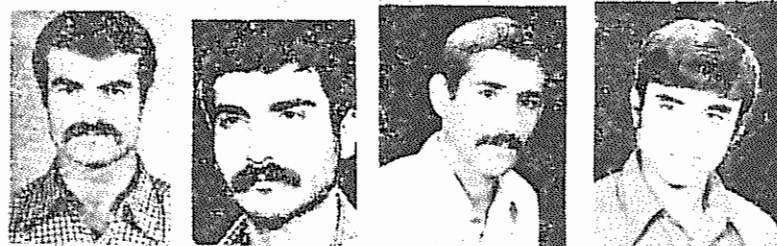
است

رفیق فدائی

شهادت سنگرهای خوز

همیشه زنده اند

سنگرهای مقاومت



به عنوان موجی از شط خروشان خلق در آن شرکت داشتند در همان لحظاتی که "برادر ترکش خمپاره‌های رژیم صدام فدائیان خلق غضنفری و بحرینی به شهادت رسیدند . رفیق یعقوب بزدانی که خود مدتها رزمده این جبههها بود و بارها مورد تقدیر و قدرانی مقامات مسئول قرار گرفته بود در بهترین به فرمان حاکم شهر ناجوانردانه اعدام گردید . ولی هیچ مانعی رفیقان ما را از رفتن باز نداشت . بیکار بی‌امان ما ادامه یافت انگ در آستانه سالگرد تجاوز ضد مردمی رژیم صدام و آغاز دوسم سال مقاومت قهرمانانه مردم سپهمن خاطر همیشه جاوید همه شهدای به خون حخته جبهه‌های مقاومت را گرامی داشته و با اعلام اسامی پیش از صحت شهید فدائی دلاوری رفیقان شهیدان را که در راه آرمان پرافتخار طبقه کارگر در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ، در راه استقلال و آزادی مبین ، به شهادت رسیدند ، زودتر از همیشه ارج می‌نیمیم . ما به خود می‌بالیم چرا که می‌دانیم :
"رفیقان شهید فدائیان ، قهرمانان سنگرهای مقاومت در قلب بزرگ خلق همیشه‌زنده‌اند"

و گسترده سازمان در میدان‌های نبرد بود . رفیقان ما شک می‌داشتند که چرا به جبهه می‌روند و برای چه می‌جنگند . این بزرگ فریاد آنها است که در سنگ حاحیان می‌بجند : برای این‌که ناهم فریاد مرگ بر آمریکا در هر گوشه میبندم ظنن افکن باشد به جبهه می‌روم
رفیقان ما در شرایطی به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی برخاستند که از سوی "جبهه‌دینان" راست کردار مورد نازواترین احانتها و از جانب جمهوری اسلامی به جرم شرکت جانباخته در جنگ مورد سخت‌ترین پیگردها بودند . آن‌زمان که آوردگاه‌های خون‌فام غرب و جنوب سپهمن شاهد جانباخته‌ترین فداکاری فدائیان خلق در کنار برادران باسدار و بسیج و ارتش بود رفیق "عادل اسکندری" ناجوانردانه به جوخه اعدام سیرده شد .
روزی که رفیق محمدرضا اکبری اسبق در جریان فتح ارتفاعات اللهاکبر به شهادت رسید رفیق عبدالباسط توسط جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سیرده شد .
و دراج درگیری با تجاوزگران که رفیقان ما نیز

کارگران و زحمتکشان را کلکون تر کرد " . رفیقان رزمده‌ای که بانک برداشتند : " می‌مانیم و در خون با تجاوزگران بیکار می‌کنیم " مرگ کوچکتر از آن است که ما را باز دارد " آنگ ، آنجا بر کرانه نیل‌گون بهمنشیر ، این خون رفیق " حاتم‌زاده " است که جاری است . این فریاد رفیق معاف است که در نخلستان‌ها با یاد نوازشگر در هم آمیخته است . این گیسوان به خون نشسته رفیق " سهلا " است بر ساحل کارون ، این نگاه بر صلابت رفیق کارگر " بخرد " است بر محارن پالاسگاه ، ایر "خون سرخ کارگران پیشرو است که سرخی صبح پیروزی زحمتکشان" را نوید می‌دهد . این ...
بدین‌سان "سنگرهای مقاومت در برابر تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون شد" و آنان که عاشقانه فریاد برداشتند که : " بیگیر و بی‌امان تا آخرین نفس علیه تجاوزگران خواهیم جنگید " در ادامه عهد خونینی که با خلق خویش بستند " مالامال از عشق به کارگران و خشم به امپریالیسم به کاروان سرخ شهدای پرافتخار سازمان پیوستند . شهادت دوما تن از رفیقان ما در جبهه‌های جنگ آتشین حضور فعال

شبهای وطن ستاره باران بادا
سرتاسر ملک ما بهاران بادا
جانبازی خلق و رزم و پیروزی‌ما
جاری به عروق روزگاران بادا

رزم مقاومت خلقان یکساله شد . یکسال از نبرد بی‌امان و خونینی که خلقان در برابر تجاوزگران صدامی آغاز کرد گذشت .
از سیده‌دم خونین پائیز ۵۹ تا این نگاه پائیزی که همچنان سرخ‌فام و خونین است ، یک سال ، آری ، یک سال گذشت . یک سالی که لحظه به لحظه‌اش با استادگی و جانبازی با فداکاری و دلاوری همراه بود در تمامی این لحظات ، رفیقان ما ، فدائیان خلق ، راهبان راستین و جان برکف این رزم سپهتی بودند . در تمامی این لحظات خون پاک رفیقان ما که دلاورانه در برابر تجاوزگران صدامی ایستادند قتل رفیع زاکرس و گستره دشت‌های خوزستان را کلکون کرد . خون پاک رفیقان ما ، فدائیان خلق ، در لحظه ، لحظه این رزم سپهتی در کرخه و کارون جاری شد ، و "سرمسین

سنگرهای یسکار با تجاوزگران

سر تا سر دشت موج موج خون است
گلگون ز شاره‌ی خون کاروان است
آن دشت بزرگ بی شقایق امروز
از خون جوانان وطن گلگون است

۵۰ لاله سرخ سنگرهای مقاومت در قلب بزرگ خلق همیشه زنده اند

سنگرهای مقاومت در برابر تجاوزگران

از خون رفیقان ما لاله

هرگز، دا تسلیم هرگز،

دفاع تا پای جان

۶۷ شهید فدائی
این لاله‌های سرخ سنگرهای
مقاومت، در قلب بزرگ خلق
همیشه زنده اند

- ۱- اکبر بدلی (کارگر)
- ۲- اکبر فخور (کارگر)
- ۳- امیر آقایی
- ۴- علی معاف
- ۵- جواد گنجی
- ۶- مریم رئیسی
- ۷- رحیم مقبلی
- ۸- سعید کوش (کارگر)
- ۹- بهرام ورامینی (کارگر)
- ۱۰- محمود آخو
- ۱۱- خسرو کریمی
- ۱۲- حسین شریعتی (کارگر)
- ۱۳- عبدالله مرادی
- ۱۴- محمد بازدار
- ۱۵- تقی اسکویی (کارگر)
- ۱۶- حسین صالحی
- ۱۷- عباس دبه‌دار
- ۱۸- اکرم غفاری
- ۱۹- محمد رضا اکبری اسبق
- ۲۰- غلام عباس بخرد (کارگر)
- ۲۱- عنایت‌الله رئیسی (کارگر)
- ۲۲- محمدرضا آذربان
- ۲۳- سیلا مستغان زاده
- ۲۴- حبیب‌اله فرح‌بخش (کارگر)
- ۲۵- ابراهیم شکرچی (کارگر)
- ۲۶- عبدالحسین شاه‌میر (کارگر)
- ۲۷- محمود اشرف‌آبادی (کارگر)
- ۲۸- فریدون مرتضی زاده (کارگر)
- ۲۹- محمد قاسم فتاح‌بیگی
- ۳۰- محمد مهدی نیک‌اندام
- ۳۱- محمد اسداله نژاد رودبند
- ۳۲- محمد حسین صدرآبادی (کارگر)
- ۳۳- رحمت‌اله (امیر)
- اسفندیاریپور
- ۳۴- نوری نیاکان (کارگر)
- ۳۵- سعید (عباس) آقاپور
- ۳۶- علیرضا خلیلی
- ۳۷- افراسیاب (زوبین) سلیمانی
- ۳۸- سیدرضا طالب‌موسوی
- ۳۹- کاظم عبدی
- ۴۰- علیرضا کاظمی (کارگر)
- ۴۱- علی حاتم‌زاده
- ۴۲- ایرج حسن‌نیا (کارگر)
- ۴۳- لطیف علیزاده
- ۴۴- پرویز کریمیان
- ۴۵- اسحاق بابازاده (کارگر)
- ۴۶- مرتضی دارایی
- ۴۷- زهره موسویون
- ۴۸- وحید نیک‌سیر
- ۴۹- شهریار باقرزاده
- ۵۰- کوروش پاک‌بین
- ۵۱- حمید ولادوست
- ۵۲- غلامرضا صفرنژاد
- ۵۳- محمدرضا جعفری
- ۵۴- منصور دهقانی
- ۵۵- یداله اسماعیلی
- ۵۶- حسین دبه‌دار
- ۵۷- محمدرضا وصال
- ۵۸- محمد علی بحرینی
- ۵۹- مرتضی غضنفری
- ۶۰- ابراهیم غلاوند
- ۶۱- پرویز حلوایز
- ۶۲- امیر سعید واعظی آشتیانی
- ۶۳- بهرام هیبت‌اله سامانی (کارگر)
- ۶۴- بهزاد شیوا
- ۶۵- الماس باباخانی
- ۶۶- محمود طیخی
- ۶۷- منصور حیدری



فدائیان
سنگرهای
مقاومت

از میان یادداشت‌های...

" دیروز خوب جنگیدید آفرین ، دیروز نشان دادید که کمونیست‌ها حرفشان با عملشان یکی است " (جبهه غربی گیلانغرب ۱۲ مهرماه)

در جنوب ، قهرمان شهرهای خرمشهر و آبادان به خطر افتاده‌اند ، رفقای فدایی لحظه به لحظه با ما تماس گرفته و در اوج نگرانی برای نجات خرمشهر و آبادان کمک می‌خواهند ، طنین صدای پیراز نگرانیشان هنوز در گوشمان شنیده می‌شود :

" رفقا ! هرکاری که می‌توانید بکنید با دولت با امام ، با سپاه تماس بگیرید . خرمشهر و آبادان حیثیت ایران هستند . دفاع از این شهرها احتیاج به سلاح سنگین دارد . این فریاد مدافعین شهر است : **سلاح سنگین** " (۲۲ مهرماه ، کار شماره ۸۲)

و این نگرانی در غرب کشور نیز به اوج خود رسیده است . رفقای قصر و گیلانغرب با نگرانی وصف‌ناپذیری می‌نویسند :

" رفقا ! ، سلاح سنگین سلاح سنگین امروز ما با موتور به سوسنگرد رفته بودیم . رفقا ! بدون سلاح سنگین هیچ کاری نمی‌شود کرد . با ۳ - ۳ و کوکتل در صحرای صاف نمی‌شود به جنگ تانک‌ها رفت " (۱۸ مهرماه)

در اینجا سازمان تلاش گسترده‌ای را جهت نشان دادن عمق فاجعه به مسئولین دولتی آغاز می‌کند و همزمان با این تلاش‌ها هواداران سازمان در سراسر ایران ، در سطح بسیار وسیعی این تراکت را پخش می‌کنند :

" پاسداران باید به سلاح سنگین مسلح شوند "

خطر سقوط خرمشهر و آبادان مقاوم نزدیک شده است هواداران سازمان تلاش گسترده‌ای را جهت سازماندهی و بسیج توده‌ها جهت مقابله با متجاوزین عراقی آغاز کرده‌اند . رفقای جنوب در گزارشی به سازمان نوشته‌اند: " فعال‌ترین سازمان سیاسی که در سازماندهی و بسیج مردم ، نقش دارد ، سازمان ما است رهنمودهای سازمان و به ویژه نکاتی درباره آموزش‌های توده‌ای در مقابل دشمن در هزاران نسخه تکثیرشده و توسط مرد و زن و پیر و جوان با ولع و اشتیاق خوانده می‌شود . (جای عکس)

دیوارها از رهنمودهای سازمان که امضای آن را کنده‌اند ، پر است . پشت جیب پاسداران و حتی ارتشی‌ها نیز نمونه‌های بی‌امضای رهنمود سازمان دیده می‌شود .

هم‌اکنون رفقای هوادار، پیشاپیش زحمتگشانی که در شهر باقی مانده‌اند ، شهر آبادان را تبدیل به شهر سنگرها و شهر مقاومت در برابر تجاوزگران کرده‌اند " قهرمانی‌های فدائیان در جبهه‌های جنگ هم اکنون زیانزد تمام مردم منطقه جنگ‌زده است . اما مسئولین دولتی با انحصارطلبی‌های بی‌مورد خود ، رفقای هوادار را زیر شدیدترین فشارها گذاشته‌اند ، تا سنگرها را خالی کنند "

در قسمت‌هایی از یادداشت‌های یک شهید فدایی در جبهه‌های جنگ آمده است :

" ... او را می‌شناسم او هم مرا می‌شناسد . بارها دوش به دوش هم در یک سنگر علیه دشمن تجاوزگر پیکار کرده‌ایم . با تعجب می‌پرسد " چرا داری می‌روی خودم نمی‌خواهم بروم زیر فشاریم دارند بیرونمان می‌کنند " می‌گوید " مگر وابسته به گروه‌های سیاسی هستی ؟ "

بقیه در صفحه ۱۵

یک سال حماسه ...

چهارشنبه بیست و یکم آبان ماه ۵ رفیق فدایی دیگر در پاسداری از دستاوردهای انقلاب در جبهه‌های جنوب شهید شدند .

پنج کامیون پر از مهمات و ۴۰ خودروی عراق در شمال شهر آبادان سالم به غنیمت گرفته شد

پنجشنبه بیست و دوم آبان ماه : جنگنده‌های ایران ، تاسیسات نظامی ام‌القصر و تاسیسات نفتی فلکه و چندین مرکز دیگر نظامی و استراتژیک عراق را بمباران کردند .

یکشنبه بیست و پنجم آبان ماه : به دنبال محاصره شهر سوسنگرد توسط نیروهای عراقی نبرد تن به تن میان رزمندگان ایران و مزدوران عراقی بالا گرفت . ۴۰ تعمیرکار شرکت واحد به جبهه جنگ اعزام شدند .

دوشنبه بیست و ششم آبان ماه : کارگران داوطلب چاپخانه کیهان : " در این جنگ تحمیلی باید پوزه آمریکا و عراق را به خاک بمالیم عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران اعلام کرد : " سوسنگرد کاملاً در محاصره نیروهای عراقی است .

پنجشنبه بیست و نهم آبان ماه : شهرسوسنگرد با مقاومت دلیرانه مردم و رزمندگان ایرانی از اشغال نیروهای عراق درآمد . در رابطه با مساله جنگ اولاف‌پالمه نماینده دبیرکل سازمان ملل وارد ایران شد . پیشروی سنگر به سنگر نیروهای ایران در جبهه گیلانغرب ادامه دارد .

آذرماه ۵۹

شنبه اول آذرماه : شمال شرقی بهمینشیر به تصرف نیروهای ایران درآمد . نیروهای عراق چند کیلومتر از مواضع اصلی خود در جاده آبادان - ماهشهر رانده شدند .

۳۲۴ تن از کارگران پلی‌اکریل اصفهان داوطلبانه از طریق بسیج عازم جبهه‌های جنگ شدند .

یکشنبه دوم آذرماه : ۲۷۰ نفر از کارگران مبارز کارخانجات کاترپیلار ، بوتان ، ایرچک ، ... کفش وین عازم جبهه‌های جنگ شدند .

دوشنبه سوم آذرماه : ۵ تن دیگر از رفقای فدایی به خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب در سنگرهای جنوب جان خویش را از دست دادند .

سه‌شنبه چهارم آذرماه : ۲۰ هزار جنگ‌زده خوزستانی در بوشهر اسکان داده شدند . وزیر امور خارجه فرانسه اعلام کرد که کشورش قرارداد فروش ۶۰ جت جنگی میراژ " اف - ۱ " را با عراق بسته است .

چهارشنبه پنجم آذرماه : جنگنده‌های ایران ، پادگان و فرودگاه صلاح‌الدین در شمال شرقی اربیل ، بغداد و تعداد زیادی از تاسیسات و خودروهای نظامی و انبار مهمات لشکر سلیمانیه را منهدم کردند . کارکنان کارخانجات خلیج مرکزی ۲۷۱۰۰۰

ریال و کارکنان شرکت الیاف ۱۷۶۴۴۸۱ ریال جهت کمک به مناطق جنگ‌زده ارسال داشتند .

شنبه هشتم آذرماه : با عملیات مشترک نیروهای دریایی و هوایی ایران ، ۸ ناوچه موشک‌انداز عراق غرق شد . اکثر ارتفاعات منطقه سومار توسط نیروهای ایران تصرف شد .

سه‌شنبه یازدهم آذرماه : در پی ۷۲ ساعت نبرد ، دشت ذهاب و بز میرآباد به تصرف نیروهای ایران درآمد . ۱۰۰۴ نظامی و دهها تانک مزدوران عراقی در یک حمله توسط رزمندگان ایران نابود شد .

چهارشنبه دوازدهم آذرماه : حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با تلویزیون بی . بی . سی آمریکا گفت : " در صورت نیاز از شوروی هم اسلحه می‌خریم " فرماندار بروجرد اعلام کرد که ۸۰ هزار آواره جنگ در بروجرد بسر می‌برند .

پنجشنبه سیزدهم آذرماه : توسط نیروهای دلیر ایران در جبهه‌های دارخوین ، دبحردان ، شوروشیرین و کانی‌سخت ، تلفات سنگینی به نیروهای عراقی وارد آمد .

یکشنبه شانزدهم آذرماه : امام جمعه تهران گفت ما خودمان را برای هر مدتی که جنگ ادامه یابد ، آماده می‌کنیم

دوشنبه هفدهم آذرماه : سنگرهای عراق در ارتفاعات سد کنجان چم به دست نیروهای ایران افتاد .

سه‌شنبه هیجدهم آذرماه : بزرگترین انبار مهمات نیروهای عراق در خرمشهر منهدم شد . ۷ تن دیگر از رفقای فدایی در نبرد علیه رژیم صدام مزدور ، خون سرخ خویش را نثار دستاوردهای انقلاب کردند .

چهارشنبه نوزدهم آذرماه : دو میگ متجاوز عراق در تهران و همدان سرنگون شد . با انهدام پل ارتباطی ام‌الرصاص توسط توپخانه ایران نیروی دریایی به پایگاه‌های استراتژیک جنوب عراق حمله برد . نفتگران مبارز پالایشگاه آبادان : " در هیچ شرایطی سنگرهای انقلاب را ترک نمی‌کنیم "

دوشنبه بیست و چهارم آذرماه : ۱۷ سنگر نیروهای عراق با نفرات آن در جبهه سوسنگرد منهدم شد .

۹۰ هزار جنگ‌زده در شیراز ، ۱۰ هزار در آغاچاری و ۳۲۰۰ تن دیگر در نهبوند اسکان داده شدند .

سه‌شنبه بیست و پنجم آذرماه : توسط رزمندگان ایران ، ۳ پل تدارکاتی در خاک عراق منفجر شد . شبیخون کماندوهای عراق در جبهه کوره‌موش توسط نیروهای ایرانی دفع شد .

چهارشنبه بیست و ششم آذرماه : ۳۸ سنگر نیروهای عراق در شهر سوسنگرد نابود شد .

پنجشنبه بیست و هفتم آذرماه : رزمندگان دلیر ایران در جبهه سومار خسارات و تلفات سنگینی به نیروهای عراق وارد کردند .



از میان یادداشت‌های...

"آره هوادار فدائیان اکثریت هستم" یکی از پشت سر می‌گوید "فدائیان که این همه شهید داده‌اند، پس چرا آنها را بیرون می‌کنند" از قیافه درهم رفته‌شان معلوم است که همه متأثر شده‌اند (یاد رفیق شهیدمان گرامی باد)

فدائیان خلق علاوه بر پیکار بی‌امان و حماسه‌سازی که بر علیه تجاوزگران دارند، پرچم تبلیغ توده‌ای و افشای فرامدها، خائن را نیز با دست‌های پرتوان خود در جبهه‌ها برافراشته‌اند. (دراهم‌زاد پرچم خونین فدائیان خلق اکثریت)

یک رفیق فدایی در پاسخ همسنگرش که مرد ایلیاتی است و صادقانه می‌پرسد: "راستی برادر، این صدام جنایتکار از جان ملت ما چه می‌خواهد؟" برایش توضیح می‌دهد:

"پشت این صدام جنایتکار، آمریکای جهانخوار ایستاده است آنها می‌خواهند انقلاب ما را به شکست بکشانند"

و آنجا که مرد ایلیاتی با صدقتی بیشتر از پیش می‌پرسد:

"آمریکا که می‌گویند خیلی دور است او اینجا چکار می‌کند؟"

رفیق فدائیمان به سادگی برایش توضیح می‌دهد که: "ببین برادر، آمریکا آنطور که می‌گویند زیاد دور نیست گوش کن! الان صدای مسلسل‌هایشان را می‌شنوی! آمریکا اینجا یا هر جای دیگری می‌خواهد اربابی کند، او..."

اکنون بعد از یک سال که از آغاز جنگ گذشته است در دشت‌های خوزستان، در سنگرهای مقاومت خرمشهر آبادان، مسجد سلیمان، اهواز و سراسر مرزهای غربی کشورمان خون رفقای فدایی با خون زحمتکشان، با خون پاسداران، نیروهای بسیج و پرسنل انقلابی ارتش درهم آمیخته و شورانگیزترین حماسه وحدت خلق ما را علیه امپریالیسم آمریکا و همه رژیم‌های ارتجاعی مورد حمایت آن به نمایش گذاشته است.

اینک سازمان فدائیان خلق (اکثریت) با تقدیم بیش از شصت شهید در جبهه‌های جنگ از این لحاظ در راس تمام سازمان‌های سیاسی کشور قرار گرفته و با افتخار و سربلندی تمام پشتیبانی خود را از انقلاب عظیم و خونبار مردمان به ثبوت رسانده است.

و اینک یکی از آخرین یادداشت‌هایی که از یک رفیق فدایی از آبادان به دستمان رسیده است:

در کوچه‌ها و خیابان‌های آبادان، کارگران شهرداری مشغول تمیز کردن خیابان‌ها هستند و سنگرها و مواضعی را که مردم در اوایل جنگ در خیابان‌ها کار گذاشته‌اند، جمع‌آوری می‌کنند. خیابان‌ها را جارو می‌کنند و شاخ و برگ اضافی درختان را کوتاه می‌کنند، چهره خیابان‌ها کم‌کم دارد دگرگون می‌شود و به حالت عادی باز می‌گردد... شوقی در دلم جوانه زده و سراسر وجودم را پر کرده است. جنگ به پایان خواهد رسید و صلح جایگزین آن خواهد شد، مردم دوباره به خانه‌های خود باز خواهند گشت و به همت بازوی نیرومند کارگران، صنایع بازسازی خواهد شد. باد دودهای غلیظی را که حالا آسمان آبادان را پوشانده‌اند، با خود خواهند برد و باز میلیون‌ها ستاره رخشان آسمان آبادان قهرمان، آبادان مقاوم را آذین خواهند بست"

یکشنبه دوازدهم بهمن ماه کلیه ارتفاعات نوسود توسط رزمندگان به تصرف ایران درآمد.

دوشنبه سیزدهم بهمن ماه یک ستون زرهی در نوار مرزی ایلام توسط جنگنده‌های نیروی هوایی درهم کوبیده شد.

چهارشنبه پانزدهم بهمن ماه از جبهه میهنی عراق برای سرنگونی رژیم صدام فاطانه حمایت کنیم (کار)

پنجشنبه شانزدهم بهمن ماه: نیروهای عراقی ۱۵ کیلومتر در سرپل‌ذهاب و ۴ کیلومتر از ریجاب و دالاهو عقب رانده شدند

شنبه هیجدهم بهمن ماه در منطقه نوسود، ارتفاعات داریان به تصرف نیروهای ایران درآمد.

یکشنبه نوزدهم بهمن ماه: نیروهای ایران ۳ کیلومتر در مناطق ستراتژیک "تنگ‌کور" پیشروی کردند.

پنجشنبه بیست و سوم بهمن ماه: توسط نیروهای ایران چند تپه مهم ستراتژیک در مرز ایلام آزاد شد.

شنبه بیست و پنجم بهمن ماه کارگران کارخانجات میراژ فرانسه از پیام کارگران ایران استقبال کردند. (کار)

دوشنبه بیست و هفتم بهمن ماه: نیروهای رزمنده ایران در منطقه تنگ‌کور گیلانغرب ۳ کیلومتر پیشروی کردند.

سه‌شنبه بیست و هشتم بهمن ماه: ارتفاعات "ذیل" در مهران به تصرف نیروهای ایران درآمد.

اسفند ماه ۵۹

شنبه دوم اسفند ماه: رزمندگان ایرانی طی دو روز نبرد سنگین در جبهه‌های مختلف آبادان، مواضع و خودروهای دشمن را در خاک عراق زیر آتش گرفتند.

دوشنبه چهارم اسفند: جاده‌های تدارکاتی دشمن در محور بصره - شلمچه و خونین‌شهر توسط قوای ایران مسدود شد.

چهارشنبه ششم اسفند: طی یک نبرد شدید در جبهه "مهران" دو ارتفاع مهم در این جبهه به تصرف رزمندگان ایرانی درآمد.

شنبه نهم اسفند: هیات رسیدگی به جنگ مرکب از ۸ تن از سران کشورهای مختلف برای مذاکره با مقامات دولت ایران وارد تهران شدند.

یکشنبه دهم اسفند: شرایط ایران برای پایان جنگ به سران ۸ کشور اعلام شد: ۱- تشخیص متجاوز، ۲- خروج متجاوز، ۳- اجرای قرارداد الجزایر

سه‌شنبه دوازدهم اسفند: زیر آتش شدید نیروهای ایران یک پادگان و پاسگاه "سیبه" عراق با خاک یکسان شد.

بقیه در صفحه ۱۶

شنبه بیست و نهم آذرماه: نیروهای ایران، اردوگاه بزرگ مزدوران عراقی را در سرپل‌ذهاب نابود کردند.

دی ماه ۵۹

دوشنبه هشتم دی ماه: رجایی نخست‌وزیر اعلام کرد: "تجاوز عراقی متجاوز از ۲۰ هزار کشته در هر دو کشور داشت"

سه‌شنبه نهم دی ماه: رزمندگان ایران ارتفاعات ستراتژیک جبهه غرب - دزلی و دارانی را به تصرف خود درآوردند.

چهارشنبه دهم دی ماه: ۴ تن از رفقای سازمان در سنگرهای جنوب به شهادت رسیدند.

شنبه سیزدهم دی ماه: جنگنده‌های ایران، منابع نفتی و تلمبه‌خانه طفائیه عراق را بمباران کردند.

شنبه بیستم دی ماه: سنگرها و تجهیزات سنگین نیروهای دشمن در جاده‌های آبادان - اهواز و ماهشهر نابود شد.

یکشنبه بیست و یکم دی ماه: ۱۲۰ هزار آواره جنگی در استان فارس به خاطر نبود مسکن و مواد غذایی با مشکلات زیادی روبرو هستند.

دوشنبه بیست و دوم دی ماه: در پی تلاش‌های خستگی‌ناپذیر رزمندگان دلیر ایران "تنگ‌حاجیان" در ایلام به تصرف ایران درآمد و پرچم ایران در مرز فرادادی ۱۹۷۵ برافراشته شد. خاطره ۶۰ پاسدار شهید جبهه‌های جنوب همیشه زنده است (کار)

چهارشنبه بیست و چهارم دی ماه: مناطق میمک، سرنی، هلاله، نی‌خضر، انجیرک، کنجان‌چم، کله‌قندی و ارتفاعات مهران با تلاش مداوم رزمندگان ایران آزاد شد رفیق فدایی اسحاق بابازاده از تبار طبقه کارگر قهرمان ایران در جبهه جنوب به شهادت رسید

بهمن ماه ۵۹

پنجشنبه دوم بهمن ماه: تاکنون کارگران آب و برق خوزستان در جبهه و پشت جبهه خون سرخ دهها تن از یاران قهرمان خود را تقدیم انقلاب نمودند.

یکشنبه پنجم بهمن ماه: یک انبار مهمات عراق در کرخه‌کور منفجر شد

دوشنبه ششم بهمن ماه: ۳ تن دیگر از کارگران پیشرو این فرزندان راستین انقلاب جان خویش را نثار آرمان والای انقلاب ایران نمودند.

سه‌شنبه هفتم بهمن ماه: نیروهای عراقی از جبهه‌های مهران - دهلران و سومار عقب‌نشینی کردند.

چهارشنبه هشتم بهمن ماه: با شهادت دو تن دیگر از رفقای سازمان، رفقا بداله خزلی و محمدرضا زینت‌بخش، سنگر مقاومت در برابر تجاوزگران از خون رفیقان ما گلگون‌تر شد.

یک سال حماسه ...

پنجشنبه چهاردهم اسفند :
بررسی طرح سران ۸ کشور برای پایان جنگ آغاز شد.

یکشنبه هفدهم اسفند :
وزیر دفاع : " عراق برای مقابله با انقلاب ایران ، ۳۰ میلیارد دلار از کشورهای مرتجع منطقه کمک گرفت "

دوشنبه هیجدهم اسفند :
در حملات موشکی عراق به مناطق مسکونی در شهر اهواز ، آبادان و شوشتر ، ۲۷ نفر شهید و مجروح شدند .

چهارشنبه بیستم اسفند :
کمیسیون امور خارجه ایران اعلام داشت :
" طرح صلح سران ۸ کشور به منزله کوششی است برای نجات رژیم عراق "

دوشنبه بیست و پنجم اسفند :
۱۴ تن از امرای ارتش عراق در قصر شیرین و سرلشکر ارتش عراق در جنوب تیرباران شدند .

سهشنبه بیست و ششم اسفند :
پایگاه موشکی عراق با ۱۰۰ سرباز بعثی در غرب کشور منهدم شد .

فروردین ماه ۶۰

یکشنبه نهم فروردین :
سران ۸ کشور (هیأت رسیدگی به جنگ) برای سومین بار وارد تهران شدند .

دوشنبه دهم فروردین :
ایران ضدحمله سنگین عراق به دو جبهه غرب را درهم شکست
۸۰۰ سرباز عراقی در عملیات " چغالوند " کشته شدند .

یکشنبه شانزدهم فروردین :
مزدوران عراقی ظرف یک روز ، ۹۰ گلوله توپ به شهر اهواز شلیک کردند .

چهارشنبه نوزدهم فروردین :
نیروهای ایران محل تجمع دشمن را در " سبید " عراق منهدم کردند .
۴ رفیق فدایی قهرمانانه در دفاع از دستاوردهای انقلاب در جنوب شهید شدند .

پنجشنبه بیستم فروردین :
توپخانه ایران مواضع حساس دشمن را در سبید ، واصلیه زیارید و جاده فاو بصره درهم کوبید .

شنبه بیست و دوم فروردین :
دهلران علیرغم ادعای عراق ، مبنی بر تصرف این شهر ، در اختیار نیروهای ایران است

دوشنبه بیست و چهارم فروردین :
با رشادت پاسداران انقلاب ، ارتفاعات امتداد کوه تخت عراق به تصرف نیروهای ایران درآمد .

یکشنبه سیام فروردین :
با حملات هوایی مزدوران عراقی ، ۷۷ نفر در بیمارستان و خانه‌های سه شهر جنوب به شهادت رسیدند .

دوشنبه سی و یکم فروردین :
رزمندگان دلیرایران رادارهای مرزی عراق را منفجر کردند .

اردیبهشت ماه ۶۰

پنجشنبه سوم اردیبهشت :
ایران و عراق از صبح امروز وارد جنگ‌های سنگین در آخرین ارتفاعات بازی دراز شدند .

شنبه پنجم اردیبهشت :
نیروهای رزمنده ایران اکثر ارتفاعات مهم غرب را از تصرف دشمن خارج کردند .

یکشنبه ششم اردیبهشت :
نیروهای ایران ایجاد استحکامات نظامی خود را در مواضع تصرف شده غرب آغاز کردند .

سهشنبه هشتم اردیبهشت :
بخش مرزی " نودشه " به تصرف کامل رزمندگان ایران درآمد .

عراق با یک لشکر زرهی به دشت‌ذهاب حمله کرد . این حمله به دنبال استقرار کامل نیروهای ایران در ارتفاعات " بازی‌دراز " صورت گرفت

پنجشنبه دهم اردیبهشت :
نیروهای ایران مزدوران عراقی را در غرب کشور تا دورترین مواضع خود به عقب راندند .

سهشنبه پانزدهم اردیبهشت :
عراق در جنگ تن به تن جبهه دزفول با شکست‌های فاحش به عقب رانده شد .

چهارشنبه شانزدهم اردیبهشت :
رفقای فدایی هیئت‌اله سامانی و الماس باباخانی در نبرد علیه متجاوزین صدام شهید شدند .

شنبه نوزدهم اردیبهشت :
مزدوران عراق به تلافی شکست‌های اخیر با پرتاب ۲ موشک زمین به زمین به حمیدیه‌اهواز ۵۷ غیر نظامی را به شهادت رساندند .

یکشنبه بیستم اردیبهشت :
۱۹ افسر عالی‌رتبه و جزء ارتش عراق به خاطر شکست در بازی‌دراز و مریوان تیرباران شدند .

سهشنبه بیست و دوم اردیبهشت :
مزدوران عراقی برای چندمین بار مناطق مسکونی آبادان ، جزیره مینو و روستاهای اروندکنار را به توپ بست .

چهارشنبه بیست و سوم اردیبهشت :
" از تلاش‌های صلح‌جویانه هیئت حسن‌نیت کشورهای غیرمتعهد برای دستیابی به صلحی عادلانه استقبال کنیم " (کار)

پنجشنبه بیست و چهارم اردیبهشت :
پاسداران رزمنده و تکاوران دریایی گروهی از نظامیان صدام را در آن سوی اروندرود به هلاکت رساندند .

دوشنبه بیست و هشتم اردیبهشت :
جنايات " دوله‌تو " خلق را در بیکار علیه تجاوزگران راسخ‌تر می‌سازد " (کار)

چهارشنبه سیام اردیبهشت :
" فرار قهرمانانه فدائیان خلق و پاسداران از زندان بصره " (کار)

پنجشنبه سی و یکم اردیبهشت :
رفیق فدایی محمدرضا و صاف به همراه تنی چند از رزمندگان انقلاب در ارتفاعات الله‌اکبر در نبرد با متجاوزین عراقی به شهادت رسید .

خرداد ماه ۶۰

یکشنبه سوم خرداد ماه :
با مقاومت قهرمانانه رزمندگان جبهه،تهاجم گسترده عراق برای تصرف مجدد مناطق آزاد شده درهم شکسته شد .

دوشنبه چهارم خرداد ماه :
رفیق فدایی محمدرضا اکبری اسبق در جریان نبرد قهرمانانه فتح ارتفاعات الله‌اکبر به همراه سایر یاران و رزمندگان انقلاب به شهادت رسید

دوشنبه دوازدهم خرداد ماه :
بمب‌های خوشه‌ای و ناپالم عراق ، ۶۸ نفر از مردم بی دفاع نودشه را شهید و مجروح کرد .

پنجشنبه چهاردهم خرداد ماه :
نبرد رزمندگان دلیر جبهه‌ها برای آزاد ساختن شهر نوسود به اوج خود رسیده است .

شنبه شانزدهم خرداد ماه :
رفیق فدایی بهزاد شیوا به همراه ۲۵ تن دیگر از رزمندگان راه استقلال میهن در جریان فتح ارتفاعات " فوج‌سلطان " به شهادت رسید .

سهشنبه نوزدهم خرداد ماه :
۱۱ منطقه مرزی و چند پادگان عراق در کنترل نیروهای ایران قرار گرفت .

دوشنبه بیست و پنجم خرداد ماه :
نیروهای ایران اسکله‌های البکر والامیه عراق را بمباران کردند

چهارشنبه بیست و هفتم خرداد ماه :
" بمباران پژوهشگاه اتمی عراق : تلاش رژیم صهیونیست اسرائیل برای کسب انحصار قدرت اتمی در خاورمیانه " (کار)

شنبه سیام خرداد ماه :
معمرقذافی رهبر لیبی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق آمادگی خود را برای سفر به تهران و بغداد اعلام کرد .

تیرماه ۶۰

پنجشنبه چهارم تیرماه :
اولاف پالمه پس از دیدار با مقامات ایران و عراق ، با مقامات اردنی ملاقات و ملک‌حسین را در جریان مذاکره اخیر قرار داد . وی سپس به نیویورک رفت . اولاف پالمه از ماموریت خود اظهار نارضایتی نمود .

یک سال حماسه...

شنبه ششم تیرماه
شورای عالی دفاع در مورد پیشنهاد پالمه گفت: "اولین شرط برای مذاکرات خروج بدون قید و شرط نیروی متجاوز عراقی است و متأسفانه این شرط در پیشنهاد پالمه اصلاً طرح نگردیده است."

پنجشنبه یازدهم تیرماه:
وزیر امور خارجه کویا دیروز برای شرکت در گردهمایی وزیران امور خارجه کشورهای غیرمتعهد وارد لوزاکا پایتخت زامبیا شد. این گردهمایی به منظور یافتن راه حلی جهت برقراری صلح بین ایران و عراق تشکیل می‌شود. هند و زامبیا در این گردهمایی شرکت دارند.

یکشنبه چهاردهم تیرماه
سفیر لیبی رسماً پشتیبانی دولت خود را از موضع ایران در قبال جنگ تحمیلی عراق اعلام کرد.

پنجشنبه هیجدهم تیرماه:
نیروهای خودی با تصرف نوسود کنترل مرزهای منطقه را به دست گرفتند.

شنبه بیست و هفتم تیرماه:
ارتش عراق به سوسنگرد با توپ‌هایی که گلوله‌های شیمیایی دارد، حمله کرد.

یکشنبه بیست و هشتم تیرماه:
نیروهای خودی مواضع جدیدی در دشت‌ذهاب بدست آوردند.

مردادماه

دوشنبه پنجم مرداد ماه
در پی یورش همه‌جانبه نیروهای ایران به مواضع دشمن در حاشیه جاده آبادان - ماهشهر بخشی از مواضع اشغالی در این منطقه آزاد شد.

شنبه دهم مرداد:
بزرگترین انبار مهمات دشمن در جبهه دارخوین منهدم شد.

پنجشنبه بیست و دوم مرداد:
وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد "ایران هر نوع محموله جنگی عراق را در تنگه‌هرمز توقیف می‌کند."

دوشنبه بیست و ششم مرداد:
ارتش متجاوز عراق در پی شکست‌های اخیر خود دست به گلوله‌باران بی‌هدف دشت‌ذهاب زد.

شهریورماه

سه‌شنبه سوم شهریور:
سفر و نمایندگان ۲۸ کشور جهان از خرابی‌های جنگ در خوزستان دیدن کردند.

یکشنبه هشتم شهریور:
با تلاش نیروهای مدافع انقلاب قوای ایران از مرز مریوان - نوسود، ۸ کیلومتر در خاک عراق پیش رفتند.



کار ارگان سراسری سازمان فدائیان فدائی خلق ایران (اکثریت)

خلق: متحد، مصمم، پرخروش
تجاوز امیرالیسم آمریکا و رژیم مرتجع عراق را درهم می‌شکنند!

متحد شویم!
همه تجاوزات رژیم ضد مردمی عراق و نوظهورهای امیرالیسم آمریکا را درهم خواهیم شکست تا پای جان از استقلال میهن دفاع کنیم!

به قلب پرخون این ملت نگیرد این شعله خاموشی

مقاومت شورانگیز مردم، در برابر جنایات وحشیانه رژیم صدام حسین روحیه تجاوزگران را درهم شکسته است

تجاوزات رژیم عراق به خاک میهنمان را درهم کوبیم

مقاومت شورانگیز مردم، در برابر جنایات وحشیانه رژیم صدام حسین روحیه تجاوزگران را درهم شکسته است

نیروهای متجدد و مسلح خلق پیروزی می‌آفرینند

نیروهای ترقی‌خواه جهان از دفاع قهرمانانه خلق ما حمایت می‌کنند!

آبادان خرمشهر
سنگرهای سرخ مقاومت شورانگیز زحمتکشان

تسلیم هرگز، دفاع تا پای جان
خلق پایدار حماسه‌می‌آفریند

متحد شویم!
تجاوزات امیرالیسم آمریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

اتحاد کلیه

بقیه از صفحه ۹

و باید با اتکا به پشتیبانی میلیونی خلق انجام داد.

ضد انقلاب سازمان یافته و تفاله های آمریکا

دشواری دیگری که با تمام نیرو در مقابل انقلاب ایران قد افراشته است، جبهه متحدی است از کلیه نیروهای براندازی، که به اشکال گوناگون، از ترور و تخریب و بمبگذاری و انفجار گرفته، تا تبلیغات انحرافی به منظور خارج کردن امپریالیسم آمریکا از زیر ضربه و منحرف ساختن توجه مردم انقلابی ایران از مبارزه اصلی، عمل می کند. از تروریست های پیرو رهبری ضدانقلابی مجاهدین خلق گرفته، تا پیکاری ها، ساواکی ها، و ضدانقلاب سازمان یافته، از گروه های بمبگذار سلطنت طلب و کارشناسان سیا، که برای رهبری عملیات به ایران اعزام شده اند، گرفته تا "رنجبری ها" و بالاخره از امیرانتظام ها، قنات آبادی ها، کلاهی ها و کشمیری ها، این قاتلان شهید باهنرها و شهید رجائی ها، همه و همه از یک طرف می کوشند تا نامنی و بی ثباتی را دامن زنند، جمهوری اسلامی ایران را فلج سازند، شخصیت های انقلابی و با نفوذ را از میان بردارند و زمینه را برای وارد آوردن ضربه توطئه، هموار سازند و از طرف دیگر با ایجاد تبلیغات انحرافی و دمیدن به بوق "خطر شوری و خطر کمونیسم"، از طریق متوجه کردن افکار بخشی از نیروهای انقلابی علیه بخش دیگر و ایجاد تحریکات میان آنها، امپریالیسم آمریکا و خط آن را از انظار دور سازند. خط کلاهی ها و فخارها، کشمیری ها نه فقط در بمب گذاری و کشتار مسئولین مملکتی، بلکه در دامن زدن به تبلیغات ضد شوروی - ضد کمونیستی نیز - که توصیه برژینسکی است - ادامه می یابد.

در همین جا لازم به یادآوری است که قشری گری افراطی - در چهره نشریاتی چون "احزاب" و نیز خط مشکوکی در "اطلاعات هفتگی" و نظایر آنها - در اینجا نیز به مثابه مکمل

فعالانه خلق را تحکیم می بخشید و دورنمای پیروزی توطئه ها را تیره می ساخت. برای امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن بسیار ناگوار بود. علت شهادت نخست وزیر دکتر باهنر و رئیس جمهور رجائی را باید از جمله از این زاویه مورد بررسی قرار داد.

این وظیفه عظیم، هنوز با تمام وزن و اهمیتش بر دوش جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، بی شک در این راه، که حاصل آن جلب میلیون ها انسان محروم و رنج دیده به حمایت تاپای جان از دژ انقلاب است، موانع و دشواری ها بسیارند هنوز نمایندگان طبقات و اقشار غارتگر در اینجا و آنجا به ویژه در مجلس حضور دارند که با تمام نیرو از انجام اقدامات بنیادی به سود اکثریت محروم جامعه ممانعت خواهند کرد. بی شک گروهی از رو انبویان نفوذ و نمایندگان آنها در مسئولیت های مملکتی و در مجلس که به موجب منافع طبقاتی خویش، هرگونه تحدید مالکیت را مخالفت با اسلام و انمود می سازند، نیز با تمام نیرو در مقابل چنین سمت گیری خواهند ایستاد و هنوز کلاهی ها و کشمیری ها که با نقاب های گوناگون به درون ارگان های مملکتی رخنه کرده اند، آماده اند تمامی امکانات خود را حتی برای کشتار مسئولین انقلابی جمهوری اسلامی ایران، بکار اندازند تا این تصمیم به تعویق بیفتد و پیوند خلق با حاکمیت انقلابی هرچه ضعیف تر گردد و زمینه برای وارد آوردن ضربت توطئه بعدی آماده تر باشد...

در اینجا آشکارا خط آمریکا متحد جدیدتری می یابد. این متحد، همانا قشری گری افراطی است که در کنار غارتگران و تفاله های آمریکا، در مقابل پیشروی انقلاب سد می بندد. در انجام تحولات بنیادی اقتصادی، در اجرای هرچه سریع تر دولتی کردن بازرگانی خارجی و حذف واسطه های داخلی، در انجام اصلاحات ارضی بنیادی و ... لحظه ای درنگ جایز نیست. این وظیفه دشوار را نیز می توان

کشمیری درسی دیگر

تاریخ همیشه از درس های آموزنده سرشار است. زیاد دور نروید. همین یک سال پیش را به یاد بیاورید. آنچه را در شش ماهه دوم سال ۱۳۵۹ گذشت، بار دیگر مرور کنید. در مرکز تبلیغات جبهه متحد ضدانقلاب، از "بنی صدر" گرفته تا "رنجبر"، از "پیکار" گرفته تا "نهضت آزادی"، از "توفان" گرفته تا "جبهه ملی"، از "راديو آمریکا" گرفته تا "بوق های امپریالیستی یک ساز" را کوک کرده بودند: توده های همه جا نفوذ کرده اند! مراقب باشید! همه ادارات، سازمان ها، روزنامه ها را توده های و فدائی های "اکثریت" پر کرده اند! مراقب باشید! این جنجال گوش خراش لحظه ای قطع نمی شد.

چرا چنین بود؟ چرا این همه نیرو صرف تبلیغ یک یاوه تاریخی می شد؟ آن روز معلوم بود - و امروز ثابت شده است - که یکی از هدف های این تبلیغات، بزرگ کردن "خطر کمونیسم" - حربه زنگ زده امپریالیسم - است، تا امپریالیسم و عمالش بتوانند زیر این پرده دود، توطئه های ضدانقلابی خود را اجرا کنند.

دشمن نعل وارونه می زده و ایز به گریه گم می کرده است. امروز، بعد از انفجارهای جنایتکارانه پی در پی و شهادت بهشتی ها، منتظری ها، رجائی ها، باهنرها و قدوسی هاست که معلوم می شود. از همان روز دشمنان انقلاب، با استفاده از تجارب و رهنمودهای دستگاه های جاسوسی امپریالیستی، در حالی که دشمن موهوم را با جنجال معرفی می کردند، در حالی که نیروهای مدافع انقلاب را به رخنه متهم می ساختند، به قول آیت الله منتظری خودشان: "فرصت طلبانه خود را انقلابی و مکتبی معرفی کرده و مسئولیت هایی را که باید به دست جوانان مسلمان خالص و متعهد باشد، اشغال نموده" (جمهوری اسلامی

و متحد خط آمریکا عمل می کند و با تلاش جهت تحریک نیروهای انقلابی مسلمان علیه نیروهای اصیل پیرو سوسیالیسم علمی، به ایجاد تفرقه میان نیروهای ضد امپریالیست که هدف تفاله های آمریکاست، کمک می کند.

مقابله قاطع با ضدانقلاب - در هردو چهره اش - وظیفه مرم و جدی دولت جمهوری اسلامی است. از یک طرف تلاش برای جستجو و یافتن لانه های ضدانقلاب، که کمر به ایجاد هرج و مرج، کشتار و ترور مسئولین بسته اند، و از طرف دیگر جستجو برای یافتن کلاهی ها و کشمیری هایی که می کوشند تا در آستانه توطئه جدید آمریکا، "خط آمریکا را منسی کنند" از یک طرف ایجاد سریع یک سیستم امنیتی مطمئن، که خطر نفوذ تفاله های آمریکا را از بین ببرد یا به حداقل برساند و از سوی دیگر تصفیه قاطع ارگان های، کشوری و لشکری از کسانی که سابق منفی شناخته شده ای دارند، و در همان حال تاءمین اتحاد کلیه نیروهایی که وفاداری خود را به انقلاب به اثبات رسانیده اند، و تبدیل این نیروی مطمئن به وسیله معتبری جهت کنترل حرکات ضدانقلابی و ... وظیفه حساسی است که دولت جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با توطئه در حال تکوین امپریالیسم آمریکا، که زمینه اش ایجاد هرج و مرج و کشتار و انحراف افکار عمومی است، باید به انجام رساند.

اتحاد کلیه نیروهای هواداران انقلاب

مقابله با دشواری ها است

در یک کلام، تاءمین اتحاد کلیه نیروهای مدافع انقلاب ایران چه در عرصه جهانی و چه در عرصه داخلی یگانه راه غلبه بر دشواری های عظیم پیش روی انقلاب و مقابله با توطئه های در حال تکوین امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و جبهه براندازی، است. چنین اتحادی نه فقط برای مقابله با دشمن آشتی ناپذیر، بلکه برای بازسازی و نوسازی سرپای جامعه ویران شده ما نیز ضروری است.

شانه خالی کردن از زیر بار چنین مسئولیت خطیری، نابخشودنی است.

بقیه از صفحه ۲

یک سال پایداری...

بر سر راه انقلاب قرار نمی‌گرفت، لیکن هیچ‌یک از مسائل فوق را مانع از آن نمی‌دانیم که امروز همچنان در برخورد با مسائل و مشکلات یک ساله گذشته میهن بر خطاهای خیانت‌بار برخی از رهبران سیاسی که عملاً به دام دشمن درغلطیدند، تاکید کنیم. همه ما که بار سنگین و دشوار دفاع از استقلال و تمامیت ایران را به دوش کشیده‌ایم حق داریم و موظفیم بررسی کنیم که چرا هزاران عضو و هوادار صدیق مجاهدین خلق نباید برغم همه تنگ‌نظری‌ها و سیاست‌های خشونت‌آمیز جمهوری اسلامی سب‌افراز و سربلند در جبهه‌های مقاومت بخروشنند. چرا سنگرهای مقاومت خلق که سخت به نیروی جوان و پر شور نیازمند است، نباید مجاهد را در کنار پاسدار، در کنار ارتشی و در کنار دیگر رزمندگان ببیند؟ چرا خون صدها مجاهد و پاسدار پرشور باید فرسنگ‌ها دور از جبهه‌های مقاومت خلق آن هم در خشمی کور و به دست یکدیگر ریخته شود؟ چرا رهبری مجاهدین به جای مایوس ساختن امپریالیسم و ارتجاع منطقه امروز باید به مایه امید آنها و متحدان داخلی‌شان بدل شوند؟ چرا جوانان صادق و پرشوری چون "جوافشان وظیفه" به جای جنگیدن در جبهه مقاومت باید علیه برادران پاسدار خود به اقدامات تروریستی کشانده شود

گروه‌های سیاسی واقعا به تجارب یک سالی که گذشت صادقانه بنگریم خواهیم توانست در حل بسیاری از دشواری‌های جدی و بزرگی که بر سر راه انقلاب است گام‌هایی بلند برداریم.

مسائل یک سال گذشته آشکارتر از همیشه نشان داد که امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه در تلاش برای به انحراف کشاندن انقلاب و ایجاد کینه و نفاق میان توده‌های مردم با همه توان و تجارب ضدانقلابی خویش از ضعف‌ها، انحرافات و تنگ‌نظری‌های جمهوری اسلامی ایران از یک سو و انحرافات برخی نیروهای سیاسی ایران از سوی دیگر بهره‌برداری می‌کند و هر نیرویی که با هوشیاری ضعف‌های خود را برطرف نسازد و به مقاصد شوم دشمن بی‌توجه بماند، خواه ناخواه و به نوعی در دام او گرفتار می‌آید، بسیاری از مشکلات کنونی انقلاب و همچنین سرنوشت تلخ رجوی و خیابانی نمونه‌های برجسته‌ای از واقعیت فوق است به علاوه حوادث یک سال گذشته ثابت کرد که جمهوری اسلامی ایران در آنجا که توانسته است، با جلب حمایت توده‌های وسیع مردم و اتکاء به توده‌های متحد مردم حرکت کند، گام‌های انقلاب را بارها قوی‌تر و استوارتر ساخته و برعکس آنجا که به جای منطق انقلاب به منطق خشونت و تنگ‌نظری‌های مغایر اهداف انقلاب گرائیده صدای انقلاب تضعیف شده است. تجارب یک سال گذشته به عیان اثبات کرد که هرگاه انقلاب بتواند با اجرای قانون اساسی جمهوری و ایجاد گسترده‌ترین اتحاد میان توده‌های مردم به جنگ مقاومت علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام و ارتجاع منطقه بشتابد، هیچ تجاوزگری را یارای مقابله با انقلاب نخواهد بود.

و تنها در لحظه مرگ آرزوی درونی خود را که شاید مدت‌ها او را در عمق ضمیر خویش زیر فشار قرار می‌داده با گفتن جمله "دلم می‌خواهد در جبهه مقاومت کشته شوم" ابراز کند. آیا اگر چنین بود اگر همه با هم علیه تجاوزگران می‌جنگیدیم امروز میهن ما کاملاً از لوٹ وجود غارتگران پاک نشده بود؟ امروز میلیون‌ها آواره جنگ به کاشانه خود بازنگشته بودند و بار سنگین جنگ از دوش میلیون‌ها ایرانی زحمتکش برداشته نشده بود؟

به راستی اگر بر فرض محال، دیگر نیروهای مدافع انقلاب نیز در اثر سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی به کژراهی که رجوی‌ها و خیابانی‌ها درغلطیدند، می‌رفتند اگر پاسداران، نظامی‌ها و رزمندگان کمونیست تا بدین حد فداکاری نمی‌کردند، امروز خوزستان و غرب میهن در چنگال‌های خونین امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه نبود؟ و اگر همه این سخن‌ها درست است آیا راهی را که رجوی و خیابانی در یک سال گذشته پیموده‌اند می‌تواند جز راه خیانت نام دیگری داشته باشد؟ و آیا شهید محمدرضا سعادت در اثر مرور وقایع یک سال گذشته و قرار گرفتن در برابر پرسش‌های فوق نبود که لحظات پیش از تیرباران صادقانه و شجاعانه آنچه را که باید به هزاران نوجوان مجاهد گفت می‌گفت؟

گفتنی‌ها و پرسیدنی‌ها زیاد است. در این یک سالی که از تجاوز رژیم صدام به ایران می‌گذرد، انقلاب ما از یک سلسله حوادث تلخ و شیرین گذر کرده و تجارب گرانبهای بسیاری اندوخته است. هرگاه همه ما، از جمهوری اسلامی گرفته تا صدها هزار عضو و هوادار

بقیه از صفحه ۳

اهدای گران...

طالقانی و امدادگران به طور دائم زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفت، با مسئولین درمانی منطقه جلسهای تشکیل شده و پیشنهاد فعال شدن بیمارستان شرکت نفت مطرح گردید. می‌دانستیم این بیمارستان هنوز و در این شرایط، کم و بیش نظام بوروکراسی و کهنه و استعماری قدیم را حفظ کرده است و به هیچ وجه خود را با شرایط جنگ منطبق نکرده است. و قرار است تمام کادر آن را به ماهشهر منتقل کنند.

با مسئول درمانی منطقه به بیمارستان شرکت نفت رفتیم و با رئیس بیمارستان به گفتگو نشستیم. در تماس‌های قبلی رئیس بیمارستان خود را فقط نسبت به مقامات شرکت نفت در مرکز مسئول دانسته و از دستورات مسئولین منطقه پیروی نمی‌کرد. و حالا هم روی همان موضع قبلی پای می‌فشرد. بناچار حکمی از طرف اطاق جنگ صادر گردید و بیمارستان و کلیه کادر آن به طور موقت در اختیار اطاق جنگ و مسئول درمانی منطقه قرار گرفت. ولی مشکل اصلی باقی ماند و آن بوروکراسی جا افتاده این بیمارستان بود.

اولین اقدام برای فعال کردن بیمارستان صورت گرفت. با بیمارستان‌های

دیگر و پست‌های امدادی منطقه تماس گرفتیم و خواستیم با هماهنگی صحیح بیماران خود را به بیمارستان اعزام دارند. اقدام بعدی استقرار ارتوپد و جراح و کادر تکسین داوطلب در درمانگاه اورژانس بود. و این کار به سرعت بخش‌های مختلف بیمارستان را با کمک انجمن اسلامی بیمارستان و بقیه پرستاران، پزشکان متعهد و خیل عظیم امدادگران داوطلب، فعال نمود.

امکانات بیمارستان از نظر کیفیت اتاق عمل، وسائل، آزمایشگاه‌ها، بخش‌ها و نیروی انسانی در منطقه بی‌نظیر بود و متأسفانه تا آن زمان رزمندگان و مردم زحمتکش شهر از همه این امکانات محروم بودند. بیمارستان با وجود نواقص موجود با تمام امکانات خود به نیازهای درمانی پاسخ می‌گفت. بیمارانی که به درمانگاه اورژانس می‌آمدند به سرعت رایینه (احیاء) می‌شدند، رادیوگرافی‌های لازم در بالای تخت اورژانس انجام می‌شد و کلیشه آن ۲ دقیقه بعد در دسترس جراح یا ارتوپد قرار داشت. همزمان، کلیه بیماران از نظر گروه خونی گروه بندی شده و در صورت لزوم بانک خون، بلافاصله خون مورد نظر را آماده و به بیمار وصل می‌شدند. ۱۰ دقیقه بیمار را کلاس می‌شدند. گروهی در بخش مراقبت‌های ویژه تحت نظر امدادگران و مراقبین دلسوز قرار می‌گرفتند، گروهی فوراً به اتاق عمل فرستاده می‌شدند و مورد عمل جراحی

لازم قرار می‌گرفتند و گروهی نیز بعد از درمان اورژانس به بخش‌های دوران نقاهت فرستاده می‌شدند. در زایشگاه می‌رویم. ۲ پزشک بومی خرمشهر و امدادگران خرم‌آباد و همدان به ما خوشامد می‌گویند. به سراغ اتاق عمل می‌رویم و به بررسی نواقص و احتیاجات آن می‌پردازیم. لیستی از کسب‌وکارها تهیه می‌شود. رفقای دیگر به سازماندهی درمانگاه اورژانس می‌پردازند. همراه چند داوطلب برای تهیه وسائل عازم بیمارستان مصدق می‌شویم. پیکارگران ما در منطقه بیمارستان مصدق و مسجد جامع هنوز مقاومت می‌کنند. شهر چهره دیگری پیدا کرده و صدای انفجار و صفیر گلوله و خمپاره‌ها آبی قطع نمی‌شود. در محوطه سرسبز بیمارستان و در هر گوشه‌ای بر اثر آتش راکت و خمپاره گودال‌های مہیبی ایجاد شده بود. در مقابل در ورودی بیمارستان با انباردار و نگهبان فداکار بیمارستان روبرو می‌شویم. آنها جزء آخرین افرادی هستند که بیمارستان را ترک می‌کنند. برای تکمیل وسائل بیمارستان می‌رویم. تا می‌توانیم از وسائل مورد احتیاج جمع‌آوری می‌کنیم. رزمندگانی که به زایشگاه می‌آمدند از وحشی‌گری‌های اشغالگران بعضی گفتنی‌ها داشتند و اعمال جنایت‌بار آنها حاکی از نفرت دژخیمانه آنان به افراد سپاه و بسیج در درجه

اول‌بوده این وحشیان حتی آمبولانس‌های حامل زخمی‌ها را از دیوصفتی خود محروم نمی‌کردند و این نقل قول یکی از امدادگران است که بارها در اعماق خطوط دشمن جان محرومان جنگ را نجات داده بود:

هنگام بازگشت از مناطق اشغالی خرمشهر چهار پاسدار و سرباز مجروح را با آمبولانس حمل می‌کردم و ۲ نفر از امدادگران پسر و دختر نیز در جلوی ماشین همراه ما بودند. نزدیک پل ناگهان با رگبار مسلسل کماندوهای عراقی روبرو شدیم. ماشین منحرف شد و در کنار خیابان به مانعی برخورد کرده و متوقف شد. لحظاتی از هوش رفتیم. با صدای شلیک‌های مکرر به هوش آمدم خود را سریعاً معاینه کردم. سالم بودم یکی از امدادگران به روی من افتاده بود و مغز متلاشی شده آن شهید به روی صورت و سینه من ریخته بود. پای دختر امدادگر نیز زخمی شده بود و قادر به حرکت نبود. این وحشیان بارها قسمت زخمی‌ها را به رگبار بستند و ناله‌های زخمی‌ها قلم را از این همه وحشی‌گری آتش می‌زد پس از ساعتی به همراه رزمندگان خودی به محل حادثه برگشتیم دختر امدادگر هنوز هوشیار بود. در عقبی آمبولانس را بازکردم ولی این جانبازان انقلاب با صدها گلوله‌ای که بدنه آمبولانس را آیکش کرده بود به شهادت رسیده بودند. در حالی که تمام وجودم از نفرت به دشمن پر بود امدادگر زخمی و پیکر شهیدان را به زایشگاه منتقل

کردیم و پاسخ تمام مراکز درمانی ما به این نوع وحشی‌گری‌های مکرر همیشه احترام به اصول مقدس پزشکی و مقررات بین‌المللی با زخمی‌های اسیر بود. درمان‌گران ما با رفتار انسانی خود در همان لحظات اول بر روی اسرای دشمن تأثیرات مثبت خود را می‌گذاشتند.

شب دیر هنگام به محل استراحت خود می‌رویم. انفجارهای دور و نزدیک امکان استراحت را از ما سلب کرده است. صغیر خمسه خمسه شنیده می‌شود و صدای مهیب و چندش‌آور انفجار آن زایشگاه و محل استراحت را به لرزه درمی‌آورد. رفقا شروع به خواندن سرود می‌کنند. محافظان زایشگاه به سراغ ما می‌آیند و با شنیدن سرود خیالشان راحت شده و با ما هم‌آواز می‌شوند و باز خبر می‌دهند که زخمی آورده‌اند و همگی به بالین آنها می‌شتابیم.

به تدریج هوا روشن می‌شود. به محوطه بیمارستان می‌آیم و ریهام را با هوای صبحگاهی پر می‌کنم. دهانم مزه بارت گرفته است. گل کاغذی‌های ارغوانی رنگ بیمارستان، جویبارهای خون گرم رزمندگان را در نظرم می‌آورد. نفرت از دشمن متجاوز و کینه از امپریالیسم جنگ افروز تمام وجودم را پر کرده است ولی اعتقاد به نیروی لایزال خلق و امید به آینده تابناک انقلاب، باز وجودم را سرشار از گرمی و نشاط زندگی می‌کند. آری ما می‌رویم که فتح کنیم فردا را.

قلبم از درون ، فشرده می شود .
 پیروزای بی غیرت ، د . . . !
 اگر راس می گین بیان تو
 میدون جنگ . بیان تا تک
 به تک پوزه تونو به خاک
 بمالیم .

و شروع می کند پیراهنش
 را درآوردن . دائم مشت به
 سینه اش می کوبد . باران
 گلوله ، قطع نمی شود . کارگر
 مقاومت می کند و باز فحش
 می دهد . با دهان کف
 کرده ، خودش را از دست
 "فیصل" و "فریدون"
 خلاص می کند . چیزی نمانده
 که رگ های گردنش ، بیرون
 بجهد .

ولم کنین . ولم . . .
 "فیصل" و "فریدون"
 کارگر را به پشت دستگاهها
 می برند . پلک های دود
 زده ام ، مرطوب شده است .
 کارگرها ، یکی یکی بلند
 می شوند . چشم ها ، توی
 چهره استخوانی و
 بی جانشان ، غافلگیر و
 متحیر است . روی پنجه هام
 بلند می شوم . هنوز ، سرپا
 نایستاده ام که صدای مهبیبی ،
 زمینم می اندازد . انگار
 قیرخانه را به توپ
 می بندند . شعله های کوه
 مانند آتش از هر طرف به
 آسمان زیانه می کشد و پیکر
 جمعی از کارگرها ، چون
 ستون های بتونی به هوا پرتاب
 می شود توی جهنمی از دود و
 آتش ، هرکس همکارش را
 صدا می کند . خون و قیر و
 فریاد و طنین گریه کارگرها ،
 قاطی هم است . غوغایی به
 پا شده است . به سختی
 بلند می شوم و دنبال
 بچه ها ، چشم می گردانم .
 سرم به شدت گیج می رود .
 "فیصل" و "فریدون" را
 میان دود و آتش می بینم .
 اما از "بخرد" خبری
 نیست . کارگری ، بالای سر
 یکی از کارگرها که از شکم به
 پائین له شده فریاد می زند :

لامصبا نگاه کنین
 جمشیده (۷) . جمشید مرد .
بقیه در صفحه ۲۱

- ۱ - منظور رفیق شهید کارگر فدائی خلق فریدون مرتضی زاده است .
- ۲ - نازل ، دهانه فلزی شیلنگ
- ۳ - بیلرسوت ، لباس کار
- ۴ - منظور رفیق شهید کارگر فدائی خلق غلامعباس بخرد است .
- ۵ - گس پلنت ، واحد گاز
- ۶ - O P D بیمارستان شماره یک شرکت نفت .
- ۷ - منظور نفتگر شهید جمشید پرچی زاده است .

دستگاهها به طرفمان
 می تابد ، روی پیشانی بلند
 "بخرد" انگار ستاره ای
 طلائی رنگ می ماند . پاکت
 سیگار را از جیبم بیرون
 می آورم . "بخرد" تا
 چشمش به سیگار می افتد
 می گوید :

- بذار تو جیت ، مگه
 دیونه شدی ؟
 - چرا ؟
 - مگه نمی دونی کشیدن
 سیگار قدغنه ؟

شعله های آتش در میان قیرخانه

- دسوردار ، یه جرقه
 بدتر از آتش قیرخونه که
 نیس !

یکمرتبه صدای رگبار
 کالیبر ۵۰ شنیده می شود .
 هرکس ، گوشه های پناه می گیرد
 و روی زمین دراز می کشد .
 گلوله ها از بالای سرمان
 می گذرد و به بدنه مخزن ها و
 بشکه های قیر اصابت می کند .
 یک ردیف گلوله ، درست
 کنارمان ، روی بدنه یک
 پمپ اصابت می کند و نفت از
 لوله بالای سرمان ، شروع
 می کند به پاشیدن . صدای
 دلهره آور صوتی ، روی سرمان
 شنیده می شود و به دنبال
 آن انفجاری ، زمین را زیر
 پایمان می لرزاند . سربلند
 می کنیم . ردیف بشکه های
 قیر ، دوباره مشتعل شده و
 آتش در هر بشکه ، ستون
 ستون زیانه می کشد . دلم ،
 شروع می کند به تپیدن .
 کارگرها به خشم آمده اند .
 "بخرد" را کنارم نمی بینم .
 خودم را سینه خیز جلو
 می کشم . همه دراز کشیده و
 سرپا خشم ، شعله ها را
 می نگرند . کارگری از میان
 دستگاهها می گذرد و می آید
 میان میدان قیرخانه ،
 همانجا می ایستد و با صدای
 بلند شروع می کند به فحش
 دادن .

- بی شرفا ، نامردا ،
 انسانیت ندارین . فقط
 زورتون به دستگاهها رسیده !
 پس فطرتا !
 صداس خشمناک و
 انتقامجو است . هنوز ،
 صدای کالیبر ۵۰ قطع نشده
 است . "فیصل" و
 "فریدون" به طرف کارگر
 می دونند . احساس می کنم

تمام ریخته . دست یکدیگر
 را می فشاریم . شادی
 بی رنگی توی چشم هاش
 می دود .
 می گوید : تو اینجا چکار
 می کنی پیرمرد . سراپا دود
 شدی .
 و با دستان زمخت و
 چربش ، شانهام را می فشارد .
 باهم به گوشه ای می رویم .
 "فیصل" و "فریدون" با
 بقیه کارگرها ، شیلنگها را
 جمع می کنند . توی چهره

استخوانی و بی جانشان ،
 غرور محجوبانه ای موج
 می زند .
 می پرسم : بچه ها
 اومدن ؟
 "بخرد" می گوید : آره ،
 پخش شدن تو قسمت ها .
 سیدفاخر یه لحظه آروم
 نمی گیره .
 باهم آتشی گس پلنت (۵)
 رو مهار کردیم .
 می پرسم : کسی هم زخمی
 شد ؟

"بخرد" می گوید :
 حبیب تموم هیگلش سوخت .
 بچه ها بردنش O P D (۶)
 و ادامه می دهد : کارگرا از
 جون مایه می دارن ، اما
 بالائیها تو فکر نیسن .
 درخواست کردیم ، نفتا و
 یدکی های انبارارو هرچی
 زودتر تخلیه کنن ، اما کسی
 گوشش بدهکار نیس . دارن
 کارگرا رو دلسرد می کنن .
 اگر کارا زیر نظر شورا بود ،
 وضع به این شکل
 در نمی اومد .

قیرخانه آرام شده است .
 کارگرها که شیلنگها را روی
 هم چنبره کرده اند ، روی
 زمین خیس دراز می کشند و
 به دستگاهها لم می دهند .
 "فریدون" سرش را روی
 پایهای "فیصل" گذاشته و
 پلکهایش را روی هم نهاده
 است . هنوز از شلوار
 گرمزده اش ، بخار بلند
 می شود . به آسمان صاف و
 خورشید که گرمای مطبوع و
 مست کننده ای دارد ، نگاه
 می کنم .

هیچوقت از دیدن آسمان
 صاف بالای سرم و رطوبت
 شرجی ، این قدر لذت نبرده
 بودم . لکه نوری که از لای

زیر بغلم می گیرم . فرصت
 نفس تازه کردن نیست .
 باریکه های قیر مذاب ، روی
 فرش سمنتی زیرپایمان راه
 افتاده است . کفش های
 ایمنی و زمخت کارگرها به
 زمین می چسبند و گاه به
 سختی کنده می شود . طولی
 نمی کشد که آتش به محاصره
 کارگرها در می آید و شعله ها
 زیر فشار سنگین آب
 شیلنگها ، نیروی سرکش
 خود را از دست می دهد .

قیر جوشان بشکه ها ،
 سراپایمان را خال انداخته
 است . احساس می کنم ،
 پوستم گر گرفته و مردمک
 چشمهایم دارد آب می شود .
 از بیلرسوت (۳) خیس
 "فریدون" که در میان
 شعله های آتش ایستاده است ،
 بخار بلند می شود . جلو
 می روم . نازل از شدت
 فشار ، روی سینه ام می لغزد .
 کارگر مسنی با کلاه ، آب
 رویمان می پاشد تا حرارت
 شعله لباسمان را نسوزاند .
 رفته رفته آتش فروکش می کند
 و آسمان برای چند لحظه از
 دود غلیظ بشکه های قیر
 گداخته که زیر فشار آب خفه
 شده اند ، تیره می شود .

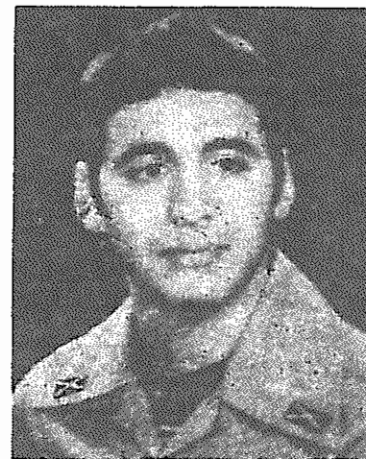
چندتا از کارگرها به سرفه
 افتاده اند . تازه نفسها ،
 نازلها را از دست کارگرهای
 دود زده می گیرند . حالا
 بشکه های قیر به تنبلی
 می سوزد . خسته و با
 چهره هایی پوشیده از دود و
 قیر ، فاتحانه عقب
 می نشینیم . ذرات دوده قیر
 سوخته تمام هوا را پر کرده
 است . به دشواری ، هوا را
 توی ریه هامان می فرستیم .
 کارگرها نفس نفس زنان ، اما
 با شوقی کودکانه و تب آلود
 شیلنگها را جمع می کنند .
 سینه های برآمده و
 استخوانی شان ، زیر لباس کار
 خیس خورده ، بالا و پائین
 می شود . اگر هوا شمال بود ،
 آتش ، دخلمان را می آورد .
 راه می افتم به طرف "فیصل"
 که کسی روی شانهام می زند .
 برمی گردم . بخرد (۴)
 است . قشری از غبار چرب
 بر چهره دارد و مضمم و
 سرحال است . مژه هایش

بازم شیلنگ لازم داریم
 عرق از بدنمان شروع
 می کند به جوشیدن . طولی
 نمی کشد که کارگرهای کارگاه
 مرکزی و قسمت برق ، با
 شیلنگ به کمکمان می شتابند .
 اولین شیلنگ را به کمک
 "فریدون" آماده می کنیم .
 برق خشم از چشمان
 رگزده اش می جهد و
 ماهیچه های صورتش از عرق
 خیس و منقبض شده است .
 همگی به طرف کوه آتش که
 زیانه می کشد ، هجوم
 می بریم . نازل (۲) را محکم

... به محوطه قیرخانه که
 می رسیم ، حرارت شعله از
 فاصله دور ، پوست و
 صورتمان را می سوزاند . از
 برج های پشت قیرخانه مانند
 آتش فشان ، شعله زیانه
 می کشد . کارگرها و ماء موران
 اطفاء حریق ، شیلنگهای
 سنگین فشار آب را به قلب
 آتش هدف گرفته اند .
 شیلنگ ، در دستان تنومند
 کارگرها ، پیچ و تاب
 می خورد . حجم لزج هوا که
 از آتش و دود متورم است ،
 قیرخانه را به جهنمی تبدیل
 کرده است .
 بشکه های مشتعل و ردیف
 شده قیر ، لوله های دور
 مخزنها را ذوب کرده و از
 پمپها و تلمبه ها ، بخار خفه
 کنده ای بلند می شود .
 چندتائی از کارگرها برای
 جلوگیری از سرایت آتش ،
 بشکه های قیر سالم را با لودر
 از محوطه دور می کنند .
 نزدیکتر می شوم . چهره های
 چرک آلود و عرق گرفته ای
 کارگرها ، پشت شعله های
 آتش ، لرزان ، وانگار گوستی
 است که روی آتش ، کباب
 بشود . از لباس های کارشان
 آب چکه می کند . دود ،
 تا زانوانشان ، انباشته
 نوک جراتقالها در تاریک
 - روشن آسمان ، تنها نقطه
 کم رنگی است که در شکم
 دود ، روئیده است .
 لحظه ای مبهوت به تقلائی
 حیرت آور کارگرها نگاه
 می کنم . در میان دود و
 شعله کوه مانند آتش که همراه
 با باد تنبل شرجی به این سو
 و آن سو کشیده می شود ،
 کارگرها چون اشباحی متحرک
 و جان سخت در تلاطم اند .
 "فریدون" (۱) را جلوم ،
 میان کارگرها می شناسم .
 برای یک لحظه نگاهمان با
 هم تلاقی می کند و بعد بدون
 یک کلام حرف ، من و
 "فیصل" به طرف شیلنگها
 و به کمک کارگرها می رویم .
 صداها ، قاطی هم است
 "فیصل" فریاد می زند :

☆ فدائی خلق پرویز حلوایز

در خط مقدم جبهه به شهادت رسید



صبح گاه سیزدهم خرداد ماه سال جاری رفیق فدائی پرویز حلوایز هنگامی که از نزدیکترین فاصله ممکنه به دیدبانی و ثبت وضع سنگرهای دشمن اشغالگر مشغول بود تا لحظه‌ای بعد صبح گاه سیزدهم خرداد ماه سال جاری رفیق فدائی پرویز حلوایز هنگامی که از نزدیکترین فاصله ممکنه به دیدبانی و ثبت وضع سنگرهای دشمن اشغالگر مشغول بود تا لحظه‌ای بعد

رفیق شهید پرویز حلوایز در اسفند سال ۱۳۳۸ در یکی از محلات کارگرنشین اهواز دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در محله "آخر اسفالت" سپری نمود و خود و مردم و دشمنان مردم را در دانشکده، کوچه‌های خاکی محله‌اشان و در مکتب کارگران و زحمتکشان هم محله‌اش شناخت. در جریان انقلاب از آغاز تا پیروزی شورانگیز ۲۲ بهمن و تا لحظه مرگ شرکت نمود. در مرداد ماه ۵۸ به خدمت نظام وظیفه فرا خوانده شد. از بدو ورودش تلاش غرورانگیزی را برای ارتقا آگاهی سربازان آغاز نمود و با علم به دسائیس و توطئه‌های امپریالیزم کوشید اطرافیان خود را متوجه این خطرات نموده و آمادگی هر

انداره همه‌جانبه‌تری برای مقابله با هر بوطئه‌ای بوجود بیاورد. با آغاز تجاوز آمریکائی صدام جدیدین بار داوطلبانه خواستار اعزام به جبهه‌های جنگ شد و سرانجام با گروهان مربوطه‌اش روانه میدان نبرد مقاومت و دفاع از میهن شدند. رفیق با اشتیاق و شور وصفناپذیری به جبهه رفت ولی همواره از این که در واحد سوپخانه بود و نمی‌توانست با خصم متجاوز در نبرد رویاروی قرار گیرد، احساس رنج شگرفی روح سرکشاش را آزار می‌داد. بالاخره با اصرار حیرت انگیز موفق شد از فرمانده‌اش اجازه اعزام به خط مقدم جبهه را کسب نماید. اما بازم عشق به نبرد هرچه رویارویی در او شعله‌ور بود. پس از مدتی

به‌خاطر این که یکی از دیده‌بان‌های گروهان‌شان که منقضی خدمت ۵۶ بود بتواند برای دیدار همسر و فرزند خود به مرخصی برود داوطلبانه جانشین وی شد. نا این که صبح گاه ۱۳ خرداد در حال دیدبانی به شهادت رسید. در مراسم با شکوه حتم رفیق شهید ده‌ها نفر از سربازان هم‌رزم او به همراه فرمانده‌اش یاد قهرمانی‌ها و پیکار جاسازانه‌اش را در راه دفع تجاوز آمریکائی صدام و دفاع از استقلال میهن گرامی داشتند. ما خاطره تابناک رفیق شهید پرویز حلوایز را ارج می‌نهمیم و انقلابی‌ترین دروهای خود را نثار خانواده داغ‌دیده‌اش و همه رزم‌آوران جبهه‌ها می‌نمائیم.

شعله‌های ...

بقیه از صفحه ۲۰

بچه‌ها چشیدو کشتن! کارگر باغچه‌های ضجه‌لودهش توی چهره بهت زده وانگ‌آلود کارگرها چشم می‌دواند. همه بالای سر جشید و "بخرد" و زخمی‌ها جمع می‌شوند. دیگر هیچ‌کس به فکر رگبار کالیبر ۵۰ و شعله‌های سرکش بشکه‌های قیر که آسمان پالایشگاه را گداخته کرده، نیست. حس می‌کنم غلوارم خیس شده است. خون روی زانوی جیم که چاک خورده است، پخش می‌شود. با ذهنی کج و دل‌مرده، کارگرها را که بدور بخرد و زخمی‌ها حلقه زده‌اند، می‌شکافم! زخمی‌ها در حوضچه‌های از خون، به خود می‌پسند. از دو لول بیخی بخرد، خون سرخ و روشنی به زمین می‌چکد. "فیصل" سرش را توی بغل می‌گیرد. چشم‌های معصوم و مژه ریخته‌اش انگار دو گله آتش که خاکستر بر روی آن نشسته باشد، برقی می‌زند و خاموش می‌شود. روی گونه غم‌زده و چرب کارگرها، قطرات زلال اشک می‌غلطد. "فیصل" آرام بلند می‌شود. پلک‌هایش را تنگ هم می‌کند و با قیافه‌ای که هیچ چیز در او اثر نمی‌کند، سرش را به طرف آمبولانسی که آذربیکنان به طوفان می‌آید، می‌چرخاند. قرص خورشید به رنگ خون، بر فراز دودکش‌ها در حال فرونشستن است. مدتی است از شلیک خمپاره‌ها خبری نیست. "باباخان" کلاه کلاکتش را با سرش برمی‌دارد و روی کاسه زانو می‌گذارد. جلو موهایش، سیخ سیخ و

ماستان برزنتارهای خاکستری و سفید است. می‌گوید: - خیری ازش ندیدیم، اما هیچ وقت فکرش نمی‌کردم به روزی به این وضع دربیاد! فکرش نمی‌کردم عاقبت بچه‌ها این باشه. بیچاره باقر (۷) جقدر تو کارگاه مرکزی عرق ریخت. و نگاهش را از برج سوراخ سوراخ شده گنگ‌راگر می‌گیرد. چشمهای تار و بی‌فروغ است. - با قطره‌های خون بیچاره رو، روهم سوار کردیم. خاک هر گوشه‌شوزیر و رو کی استخوان کارگر میزید بالا! - "فیصل" سرش پائین است و با نوک ناخن، تاول‌های کف دستش را می‌می‌خاراند. حواسش، جمع می‌ماند. گره دستمال زخم زانوم را محکم می‌کند. شرابه‌های خون، تا لبه لوله شده، یاچه‌هایم ماسیده است. "باباخان" هنوز توی خودش است. - همه جاش برام آشناس. نت و بولت‌ها (۸)، بیلرها (۹)، پمپ‌ها و کوره‌ها. حتی سوراخای ستراش. هر دستکاشو که نگاه بکنی، حداقل به بیجشو بستم! و بعد با چشم‌های رگ‌زده‌اش توی صورتم خیره می‌ماند. - شما نمی‌فهمین من چی می‌کنم! و رو می‌کند به "فیصل". - یا پدرت به عمر اینجا چون گندیم، استخوان خرد کردیم. خون خیلی از رفیق‌هاون تو همین خاک ریخته شد. برطینین و شمرده حرف می‌زند.

۸ - منظور نفکر شهید باقر درین است. ۹ - نت و بولت - بیج و مهره ۱۰ - بیلر - دودکش - کوره ۱۱ - وارک شاپ - کارگاه مرکزی

طبقه کارگر ...

بقیه از صفحه ۶

گذاردن دسائیس دشمن انقلاب بوده‌اند. کمیته فنی پالایشگاه تبریز پس از بمباران این واحد معظم تولیدی، با کوشش شبانه روزی به ترمیم صدمات وارده پرداخت و در زمان کوتاهی آن را مجدداً برای کار آماده نمود. همچنین کمیته‌های ترمیم و بازسازی در واحدهای دیگری (در تهران) که مورد اصابت راکت‌های عراقی قرار گرفتند نیز نقش بسیار مهمی داشتند. کمیته‌های دفاع از انقلاب که به حق می‌توان آنها را مظهر آگاهی، ایثار و ابتکار کارگران دانست، این کمیته‌ها نقش مثبتی در روند اتحاد و سازمان‌یابی صفوف طبقه کارگر ایفا نمودند و از این طریق و به نوبه خود پایه‌های تشکل کارگری را تحکیم نمودند.

عرصه بین‌المللی و تحکیم پیوندهای انترناسیونالیستی

پیشروترین بخش‌های طبقه کارگر میهنان عرصه دیگری نیز در این میارزه گشودند و آن عرصه مبارزه بین‌المللی و تحکیم پیوندهای انترناسیونالیستی خود با طبقه کارگر عراق و با پرولتاریای جهانی بود.

فرانسه را از انقلاب ایران جلب نمود. این حمایت بی‌دریغ در قطعنامه کارگران فرانسوی به مناسبت اول ماه مه که در آن موکدا از مبارزه طبقه کارگر ایران در برابر تجاوز آمریکائی - صدامی پشتیبانی شده بود بازتاب یافته است.

بدین ترتیب طبقه کارگر ایران همچنانکه با حضور فعال و گسترده‌اش در کلیه عرصه‌های جنگ عادلانه علیه تجاوز صدامیان به وظیفه خطیر دفاع از دست‌آوردهای انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی به شایستگی پاسخ داده است همچنان تا دفع کامل تجاوز و دستیابی به صلحی عادلانه، مبتنی بر استقلال ملی، تمامیت ارضی و احترام به حقوق متقابل نیز در سنگر مقدم انقلاب رسالت تاریخی و انقلابی‌اش را به انجام خواهد رساند.

شرکت پی‌گیر و همه‌جانبه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در جنگ عادلانه.

بی‌گمان شرکت پی‌گیر و همه‌جانبه پیروان راستین سوسیالیسم علمی، سازمان ما و حزب توده ایران در جنگ عادلانه، جلوه دیگری از حضور همه‌جانبه طبقه کارگر ایران در میدان‌های رزم میهن علیه تجاوز صدام است.

کارگران ایران کوشیدند تا از این طریق، ماهیت تجاوزگرانه جنگ تحمیلی از سوی رژیم صدام را افشاء کرده، دست جنایتکار امپریالیسم را در این جنگ تجاوزگرانه نشان داده و برادران طبقاتی خود را به حمایت از جنگ عادلانه مردم انقلابی میهنان فرا خوانند. در همان نخستین هفته‌های پس از آغاز جنگ تحمیلی سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفت ری طی پیامی به کارگران عراق از آنان خواست که برای مقابله با این جنگ تحمیلی دست به کم‌کاری بزنند. کانون هماهنگی شوراهای اسلامی ضمن ارسال پیام به کارگران فرانسه، توطئه ارسال میراژ از سوی امپریالیسم فرانسه به رژیم ضد مردمی عراق را محکوم نموده و کارگران فرانسوی و به‌ویژه کارگران شرکت میراژ را به مقابله با این قبیل تلاش‌های ضدانسانی فراخواند. این پیام که توسط هواداران سازمان ما ترجمه و متن آن در میان کارگران میراژ توزیع شد مورد استقبال آنها قرار گرفت و در پی‌آمد خود پشتیبانی وسیع و پرشور طبقه کارگر و محافل مترقی اجتماعی

بازتاب جهانی جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام علیه انقلاب ایران

بازتاب جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام علیه انقلاب ایران در سطح منطقه و جهان با ماهیت این جنگ و اهدافی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در این جنگ دنبال می‌کند و همچنین ماهیت نیروهای اردوگاه انقلاب جهانی متشکل از اردوگاه سوسیالیستی، جنبش طیفه کارگر کارگر جهانی و جنبش آزادیبخش ملی از یک طرف و اردوگاه ضدانقلاب جهانی از طرف دیگر دارای ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ می‌باشد. امپریالیسم و ارتجاع جهانی از این جنگ تجاوزگرانه که ناعه آن در راستای مطامع آزمندانه و جنایتکارانه‌اش برافروخته شد اهدافی چند را دنبال می‌کنند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود:

— دامن زدن به تشنج برای توجیه افزایش حضور نظامی خود در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به بهانه حفظ منافع حیاتی انحصارات.

— ایجاد شکاف بین خلق‌های منطقه منجمله رواج روحیه ناسیونال شوونیستی، ایجاد انحراف در افکار عمومی خلق‌های منطقه و کوشش برای منحرف ساختن جهت‌گیری نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه که بر مقابله با صهیونیسم، در هم شکستن توطئه کمپ دیوید و مقابله با هر نوع راه حل سازشکارانه دیگری متمرکز شده است و در نتیجه بیرون کشیدن امپریالیسم و متحدانش از زیر ضربه.

— سرپوش نهادن بر نقش خائنانه صدام در مسئله فلسطین و کمپ دیوید با طرح بهانه‌ای از قبیل درگیری این رژیم در جنگ و همچنین کوشش مذبحخانه برای انحراف افکار عمومی مردم عراق.

— و بالاخره ضربه زدن به انقلاب ایران، ممانعت از

شرکت فعال انقلاب ایران در جبهه رویارویی با دشمن امپریالیستی - صهیونیستی و بخصوص توطئه کمپ دیوید از طریق مشغول کردن نیروی انقلاب ایران در جبهه‌های جنگ و دور کردن توجه خلق ما در پرداختن به مسئله اصلی تر.

نیروهای انقلابی منطقه و جهان با شناخت این هدف‌های مرتجعانه ضمن اعلام مکرر حمایت خود از انقلاب ایران برای برقراری صلحی عادلانه که ضامن منافع خلق‌های برادر ایران و عراق بوده، موضع نیروهای انقلاب در سطح منطقه را در جبهه رویارویی با امپریالیسم و صهیونیسم تحکیم کرده و توطئه‌های امپریالیسم را با شکست مواجه سازد، به تلاش جدی برخاستند. نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه منطقه نیز در همین راستا تجاوز عراق را محکوم ساختند. و حمایت خود را از تلاش نیروهای انقلاب جهانی و در پیشاپیش همه اردوگاه سوسیالیستی در برقراری صلح اعلام نمودند.

نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه منطقه در برخورد به مسئله جنگ.

جنگ تجاوزگرانه عراق از همان آغاز با مخالفت جدی نیروهای مردمی و ترقی‌خواه عراق رو در رو بود. این نیروها ضمن محکوم ساختن تجاوز صدام، مردم عراق را به مبارزه در راه سرنگونی این پاند دیکتاتور و خائن فراخواندند.

رفیق عزیز محمد دبیرکل حزب کمونیست عراق در مصاحبه‌ای با نشریه کار مواضع حزب را پیرامون مسئله جنگ چنین اعلام نمود:

" کمیته مرکزی حزب ما در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ یعنی دو روز پس از آغاز جنگ طی بیانه‌ای این جنگ را که باند فاشیستی حاکم در عراق به

خلق ایران و انقلابش تحمیل کرده است محکوم کرده و از مردم عراق، کلیه اقشار و طبقات و نیروهای میهن‌پرست خواست با تمام توانایی خود برای پایان دادن به جنگ و خروج نیروهای عراق از خاک ایران و سرنگونی رژیم دیکتاتوری که میهن و ارتش ما را بادرگیر شدن در این جنگ خانمان‌سوز در خدمت امپریالیسم و عملی شدن توطئه‌های آن قرار داده است مبارزه کنند. "

(کار شماره ۹۹)

همچنین دیگر نیروهای دموکراتیک، میهن‌پرست و مردمی عراق منجمله مسلمانان مبارز این کشور طی اعلام مواضع خود به محکوم ساختن رژیم صدام پرداختند و حمایت خود را از انقلاب ایران و عزم راسخ خود برای سرنگونی رژیم صدام را اعلام نمودند.

از طرف دیگر نیروهای عضو جبهه پایداری (ساف) سوریه، لیبی، جمهوری دموکراتیک یمن، الجزایر) نیز ضمن محکوم ساختن جنگ و حمایت از انقلاب ایران برای فعالیت در راه صلح اعلام آمادگی نمودند.

طبق گزارش خبرگزاری فلسطینی وفا " شورای ملی فلسطین " منعقد در ماه ژوئن " در رابطه با جنگ ایران و عراق خواستار پایان دادن فوری به خصومت شد و کوشش‌های سازمان آزادیبخش فلسطین را در جهت خاتمه دادن به آن ستود، باشد که تمامی توان دو طرف جنگ بر علیه دشمن واقعی، یعنی صهیونیسم و امپریالیسم و برای آزادی فلسطین و بیت‌المقدس به کار رود. شورای ملی فلسطین می‌افزاید که این جنگ تنها به امر فلسطین لطمه وارد می‌آورد و به سود دشمنان ملت عرب و مردم مسلمان تمام می‌شود. "

علی مصطفی معاون دبیر کل " جبهه خلق برای آزادی فلسطین " طی مصاحبه‌ای اعلام

کرد: " ما به وضوح اثرات زیانبخش جنگ ایران و عراق را بر موضع ملت عرب در برابر توطئه کمپ دیوید مشاهده می‌کنیم. عراق در جریان این جنگ کاملاً از جبهه مقابل اعراب با دشمن صهیونیست خارج شده است، هرچند که در مراحل جاری مبارزه نقش فعالی نداشت. جبهه خلق برای آزادی فلسطین " این جنگ را محکوم می‌کند و رژیم عراق را مسئول شروع آن می‌داند. "

از همان روزهای اول انقلاب ایران، عراق در مقابل آن ایستاد. رژیم عراق هیچ کوششی برای برقراری روابط مثبت و صلح‌آمیز با رهبری جدید ایران به عمل نیاورد. برعکس سیاست‌های خصمانه علیه ایران ادامه یافت. رژیم عراق از افتخارات قادسیه سخن راند تا پرچم شوونیسم ملی را به حرکت در آورد و اعراب را تحت شعار احیای حق ملت عرب بر شط العرب و سه جزیره در مقابل ایرانیان قرار دهد. همه این اقدامات به صورت هماهنگی انجام می‌شد تا ترس رژیم صدام را از تأثیر انقلاب ایران در کشور عراق بیوشاند. "

(نقل از بولتن جبهه)

معمّر قذافی رهبر لیبی در مهرماه ۵۹. حمایت قاطع صریح و آشکار خود را از پیکار عادلانه خلق‌های ایران در برابر تجاوز صدام اعلام نمود. وی دفاع از انقلاب مردم ایران را در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و تجاوزات رژیم صدام حسین وظیفه همه نیروهای ترقی‌خواه و ضدامپریالیست خواند.

دولت سوریه ضمن محکوم کردن تجاوز عراق مکرراً حمایت خود را از انقلاب ایران اعلام نمود. از جمله در اعلامیه مشترک رهبران سوریه و اتحاد شوروی آمده است:

" دو کشور برای انقلاب ایران ارزش شگوهمند قائلند و عقیده دارند که این انقلاب به خاطر درهم شکستن رژیم شاه و سلطه امپریالیسم آمریکا تاریخ‌ساز است. "

الجزایر و یمن دموکراتیک نیز ضمن حمایت از انقلاب ایران در محکوم کردن جنگ موضع گرفتند.

کنگره خلق عرب که در بر گیرنده سازمان‌های انقلابی و دموکرات و کمونیست منطقه است در اجلاس شورای نمایندگان خود که در ۱۴ اکتبر در طرابلس منعقد شد اعلام نمود:

" انقلاب اسلامی ایران تازه در شروع کار خود می‌باشد و دشمنان انقلاب ایران که مجهز به ایدئولوژی امپریالیستی - صهیونیستی هستند در مقابل آن جبهه گرفته‌اند. ما باید مطمئن باشیم که رژیم انقلابی ایران متحد ملل عرب می‌باشد. با توجه به تمام مطالبی که فوق طرح شد دبیرخانه دائمی کنگره خلق عرب جنگ عراق با ایران را محکوم کرده معتقد است که این جنگ در خدمت نیروهای صهیونیست، ارتجاع و امپریالیست‌ها می‌باشد. "

احزاب کارگری و کمونیست کشورهای عرب در اعلامیه مشترک خود پیرامون جنگ چنین اظهار نظر کردند:

" جنگی که رژیم حاکم بر عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ علیه انقلاب ایران برافروخت برای تسهیل حرکات امپریالیسم در منطقه بوده و رژیم‌های عراق، اردن و سعودی در تشویق ایالات متحده آمریکا در اجرای توطئه‌هایش عملاً مشارکت دارند. آنچه اخیراً راجع به تسلیح عراق از جانب مصر اعلام شد و اعزام گشتی‌های بزرگ حامل سلاح به عراق دامنه سازش پنهانی طرف‌های قضیه را آشکارتر می‌کند. این جنگ تلفات جانی و مالی عظیمی به بقیه در صفحه ۲۳

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

سرشت جنایتکارانه و ضد مردمی تروریسم کور آشکارتر میشود

شهادت آیت الله مدنی و نماز گذار

جنایت جبهه براندازی

به سرکردگی امیربالیسم آمریکا را محکوم می کنیم

روز جمعه ۲۵ شهریور ماه جاری در مراسم نماز جماعت تبریز ، آیت الله سیداسدالله مدنی امام جمعه تبریز همراه شش نماز گزار دیگر بر اثر انفجار نارنجکی به شهادت رسیدند .

این جنایت ددمشانه جبهه براندازی به سرکردگی آمریکای جنایتکار ، سرشت ضد مردمی تروریسم کوری را که از جانب آمریکا رهبری می شود آشکارتر ساخت . و خشم توفنده خلق را علیه امیربالیسم آمریکا و متحدان آن شعله ورتر کرد .

جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا ، متناسب با آشکارتر شدن سمنگیری مردمی انقلاب و گشایش افق های تازه ای برای اجرای طرح هایی که به سود زحمتکشان و مردم محروم جامعه است به اقدامات جنایتکارانه خود علیه مقامات جمهوری اسلامی و نیروهای مؤمن و مدافع انقلاب افزوده است . آمریکا و متحدان آن نومیدانه به هر جنایتی دست می زنند تا شاید بتوانند در پیشرفت انقلاب اختلال به وجود آورند .

تروریسم کور کونی که تاکنیک و حربه امیربالیسم آمریکا و ضدانقلاب سبلی خورده است نه تنها از جانب سلطنت طلبان و مزدوران امیربالیسم بلکه از جانب تروریست های بازی خورده ای که به دام خیانت رهبران خود گرفتار آمده اند نیز به کار گرفته می شود و این از بزرگترین جنایاتی است که آمریکا به مردم ایران روا داشته است .

خروش مردم تبریز در مراسم تشییع پیکر آیت الله مدنی و مراسم پرشکوه بزرگداشت ایشان در شهرهای آذربایجان و دیگر نقاط ایران متوجه محکوم ساختن این جنایت آمریکا پرورده بود و بار دیگر اراده خلل ناپذیر مردم ما را در مبارزه پیگیر علیه آمریکای جنایتکار و متحدان آن به اثبات رسانده است .

با شهادت آیت الله مدنی مردم ایران یکی از فرزندان صدیق انقلاب و خدمتگزاران

مؤمن به جمهوری اسلامی را از دست داد . البته این ضایعه بزرگی است که بار دیگر ما را بر اهمیت درک ضرورت هوشیاری و اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب فرا می خواند .

جنایتکارانه آمریکا برانگیختن خشم مردم علیه تروریست های بازی خورده ای است که نادانسته مجری سیاست های آمریکا و رهبران خائن خویشند . اقدام جنایتکارانه ای که نماز جمعه تبریز را به خون کشید باید هشداری باشد برای همه نیروهای مدافع انقلاب که مبارزه با تروریسم را در تمامی ابعاد آن مورد توجه قرار دهند و هوشیارانه از دایمی که آمریکا گسترده است تا " شعار مرگ بر آمریکا " بفراموشی سپرده نشود .

اجتناب کنند . اگر یک سوی مبارزه با تروریسم ، پاکسازی نهادها و ارگان های جمهوری از عوامل مشکوک و آمریکا کاشته است ، اگر برخورد قاطع با عوامل مستقیم ترور و اقدامات جنایتکارانه ای از این قبیل ضرورت اجتناب ناپذیر است ، باید این نکته درک شود که تنها با مبارزه پیگیر با پایگاه اجتماعی تروریسم یعنی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی ؛ یک سو و اجرای اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی انقلاب و رعایت آزادی های سیاسی مصرحه در قانون اساسی از سوی دیگر می توان نیروهای فریب خورده ای را که به این دام مهلک گرفتار آمده اند به سوی انقلاب جلب نمود .

سازمان ما ضمن محکوم کردن عمل جنایتکارانه انفجار بمب در مراسم نماز جمعه تبریز فقدان شهید آیت الله مدنی را به رهبر انقلاب امام خمینی ، به مردم دلاور ایران و به خانواده ایشان تسلیم گفته و خود را در اندوه شهادت ایشان و همه آنان که در این فاجعه جان خود را از دست داده اند سهمیم می داند .

ما باردیگر همه نیروهای مدافع انقلاب را به هوشیاری و اتحاد فرا می خوانیم .

بازتاب ...

بقیه از صفحه ۲۲

که هم در عراق و هم در ایران نتایج لازم را از این موضوع خواهند گرفت .

با آغاز جنگ تحمیلی عراق بر ایران ، سوروی همچنین لافاقله ارسال کلید سلاح ها و ملزومات حکی عراق را قطع نمود . سایر کشورهای سوسیالیستی نیز با اتخاذ مواضع مشابه جنگ را محکوم ساخته خواستار پایان گیری آن و برقراری صلحی عادلانه شدند . از جمله ویتنام ، بلغارستان ، آلمان دموکراتیک جمهوری خلق کره ، کوبا را می توان نام برد .

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و فدراسیون سراسری اتحادیه های عرب نیز در تاریخ آذرماه ۵۹ در سوریه در پایان دیدار هیئت های نمایندگی دو اتحادیه نگرانی عمیق خود را از جنگ با ایران ابراز داشتند و در اعلامیه خود مسبب این جنگ را نیروهای امیربالیسم و عوامل مرتجع اعلام نمودند . در اینجا لازم است به کوشش های پیگیر کشورهای سوسیالیستی همچون کوبا که در رأس هیئت میانجی کشورهای غیرمتعهد بارها به دو کشور سفر نموده و با ارائه طرح های واقع بینانه برای خاتمه دادن به جنگ اشاره نمایند . کوشش هایی که همچنان ادامه دارد و علیرغم موانع راه از حرکت باز نمانده است .

امیربالیست ها ، صهیونیست ها و مرتجعین و مسئله جنگ

اما در مقابل سیاست

خلق های عراق و ایران وارد آورده و امیربالیسم را در اجرای توطئه هاییش و نیز افزایش تمرکز نیروهای نظامی امیربالیستی در خلیج تبزئه و توجیه می کند . احزاب در اینجا همچنین باید به کوشش های نیروهای ترقی خواه و انقلابی منطقه در آغاز مذاکرات صلح اشاره نمود و منجمله نقش یاسر عرفات در هیئت میانجیگری جنبش غیر متعهد ها و غیره ...

اردوگاه جهانی انقلاب و مسئله جنگ

کشورهای سوسیالیست ، جنبش کارگری جهانی و احزاب کارگری و کمونیست جهان ، نیروهای دموکراتیک ، ترقی خواه و صلح دوست جهان نیز به همین شکل کوشش وسیعی را برای پایان دادن به جنگ ، دفاع از انقلاب ایران ، و مقابله با توطئه های امیربالیسم آغاز نمودند .

لئونید برزنف و سایر رهبران شوروی طی گفتارهای متعددی و از جمله در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی سیاست اتحاد شوروی پیرامون جنگ عراق و ایران را اعلام نمود . در گزارش وی به کنگره ۲۶ حزب کمونیست شوروی آمده است :

" این جنگ از نقطه نظر منافع این کشورها (ایران و عراق) جنگی است مطلقاً بی معنی . ولی همین جنگ برای امیربالیسم که می خواهد و خواب می بیند که چگونه مواضع خود را در این ناحیه اعاده نماید بسیار سودمند است . مایلیم امیدوار باشیم

انقلابی و مردمی اردوی انقلاب جهانی ، امیربالیست ها و وابستگان شان چه کردند ؟ امیربالیسم آمریکا علیرغم برخی زست های طرفداری از صلح با استفاده از موقعیت به تقویت موقعیت نظامی خود در منطقه با توجیحات مفتضحانه ای چون به خطر افتادن منافع آمریکا اقدام نمود . نیروهای واکنش سریع آمریکا در پایگاه های مختلف از جمله در عمان مستقر شدند . اوکاز های نظامی این کشور در خلیج فارس افزایش یافتند . سیل ارسال اسلحه به عربستان سعودی (منجمله آواکس های حاسوسی) و پاکستان به موجب قراردادهای چندین میلیارد دلاری گسترش بی سابقه ای یافت . پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه تقویت شدند و تلاش برای ایجاد پایگاه های جدید در عمان ، پاکستان و ... تشدید گردید .

امیربالیسم فرانسه نیز به ارسال اسلحه از جمله هواپیمای میزازه به عراق اقدام نمود . دولت صهیونیستی اسرائیل با استفاده از شرایط نوین حملات سبعانه خود به انقلاب فلسطین و جنوب لبنان را تشدید کرده و کوشید تا فشارهای وارده بر خود را تخفیف دهد . رژیم مصر نیز در هین راستا ضمن حمایت از عراق جنگ را موقعیتی مناسب برای تقویت قرارداد خائنانه کمپ دیوید و کشاندن عراق ، عربستان ، وارد در حرکت آن تشخیص داد . باشد که خلق ما و انقلاب ما با شناخت عمیق تر از دوستان خود به پیام آنها پاسخ مثبت گفته ، کوشش در راه استقرار صلح عادلانه به ثمر نشیند و راه گسترش توطئه های امیربالیسم سد گردد .

راه را بر ...

بقیه از صفحه ۲۴
رفتارند نیستند به آغوش انقلاب بازگردند .
حکام اعدام کانی هم که در زندان ها به اشتباه خود بی برند برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در پیکار ضد امیربالیستی آمادگی خود را اعلام می کنند ملحق شود . و در زندان این فرصت به آنها داده شود که پیرامون راهی که رفتند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندیشند .
از صدور احکام اعدام .
حجولانه مطلقاً اجتناب خود .
به متهمین این فرصت داده شود که بیشتر بیاندیشند تا بر اساس احکامات و خشی که از بدیده های عام روزهای آغاز دستگیری است در باره افراد قضات نشود . تمام تجزیهات نشان می دهد که

قدر کارزار و خلاق است ماه های پیش از بازجویی برای زندانی هایی که قلیقان با مردمان است اما دچار ارزشیابی های غلط هستند و علیه مردم اقدام می کنند .
موازن قانونی و حقوقی که قانون اساسی برای زندانیان به رسمیت شناخته است حتی الامکان رعایت شود و شورای عالی قضائی با دادگاه هایی که سیاست عمومی جمهوری اسلامی را رعایت نمی کنند به طور جدی برخورد کند .
دادگاه های انقلاب و سایر ارگان های انتظامی و قضائی نسبت به اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان انقلاب شهید محمد تقی قدوسی باز دیگر عهد خود را اعلام کنند و در عمل بدان پای بند مانند و جلوی هر نوع تخلف از آن را بگیرند .
ما فکر می کنیم چنانچه این تدابیر به کار بسته شود و موفقیت و پیشرفت آرزو می کنیم .

آبادان ، چون سنگری خونین



ای جزیره خونین من !
 ای از چهارسو ، آماج شلیک‌های "خمسه‌خمسه"
 ای سرزمین حماسه‌ای خون و انقلاب
 که اینک حرامیان
 از هرسو ، از آسمان دود گرفته شهر
 از پشت "بهمنشیر" و "اروند" خونالود
 و از پناه نخل‌های سوخته "گوت شیخ" و "عباره"
 قلب ترانسانه رفته‌اند
 قلب ترا که ستاد نفتگران
 قلب ترا که ستاد فلاحان
 قلب ترا که ستاد پاسداران و فدائیان است .
 می‌دانم که از آغاز "مهر" خونین ،
 پلک‌های خواب ، برچشمان خون‌گرفته هوشیارت نیاسوده است
 و دودهای تلخ متصاعد از مخزن‌های گرگرفته پالایشگاه و "تانگ فارم"
 پیگر خونینت را از تابش حیاتبخش آفتاب ، محروم ساخته است .
 اما سرزمین تباری من ! ای زادگاه منقلب !
 مطمئن باش و بخاطر بسیار
 مادام که اتحاد خلق زحمتکش پابرجاست
 خاکت ، این تربت مقدس آغشته به خون شهیدان ،
 هرگز در زیر چکمه‌های اشغالگر حرامیان ، لگدکوب نخواهد شد !
 ای خوب‌ترای رفیق !
 این را بدان ، تا خون شهیدان "خونین شهر" در رگ‌های تو جاریست
 و تا زمزمه‌های رسای انقلاب زحمتکشان
 در "دجله" و "فرات" ، سرود قتل دشمن ترا می‌خواند ،
 پوزه خونالود هیچ شغالی
 در خاک تو
 زوزه فیروزی سر نخواهد داد

اولین روزهای جنگ : آبادان، بذر مقاومت حماسه‌آفرین
 خلق در اولین سنگربندی خیابانی

آبادان
 دهم آبان ماه ۱۳۵۹

تلگرام تسلیت کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب

به مناسبت شهادت حجت‌الاسلام سیداسدالله مدنی و درگذشت حجت‌الاسلام اشراقی
 حضور امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با ابراز تأسف عمیق از شهادت
 حجت‌الاسلام سیداسدالله مدنی امام جمعه تبریز و همچنین درگذشت حجت‌الاسلام
 اشراقی ، بدین‌وسیله مراتب تسلیت خود را اعلام می‌دارد .
 شهادت حجت‌الاسلام مدنی که در اجرای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و تلاش
 خائنانه برای به زانو درآوردن انقلاب مردم ما توسط تروریست‌های بازی‌خورده به
 جنایتکارانه‌ترین شکلی صورت گرفت . چهره منفور و ماهیت پلید جبهه‌براندازی
 بسرکردگی امریکای جنایتکار را آشکارتر ساخت . این جنایت هولناک نشان دشمنی
 کینه‌توزانه آمریکا و متحدان آن با انقلاب ایران است و ما را بر آن می‌دارد که بار دیگر
 بر ضرورت اتحاد و هوشیاری فزونتر همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
 تأکید ورزیم .

شهادت فرزندان مومن انقلاب نه تنها خللی در عزم راسخ مردم ما بوجود نمی‌آورد
 بلکه اراده مردم قهرمان ما را در مبارزه پیگیرتر علیه امریکای جنایتکار و تفاله‌های آن
 صدچندان می‌کند .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 یکشنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۶۰

دولت باید تمامی دانش‌آموزان را بی هیچ قید و شرطی در مدارس ثبت نام کند

● ممانعت از تحصیل بخشی از دانش‌آموزان کشور
 به بهانه گرایش‌ها و فعالیت‌های سیاسی آنان در
 سال قبل نمی‌تواند به چیزی جز دشمنی با انقلاب
 تعبیر گردد .

● اصل سوم قانون اساسی بر آموزش و پرورش
 و تربیت بدنی رایگان برای همه تصریح دارد و
 اصل سی‌ام قانون اساسی همین امر را با صراحت
 بیشتری به مثابه وظیفه دولت جمهوری اسلامی
 دانسته است .

پیش‌پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر